



# حق خواهی از ایران

موضوع دگرباشان جنسی در ایران

در زمینه‌ی قوانین داخلی و بین‌المللی،

سلامت ذهن و روان و جنبش‌های مدنی





# حق خواهی از ایران

موضوع دگرباشان جنسی در ایران

در زمینه‌ی قوانین داخلی و بین‌المللی، سلامت ذهن و روان و

جنبش‌های مدنی

همراه گفت‌وگوهایی با حسین علیزاده، فرید حائری‌نژاد، ساقی قهرمان،  
مهری جعفری، سوده راد، هوداد طلوعی رها بحرینی و زینب پیغمبرزاده

و مقالاتی از رامتین شهرزاد



تمام حقوق این اثر محفوظ و متعلق به **رادیو زمانه** است. تکثیر و باز نشر آن توسط نهادهای غیرانتفاعی یا آموزشی به صورت رایگان آزاد است و نیازی به اجازه کتبی نیست. هرگونه ارجاع به این اثر یا بازنشر آن باید با ذکر مأخذ آن همراه باشد.

Copyright © 2016 by Radio Zamanehl

**چاپ نخست: ۱۳۹۵-۲۰۱۶**



## فهرست

۷	تشکرها
۹	در معرفی چهره‌های حاضر در کتاب
۱۱	مقدمه‌ها
۱۲	نگاه‌های دیگران به زندگی من متفاوت
۱۷	در موضوع دگرباشان جنسی
۱۹	جرم‌انگاری رابطه جنسی رضایتمندانه دو همجنس بالغ
۱۹	مقدمه‌ای بر قوانین داخلی ایران همراه با بندهای قانون جدید مجازات اسلامی در جرم‌انگاری همجنس‌خواهی
۲۵	همراهی با قوانین بین‌المللی
۲۵	آنچه قوانین بین‌المللی می‌گویند و آنچه می‌توان در ایران انجام داد

## مصاحبه‌ها

	حقوق بشر، حقوق جنسی و آزادی‌های اجتماعی
۲۸	در گفت‌وگو با حسین علیزاده
	سازوکارهای حقوق بشر سازمان ملل متحد و موضوع دگرباشان جنسی ایران
۳۴	در گفت‌وگو با حسین علیزاده
	زبانی عاری از توهین و تبعیض نسبت به دگرباشان جنسی
۴۴	در گفت‌وگو با فرید حائری‌نژاد

دگرباشان جنسی ایران؛ شهروندان آگاه به حقوق خود

۴۹ . . . . . در گفت‌وگو با ساقی قهرمان

دگرباشان جنسی و نجات از نابودی روح و روان

۵۹ . . . . . گفت‌وگو با هوداد طلوعی

دگرباشان جنسی و پیچیدگی مسائل حقوقی

۶۵ . . . . . در گفت‌وگو با مه‌ری جعفری

دوجنس‌گرایان ایرانی و حق و حقوق قانونی

۷۲ . . . . . در گفت‌وگو با سوده راد

فرد پناهنده و موضوع سرزمین مادری

۷۹ . . . . . در گفتگو با رها بحرینی

دوجنس‌گرایان، جنبش زنان و جنبش دگرباشان جنسی ایران

۸۳ . . . . . در گفت‌وگو با زینب پیغمبرزاده

## ۸۹ . . . . . مقاله‌ها

۹۰ . . . . . تفتیش جنسیتی، شنود و تجاوز به حریم خصوصی

نظام‌های تادیب و حذف

۹۲ . . . . . حضور مجازی همجنس‌گرایان در دنیای واقعیت

حمله‌های همجنس‌گرا ستیز مقامات حکومتی

۹۸ . . . . . نگرانی‌های حکومتی نسبت به عرفی‌سازی همجنس‌خواهی

تفتیش هویت جنسی و هراس دائم برای زندگی

۱۰۱ . . . . . بازداشت گروهی به اتهام همجنس‌گرایی در کرمانشاه

همجنس‌خواهی بدون همجنس‌گرایی

۱۰۷ . . . . . نوجوانی همجنس‌خواه امروزی



## تشکرها

موضوع دگرباشان جنسی ایران (همجنس‌گرایان مرد و زن، دوجنس‌گرایان، تراجنسی‌ها، کوپیرها و مانند آن) مسأله‌ی است که از سایه بیرون آمده است. بعد از دهه‌ها سانسور گسترده بر موضوع هویت و گرایش جنسی، امروز ما در فضای به‌نسبت آزادتر رسانه‌های اجتماعی متکی بر اینترنت، می‌توانیم صحبت از ناگفته‌ها داشته باشیم و سکوت را از این موضوع کنار بزنیم.

هدف اصلی انجام این نُه مصاحبه هم ایجاد فضایی پویاتر برای اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی به شکلی شفاف برای بهتر دیده شدن موضوع‌های مرتبط به دگرباشان جنسی ایرانی است. امیدوار هستیم که انجام چنین مصاحبه‌هایی دنبال بشود و بتوان بهتر و پاینده‌تر، در موضوع هویت و گرایش جنسی صحبت کرد.

همچنین امیدوار هستیم با انجام و انتشار چنین فعالیت‌های رسانه‌ای، این امکان را به ایرانیان در هر کجای جهان بدهیم تا با خیالی آسوده‌تر بتوانند در زمینه‌ی مسائل سانسور شده‌ی زندگی‌شان فکر کنند، صحبت کنند و به رشد اجتماعی و فرهنگی خود و افراد نزدیک به خود، کمک کنند.

کتاب حاضر، شامل بر هشت گفت‌وگو و یک مقاله است که تمامی آنها پیش از این در صفحه‌ی دگرباش وبسایت رادیو زمانه، صفحه‌ی ناظران می‌گویند بی‌بی‌سی فارسی و خبرنگاره‌ی گویا منتشر شده‌اند.

این مصاحبه‌ها با برخی از چهره‌های برجسته‌ی همراه با جنبش دگرباشان جنسی ایران انجام شده است. حسین علیزاده، مسؤل بخش خاورمیانه و شمال افریقا در اقدام آشکار جهانی؛ فرید حائری‌نژاد، مسؤل بخش ایران در اقدام آشکار جهانی؛ ساقی قهرمان، مدیر سازمان دگرباشان جنسی ایران (ایرکو)؛ مه‌ری جعفری وکیل مقیم انگلستان؛ سوده راد، عضو هیئت‌مدیره دوجنس‌گرا و مؤسس ماچولند؛ هوداد طلوعی، روان‌شناس؛ رها بحرینی برای عفو بین‌الملل کار می‌کند و وکیل حقوق بشر تحصیل کرده کانادا است؛ و زینب پیمغبرزاده، استادیار دانشگاه، عضو هیئت‌مدیره دوجنس‌گرا حرف‌ها و نظرهای خود را در مصاحبه‌های این کتاب ارائه دادند.

در کنار آن مقاله‌ی «تفتیش جنسیتی، شنود و تجاوز به حریم خصوصی» به قلم رامتین شهرزاد در بخش مقدمه‌های کتاب آمده است که پیش از این در بی‌بی‌سی فارسی منتشر شده بود. مصاحبه‌ها را رامتین شهرزاد انجام داده است. او روزنامه‌نگار، مترجم، شاعر و وب‌لاگ‌نویس ایرانی مقیم کانادا است.



امکان انتشار این کتاب بدون کمک‌های پایان‌ناپذیر حسین علیزاده، فرید حائری‌نژاد و نازلی کاموری محقق نمی‌شد. دوستان همکار، در خط به خط مصاحبه‌ها و مقاله‌ها به رامتین شهرزاد کمک کردند تا آثاری قابل توجه عرضه کند و همچنین تمامی راهنمایی‌ها و کمک‌های لازم برای انتشار کتاب در صفحه‌ی کتابخانه‌ی وبسایت رادیو زمانه را فراهم آوردند.

کتاب حاضر قدمی کوچک در خدمت دگرباشان جنسی ایران است و امیدوار هستیم با دیگر آثار ژورنالیستی بتوانیم در آینده‌ای نزدیک گام‌های دیگری در خدمت به این بخش نادیده انگاشته شده و به سکوت وادار شده‌ی جامعه‌ی ایران عرضه کنیم.

با تشکر

رامتین شهرزاد





## در معرفی چهره‌های حاضر در کتاب

### ۱. حسین علیزاده

مسئول بخش خاورمیانه و شمال آفریقای اقدام آشکار جهانی است. او مدت یک دهه است که با گروه‌ها و فعالان دگرباش جنسی، در منطقه خاورمیانه ارتباط و همکاری دارد و در این مدت، پروژه‌های مختلفی را در کشورهای منطقه از جمله در عراق و ترکیه مدیریت کرده است.

### ۲. فرید حائری نژاد

سردبیر سابق رادیو زمانه و مسئول فعلی بخش ایران در اقدام آشکار جهانی است. او نزدیک به یک دهه است که مشغول به کار در انواع متفاوت فعالیت‌ها در زمینه مسائل دگرباشان جنسی است. هسته اصلی فعالیت‌های او، تولید دانش و بالا بردن سطح آگاهی عمومی در موضوع دگرباشان جنسی بوده و او در زمینه ساخت فیلم‌های مستند، مدیریت بر تولید و عرضه کتابچه‌های آموزشی، برگزاری دوره‌های آموزشی برای خبرنگاران و رسانه‌ها و برگزاری سمینارهای کاربردی، فعالیتی مستمر داشته است.

### ۳. ساقی قهرمان

متولد مشهد و مقیم کانادا، ساقی قهرمان مدیر سازمان دگرباشان جنسی ایران (ایرکو) است. در کنار فعالیت‌های اجتماعی، او شاعر است و صاحب چندین عنوان دفتر شعر به زبان‌های فارسی و انگلیسی. قهرمان بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ میلادی پایه‌گذار و عضو کلوب نویسندگان در تبعید انجمن قلم کانادا - پن بوده است. قهرمان همچنین مدیریت انتشارات گیلگمیشان، اولین انتشارات مختص به دگرباشان جنسی ایرانی را نیز برعهده دارد.

### ۴. هوداد طلوعی

هوداد طلوعی، روان‌شناس و فعال حقوق دگرباشان جنسی است. تمرکز او بر موضوع‌های روان‌شناسی و همچنین اطلاع‌رسانی و آگاهی‌سازی در زمینه‌های مرتبط به اقلیت‌های جنسی است. پیش‌تر، از او وینارهای «مطالعه‌ای بر دگرباشان جنسی» در «توانا» منتشر شده است.

## ۵. مه‌ری جعفری

وکیل دادگستری، شاعر و کنشگر اجتماعی در زمینه حقوق بشر، مقیم شهر لندن است. او با تمرکز بر حقوق زنان، کودکان و اقلیت‌های جنسی کار کرده است. از مه‌ری جعفری مقاله‌های متعدد حقوقی و پروژه‌های تحقیقی و آموزشی مختلفی انتشار یافته و از او تاکنون یک کتاب حقوق در زمینه حقوق ورزشی و یک مجموعه شعر نیز منتشر شده است.

## ۶. سوده راد

مقیم کشور فرانسه، فعال اجتماعی در زمینه برابر جنسیتی و روزنامه‌نگار است. او همچنین عضو موسس وبسایت دوجنس‌گرا و ماچولند است.

## ۷. رها بحرینی

رها بحرینی برای سازمان عفو بین‌الملل کار می‌کند و در کانادا در زمینه حقوق بشر مدرک و کالت گرفته است. او متخصص موضوع‌های حقوقی بین‌الملل است.

## ۸. زینب پیغمبرزاده

روزنامه‌نگار، فعال سیاسی و از فعالان کمپین یک میلیون امضا و اعتراض به سهمیه‌بندی جنسیتی در دانشگاه‌های ایران است. او دانش‌آموخته جامعه‌شناسی در مقطع کارشناسی از دانشگاه تهران و کارشناسی ارشد مطالعات اجتماعی جنسیت از دانشگاه «لوند» سوئد است. او همچنین پایه‌گذار و نویسنده وبسایت دوجنس‌گرا است.

## ۹. رامتین شهرزاد

متولد مشهد، شاعر، وبلاگ‌نویس و روزنامه‌نگار ایرانی مقیم کانادا است. از او سه کتاب شعر و هفت کتاب ترجمه تاکنون منتشر شده‌اند. بیشتر آثار او را انتشارات گیلگمیشان منتشر کرده است. «هشت گفت‌وگو» و «حق‌خواهی از ایران» اولین کتاب‌ها از مجموعه کتاب‌های ژورنالیستی او برای جامعه دگرباشان جنسی ایران هستند.



# مقدمه‌ها

مسیر جنبش دگرباشان جنسی در ایران از کجا به کجا می‌رود؟ سال ۱۳۸۸ در صفحه دگرباش رادیو زمانه نوشتم: «من به آینده اعتقاد دارم». همین مقاله، مقدمه نخست این کتاب الکترونیکی است: نگاهی از گذشته به آنچه بود. آن زمان ایران بودم، دوران پناهندگی را سال‌ها بعد در ترکیه گذراندم و هم‌اکنون مقیم غرب کانادا هستم. در سه مقدمه دیگر، سه سوال را مطرح می‌کنم:

۱. بحث اینکه دگرباش جنسی دیگر چیست؟
۲. قانون داخلی که ظالمانه رابطه‌ی دو همجنس بالغ را جرم‌انگاری کرده است؛
۳. قانون‌های بین‌المللی، بر خلاف قانون‌های داخلی، همراه جامعه دگرباشان جنسی در ایران است.







## نگاه‌های دیگران به زندگی من متفاوت

منتشر شده در صفحه دگرباش وبسایت رادیو زمانه، ۲ مهر ۱۳۸۸

### الف) نگاه مثبت از بیرون

وقتی نوشته‌ها و حرف‌های دنیای بیرون را در مورد همجنس‌گراها می‌خوانم، این احساس به من دگرباش دست می‌دهد که در مورد ما به عنوان یک فرقه با گرایش‌های خاص و آیین‌ها و مراسم‌هایی مشخص، یا یک حزب سیاسی با لیدرهایی معین و برنامه‌هایی تنظیم‌شده و اهدافی در پیش‌رو فکر می‌شود.

ما را گروهی مشخص، در کنار هم می‌بینند که جزیره‌ای هستیم در تلاش برای متصل‌شدن به دنیای دیگران و داشتن برابری و برادری در کنار آزادی روی کره‌ی زمین. در این هیچ‌شکی نیست که گروه‌هایی مشخص، با اهدافی معین در سرتاسر کره‌ی زمین در تلاش هستند تا زندگی را برای دگرباشان جنسی آزادتر کنند و درک و ذهنیت انسان را در مورد این بخش از خود، آرام‌تر، متعادل‌تر و منطقی‌تر سازند.

این یک واقعیت است که این‌گونه گروه‌ها، برنامه‌هایی مدون را دنبال می‌کنند و تلاش‌شان تاکنون تصویری منطقی‌تر از زندگی همجنس‌گرایان، در درجه اول برای خود این اقلیت جنسی، و در درجه دوم برای دیگر انسان‌ها فراهم کرده است.

اما این موضوع باعث نمی‌شود که حق بقیه انسان‌های همجنس‌گرایی را نادیده بگیریم که در این شکل از زندگی روزگار خود را می‌گذرانند و سعی دارند تا زندگی‌شان را، با حفظ استقلال و حریم خصوصی خود، بدون جنجال و بدون هیچ‌گونه وابستگی به بحث‌های دیگران بگذرانند.

آرزو دارم وقتی نوشته‌ها و حرف‌های دنیای بیرون را در مورد همجنس‌گرایی می‌خوانم، تصویر انسان‌هایی را ببینم که همانند دیگر انسان‌های روی کره‌ی زمین، دارند زندگی خودشان را با انواع علایق و سلیقه‌ها و رفتارها می‌گذرانند. نقشی بینم از انسان در شکل ساده و قبول‌شده خویش. همجنس‌گرایی یک حزب یا فرقه نیست، جنبش نیست، جزیره نیست، همجنس‌گرایی صرف واقعیت انسان‌هایی است که همانند دیگران در حال گذران روزگار خود هستند.

## ب) نگاه منفی از بیرون

وقتی در خیابان‌های شهرهای کشور خودم قدم می‌زنم، خودم را به عنوان یک شهروند آزاد در نظر نمی‌گیرم. قانون کشور، من را در نقش یک بیمار می‌بیند که باید به شدیدترین نحو از صحنه زندگی حذف شود، تا بتوان مانع فاسد شدن دیگران شد. وحشت از تصویرهای ساخته شده از من همجنس‌گرا آن‌چنان سیاه است که خود من را هم می‌ترساند. ما به عنوان بخشی از مردمان این کشور در نظر گرفته نمی‌شویم.

در حدود یک سال پیش وقتی جمعی از فعال‌های دانشجویی کشور به دیدار رئیس‌جمهور سابق و محبوب کشور، سید محمد خاتمی رفتند و از او خواستند تا یک بار دیگر برای انتخابات کاندیدا شوند، ایشان در میان حرف‌هایشان، اشاره به این مسأله داشتند که نوع آزادی که ایشان و همکارانشان به دنبال رسیدن به آن هستند، از آن نوعی نیست که همجنس‌گرایان را هم شامل شود (نقل به مضمون).

این فقط یک مثال از آن چیزی است که در کشور من می‌گذرد، این نگاهی است که محبوب‌ترین چهره سیاسی کشور من به امثال ما دارد: انسان‌هایی که کاش نبودیم. برای همین در دانشگاه کلمبیا، رئیس دولت، محمود احمدی‌نژاد تقریباً مثل یک شوخی وجود ما را نفی می‌کند. ولی واقعیت این است که ما وجود داریم. ما شوخی و جوک نیستیم، یک واقعیت پدیدار هستیم.

انسان همجنس‌گرا هیولا نیست. بیمار نیست. عجیب و غریب نیست. یک نفری است شبیه به همه کسانی که شما هر روز در زندگی روزمره‌تان روبه‌رو می‌شوید. شما در تاکسی در کنار او نشسته‌اید، احتمالاً با او همکار هستید و در مدرسه و دانشگاه با هم روزهای خوبی داشته‌اید، احتمالاً امروز عصر جایی همدیگر را می‌بینید. ولی شما به عنوان یک دگرجنس‌گرا، از حقوق قانونی و شرعی خودتان بهره‌مند هستید و من به عنوان یک دگرباش جنسی نه حقی در قانون دارم نه واقعیتهای در شرع.

جامعه، خانواده و محیط‌های روزمره زندگی من تمام تلاش خود را همه‌جانبه به کار بستند تا من خودم نباشم. تمام عمر من تلاش شده است تا نگذارند من واقعیت‌های درونی خودم را کشف کنم، با آنها کنار بیایم و به شکوفایی برسم. مدرسه من را تهدید به اخراج کرد. خانواده‌ام من را طرد کردند. دوستانم از من فاصله گرفتند.

صرف همجنس‌گرا بودن در دبیرستان، وقتی به صورت یک حقیقت علنی بین همه منتشر شد، تصویر یک هرزه جنسی را به من داد. انسان‌های اطراف من تصور می‌کنند، چون همجنس‌گرا هستیم، در نتیجه به صورتی خودکار فاسدی هستیم که بدن خود را در اختیار هر کسی قرار می‌دهد.

اگر من قرار باشد مثل آنها نسبت به خودشان فکر کنم، انسان استریت را کسی می‌بینم که زندگی‌اش خلاصه می‌شود در سکس و بدن، و از هر لحظه‌ای استفاده می‌کند برای اینکه کسی را برای هدف‌های جسمانی خود در آغوش کسی بیاندازد و پایبند به هیچ چیزی نیست و هیچ نوع اعتقادی ندارد و تمام زندگی‌اش سیاهی و هرزگی است. وقتی آنچه در مورد ما گفته می‌شود می‌شنوم، وحشت می‌کنم.

حق من برای زندگی، حق من برای وجود داشتن، حق من برای تلاش کردن در جامعه‌ام نادیده گرفته می‌شود. من یک راه دارم تا خودم نباشم: تا مثل بقیه باشم، از دیده‌ها دور باشم و زندگی خودم را بگذارم. چرا من را قبول ندارند؟ من انسانی هستم معمولی مثل دیگران.

مثل بقیه آدم‌های خیابان لباس می‌پوشم، دغدغه‌های خودم را دارم، من هم مثل بقیه به خاطر دزدیده شدن رأی‌ام در خیابان‌ها راه‌پیمایی کردم و تلاش کردم تا حقم را پس بگیرم. من هم مثل بقیه از مشکلات اقتصادی کشورم رنج می‌برم. من هم مثل بقیه تلاش می‌کنم تا زندگی خانوادگی خودم را سر پا نگه دارم. سعی می‌کنم رابطه‌هایم را بهبود بخشم. من سعی می‌کنم زندگی کنم.

می‌دانید، اگر من در کنار شمای دگرجنس‌گرا قرار بگیرم و با هم در آینه بنگریم، چه چیزی من را از شما جدا می‌کند؟ جز این حقیقت که من انسانی هستم که از لحاظ ژنتیک، بهره هوشی و مسأله‌هایی فیزیکی با شما تفاوت دارم. من هم یک انسان هستم.

## پ) نگاه مثبت از درون

من امیدوارم به تغییر. فکر می‌کنم جامعه به سمت پیشرفت معطوف است: با کمک ابزارهایی که هست، اینترنت، زبان انگلیسی و ارتباط‌های بیشتر با خارج از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای و سفرهای توریستی. فکر می‌کنم جامعه‌ی من دارد به سمتی پیش می‌رود که قدم به قدم بتواند وجود ما را درک کند.

این را از میان تعداد قابل توجه دوستان استریتی می‌فهمم که حضور ما را قبول کرده‌اند و برای‌شان دیگر موجودی افسانه‌ای و دور-از-دست و بیمار نیستیم. برای دوستان شاید مسأله در کل فقط همین بوده که موجودی به اسم همجنس‌گرا از نزدیک ندیده بودند، مثل خیلی چیزهای دیگری که در جهان وجود دارند و انسان صرف نام آن‌ها را شنیده است و معنای آن‌ها را نمی‌تواند درک کند.

حالا که از نزدیک ما را تماشا می‌کنند چیز خاصی نمی‌بینند. بی‌شک فرقی‌هایی هست، در رفتار، در تفکر، در خیال‌پردازی‌ها، ولی همه‌ی این‌ها چیزهایی هستند که در همه‌ی انسان‌ها وجود دارند، من با هر انسان دیگری به اندازه‌ی یک انسان تفاوت دارم. این هیچ چیز خاصی نیست. واقعاً نیست.

همیشه این قدر همه چیز خوب نبوده است، سال‌ها طول کشیده که توانسته‌ام خودم را پیدا کنم. همیشه برای خودم تصویری بودم در آینه‌ای درهم‌شکسته، آینه‌ای که کسی اجازه‌ی تعمیرش را به من نمی‌داد. اینترنت بی‌شک بیش‌ترین کمک را به من کرد، در پیدا کردن بیش‌تر دوستانی که دارم، در داشتن وب‌لاگی که من را به جهان بیرون متصل کرد، بی‌آن‌که الزاماً کسی بداند این آدم که می‌نویسد کیست، در گسترش اندیشه و فرستادن مرزهای تفکر من به جهانی فراسوی دیوارهای بسته‌ی جامعه‌ی خودم.

اینترنت بی‌شک به همه‌ی ما کمک کرده است تا خودمان را بهتر ببینیم، چه استریت، چه ترنس، چه گی یا لزبین و هر چیز دیگری که هستیم. من امروز خودم هستم، از زندگی‌ام لذت می‌برم، به لطف همه‌ی کسانی که کنارم ایستادند و من را تأیید کردند، به من فضا دادند و به صورت من لبخند زدند؛ وقتی جامعه در کلیت خود من را طرد می‌کند.

### **پ) نگاه منفی از دورن**

یک بار با دوستی همجنس‌گرا درباره‌ی وضعیت میانگین یک پسر گی ایرانی حرف می‌زدیم. دوست من گفت به خودت نگاه نکن، به طبقه‌ی اجتماعی خودت، به سطح تحصیلات خودت و نزدیکان خودت، به این که به اینترنت، ماهواره، زبان انگلیسی، شبکه‌ای از دوستان مرتبط هستی و می‌توانی از خودت مواظبت کنی.

دوست من گفت میانگین یک پسر گی ایرانی، کسی است که خانواده‌اش تحصیلات دانشگاهی ندارند، پدرش کسی است مثلاً مکانیکی سر خیابان، وضع اقتصادی خوبی ندارند، خودش را نمی‌شناسد و امکان شناختن خودش را هم ندارد، احتمالاً حتی نمی‌داند واقعیتی به نام همجنس‌گرا یا گی یعنی چی. هیچ دوستی همانند خودش ندارد. تصویر چنین پسری سیاه است، تاریک است، وحشتناک است.

صدها پسر (یا دختر) به همین شکل آن بیرون دارند زندگی می‌کنند. کسانی که نمی‌دانند اینترنت، شبکه‌ی اجتماعی منجم یا وب‌لاگ چیست. کسانی که خودشان را درک نمی‌کنند و از هموفوبیای گسترده‌ی اطراف و درون خویش رنج می‌برند. چنین پسری چه آینده‌ی دارد؟ چه زمان حالی را می‌گذراند؟

دوستی داستان پسری را تعریف می‌کرد در یکی از محله‌های فقیرنشین شهر من. پسری که نمی‌دانست همجنس‌گرا یعنی چه، پسری که نمی‌دانست گی یعنی چه، پسری که نمی‌دانست تمایلات جنسی یعنی چه. پسری که برای پانصد تومان بدن خودش را در اختیار هر کسی قرار می‌داد. نمی‌دانست ایدز چیست. نمی‌دانست زندگی چیست. نمی‌دانست آینده چیست. سیاهی فراز سیاهی بر فراز سیاهی.

چگونه می‌شود به چنین پسری نزدیک شد و گفت: آرام باش، تو حقیقت داری، ترس، تو خودت هستی. چگونه می‌شود در چنین فضایی، چنین چیزی را به چنین پسری گفت؟

### **ت) تصویر در تصویر**

تصویرها در هم پیچ و تاب می‌خورند و در میانه‌ی این طوفان غریب و همیشگی من ایستاده‌ام در کنار شما، همه‌ی شماهایی که این نوشته را خوانده‌اید. همه‌ی ما، کل چیزی که ما هستیم، تصویری می‌سازیم از جامعه‌ی خودمان. جامعه‌ی ایرانی من اجازه نداده است هویت جنسی در جامعه مطرح شود.

جامعه‌ی ایرانی من اجازه نداده است انسان‌ها خودشان باشند. جامعه‌ی ایرانی من، چه در شکل ماهیت سیاسی خودش و در چه در شکل ماهیت اجتماعی مردم خودش، هم‌چنان به رفتارهای هموفوبیک دردناک خود ادامه می‌دهد.



جامعه‌ی من مسئول همه‌ی اتفاقاتی که سر من آمد تا به خودم برسد، مسئول همه‌ی رنج‌ها، ناآرامی‌ها، دردها و بحران‌های روحی‌ای است که گذراندم. مسئول همه‌ی اتفاقاتی که سر هم‌وطن ما می‌آید، وقتی جسم خود را می‌فروشد و نمی‌فهمد چه دارد بر سرش می‌آید. مسئول همه‌ی کسانی است که رنج می‌کشند، چون از بیان واقعیت در هراسند.

تصویرها پیچ و تاب می‌خوردند و من هم مثل خیلی‌های دیگر منتظر مانده‌ام خورشید طلوع کند و اندکی آرامش برسد. آرامشی که مهیا نمی‌شود، مگر واقعیت‌های زندگی هم‌دیگر را درک کنیم. انسان‌هایی در هر شکل، با هر سلیقه، هر نوع تفکر، هر نوع بینش، هر نوع جنسیت، هر نوع زندگی، که در کنار هم زندگی می‌کنند و هیچ‌کس در هیچ‌شکلی به خاطر صرف چیزی که هست، برتر یا پست‌تر از دیگری نیست.

من به آینده اعتقاد دارم.



## در موضوع دگرباشان جنسی

هیچ جریانی در جامعه شکل نمی‌گیرد، مگر اینکه نامی بر خود داشته باشد. نسل من، نسلی بود که باید نامی برای خودش انتخاب می‌کرد. نام‌های مختلفی عرضه شدند و در نهایت در گذر زمان، این نام بیشتر از بقیه دیده شد و باقی ماند: دگرباشان جنسی.

زمانی این عبارت را ترجمه‌ای بر کلمه‌ی کوئیر در نظر گرفته بودند. کوئیر در آن زمان به معنای همجنس‌خواه در فرهنگ غرب استفاده می‌شد، ولی هم‌اکنون معنایی گسترده‌تر و متفاوت یافته است. دگرباشی جنسی هم در این فاصله متحول شده است، فقط دیگر معادلی بر کلمه‌ی کوئیر نیست.

امروز دگرباشان جنسی (یا همان LGBTQI) به تمامی اقلیت‌های جنسی اطلاق می‌شود. این عبارت شامل بر همجنس‌گرایان زن و مرد، دوجنس‌گرایان، تراجنسی‌ها و تراجنسیتی‌ها، دوجنسی‌ها و مانند آن می‌شود. موافق‌های استفاده از دگرباشان جنسی کم نیستند، مخالف‌هایش هم کم نیستند. برخی ترجیح می‌دهند به جایش عبارت «اقلیت‌های جنسی» را باب کنند.

با تمامی این‌ها، در نهایت این بحثی است که به نتیجه‌ای مشخص نمی‌رسد، چون در یک بحث اجتماعی، هرگز نمی‌توانید تمامی گروه‌ها و جریان‌های حاضر را راضی نگه دارید. اینکه این بحث به نتیجه نمی‌رسد، مختص به فارسی نیست و در فرهنگ غرب هم هنوز مانده‌اند چه عبارتی می‌تواند به شکلی درست به معنای اقلیت‌های جنسی باشد. هرچند اقلیت جنسی هم عبارتی است که سؤال برایش مطرح است: اگر بگوییم اقلیت‌های جنسی، پس قائل به اکثریت جنسی شده‌ایم. اکثریت جنسی در جامعه کجاست؟

در نهایت امر، باید توجه کرد که این فقط یک نام است. در حقیقت، یک قرارداد اجتماعی است که طول عمر مشخصی دارد. در آینده هم، عبارت و کلمه‌ای بهتر، جایگزین آن خواهد شد. همچنین باید به این موضوع توجه داشت که گرایش و هویت جنسی یک فرد، درست که در موضوع یک جنبش اجتماعی مانند جنبش دگرباشان جنسی قرار می‌گیرد، ولی فارغ از تمامی مسائل، این موضوعی فردی برای یک انسان است. ما انسان‌هایی برابر هستیم و حق فردی‌مان است تا نظر شخصی خودمان را در این موضوع داشته باشیم. نظر شخصی ما، می‌تواند اسمی دیگر از دگرباش جنسی، یا اقلیت جنسی، یا همجنس‌گرا یا همجنس‌خواه یا مانند آن باشد.

هرگز فراموش نکنیم ما برای نام نمی‌جنگیم، ما برای برابری، برای آزادی، برای حقوق بشر تلاش می‌کنیم. دگرباش جنسی یا اسمی دیگر، هدف را متفاوت از قبل نمی‌کند. هرچند اهداف کلی ثابت می‌مانند، ولی جزئیات همیشه تغییر می‌کنند، همان‌طور که جامعه متحول می‌شود. فقط بایستی امیدوار باشیم که در آینده، انسان‌ها رنج‌هایی را نکشند که نسل من و نسل‌های قبل از آن کشیدند.



## جرم‌انگاری رابطه جنسی رضایتمندانه دو همجنس بالغ

### مقدمه‌ای بر قوانین داخلی ایران همراه با بندهای قانون جدید مجازات اسلامی در جرم‌انگاری همجنس‌خواهی

#### نخست

قانون جدید مجازات اسلامی، در جرم‌انگاری همجنس‌خواهی، همچنین در موضوع لواط، تفخیز، مساحقه و موارد مشابه آن چنین می‌گوید:

#### فصل دوم - لواط، تفخیز و مساحقه

ماده ۲۳۳ - لواط عبارت از دخول اندام تناسلی مرد به اندازه ختنه گاه در دبر انسان مذکر است.

ماده ۲۳۴ - حد لواط برای فاعل، در صورت علف، اکراه یا دارا بودن شرایط احسان، اعدام و در غیر این صورت صد ضربه شلاق است. حد لواط برای مفعول در هر صورت (وجود یا عدم احسان) اعدام است.

تبصره ۱ - در صورتی که فاعل غیر مسلمان و مفعول، مسلمان باشد، حد فاعل اعدام است.

تبصره ۲ - احسان عبارت است از آنکه مرد همسر دائمی و بالغ داشته باشد و در حالی که بالغ و عاقل بوده از طریق قبل با همان همسر در حال بلوغ وی جماع کرده باشد و هر وقت بخواهد امکان جماع از همان طریق را با وی داشته باشد.

ماده ۲۳۵ - تفخیز عبارت از قرار دادن اندام تناسلی مرد بین رانها یا نشیمنگاه انسان مذکر است.

تبصره - دخول کمتر از ختنه گاه در حکم تفخیز است.

ماده ۲۳۶ - در تفخیز، حد فاعل و مفعول صد ضربه شلاق است و از این جهت فرقی میان محسن و غیرمحسن و علف و غیرعلف نیست.

تبصره - در صورتی که فاعل غیر مسلمان و مفعول، مسلمان باشد، حد فاعل اعدام است.

ماده ۲۳۷ - همجنس‌گرایی انسان مذکر در غیر از لواط و تفخیز از قبیل تقبیل و ملامسه از روی شهوت، موجب سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش است.

تبصره ۱ - حکم این ماده در مورد انسان مؤنث نیز جاری است.

تبصره ۲ - حکم این ماده شامل مواردی که شرعاً مستوجب حد است، نمی‌گردد.

ماده ۲۳۸ - مساحقه عبارت است از اینکه انسان مؤنث، اندام تناسلی خود را بر اندام تناسلی همجنس خود قرار دهد.

ماده ۲۳۹ - حد مساحقه، صد ضربه شلاق است.

ماده ۲۴۰ - در حد مساحقه، فرقی بین فاعل و مفعول و مسلمان و غیرمسلمان و محسن و غیرمحسن و عنف و غیرعنف نیست.

ماده ۲۴۱ - در صورت نبود ادله اثبات قانونی بر وقوع جرائم منافی عفت و انکار متهم هرگونه تحقیق و بازجویی جهت کشف امور پنهان و مستور از انظار ممنوع است. موارد احتمال ارتکاب با عنف، اکراه، آزار، ربایش یا اغفال یا مواردی که به موجب این قانون در حکم ارتکاب به عنف است از شمول این حکم مستثنی است.

### فصل سوم - قوادی

ماده ۲۴۲ - قوادی عبارت از به هم رساندن دو یا چند نفر برای زنا یا لواط است.

تبصره ۱ - حد قوادی منوط به تحقق زنا یا لواط است در غیراین صورت عامل، مستوجب تعزیر مقرر در ماده (۲۴۴) این قانون است.

تبصره ۲ - در قوادی، تکرار عمل شرط تحقق جرم نیست.

ماده ۲۴۳ - حد قوادی برای مرد هفتاد و پنج ضربه شلاق است و برای بار دوم علاوه بر هفتاد و پنج ضربه شلاق به عنوان حد، به تبعید تا یک سال نیز محکوم می‌شود که مدت آن را قاضی مشخص می‌کند و برای زن فقط هفتاد و پنج ضربه شلاق است.

ماده ۲۴۴ - کسی که دو یا چند نابالغ را برای زنا یا لواط به هم برساند مستوجب حد نیست لکن به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود.

### فصل چهارم - قذف

ماده ۲۴۵ - قذف عبارت است از نسبت دادن زنا یا لواط به شخص دیگر هرچند مرده باشد.

ماده ۲۴۶ - قذف باید روشن و بدون ابهام بوده، نسبت دهنده به معنای لفظ آگاه و قصد انتساب داشته باشد گرچه مقذوف یا مخاطب در حین قذف از مفاد آن آگاه نباشد.

تبصره - قذف علاوه بر لفظ با نوشتن، هرچند به شیوه الکترونیکی نیز محقق می‌شود.

ماده ۲۴۷ - هرگاه کسی به فرزند مشروع خود بگوید «تو فرزند من نیستی» و یا به فرزند مشروع دیگری بگوید «تو فرزند پدرت نیستی»، قذف مادر وی محسوب میشود.

ماده ۲۴۸ - هرگاه قرینه ای در بین باشد که مشخص گردد منظور قذف نبوده است، حد ثابت نمی‌شود.

ماده ۲۴۹ - هرگاه کسی به دیگری بگوید «تو با فلان زن زنا یا با فلان مرد لواط کرده‌ای» فقط نسبت به مخاطب، قاذف محسوب می‌شود.

ماده ۲۵۰ - حد قذف، هشتاد ضربه شلاق است.

ماده ۲۵۱ - قذف در صورتی موجب حد میشود که قذف شونده در هنگام قذف، بالغ، عاقل، مسلمان، معین و غیرمتظاهر به زنا یا لواط باشد.

تبصره ۱ - هرگاه قذف شونده، نابالغ، مجنون، غیرمسلمان یا غیرمعین باشد قذف کننده به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش محکوم می‌شود لکن قذف متظاهر به زنا یا لواط، مجازات ندارد.

تبصره ۲ - قذف کسی که متظاهر به زنا یا لواط است نسبت به آنچه متظاهر به آن نیست موجب حد است مثل نسبت دادن لواط به کسی که متظاهر به زنا است.

ماده ۲۵۲ - کسی که به قصد نسبت دادن زنا یا لواط به دیگری، الفاظی غیر از زنا یا لواط به کار ببرد که صریح در انتساب زنا یا لواط به افرادی از قبیل همسر، پدر، مادر، خواهر یا برادر مخاطب باشد، نسبت به کسی که زنا یا لواط را به او نسبت داده است، محکوم به حد قذف و دربارہ مخاطب اگر به علت این انتساب اذیت شده باشد، به مجازات توهین محکوم می‌گردد.

ماده ۲۵۳ - هرگاه کسی زنا یا لواطی که موجب حد نیست مانند زنا یا لواط در حال اکراه یا عدم بلوغ را به دیگری نسبت دهد به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش محکوم می‌شود.

ماده ۲۵۴ - نسبت دادن زنا یا لواط به کسی که به خاطر همان زنا یا لواط محکوم به حد شده است، قبل از توبه مقذوف، مجازات ندارد.

ماده ۲۵۵ - حد قذف حق الناس است و تعقیب و اجرای مجازات منوط به مطالبه مقذوف است. در صورت گذشت مقذوف در هر مرحله، حسب مورد تعقیب، رسیدگی و اجرای مجازات موقوف می‌شود.

ماده ۲۵۶ - کسی که چند نفر را به طور جداگانه قذف کند خواه همه آنها با هم، خواه جداگانه شکایت کنند، در برابر قذف هر یک، حد مستقلاً بر او جاری می‌شود.

ماده ۲۵۷ - کسی که چند نفر را به یک لفظ قذف نماید هر کدام از قذف شوندگان میتواند جداگانه شکایت نماید و در صورت صدور حکم محکومیت، اجرای آن را مطالبه کند. چنانچه قذف شوندگان یکجا شکایت نمایند بیش از یک حد جاری نمی‌شود.

ماده ۲۵۸ - کسی که دیگری را به یک یا چند سبب، یکبار یا بیشتر قبل از اجرای حد، قذف نماید فقط به یک حد محکوم می‌شود، لکن اگر پس از اجرای حد، قذف را تکرار نماید حد نیز تکرار میشود و اگر بگوید آنچه گفته‌ام حق بود به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش محکوم می‌گردد.

ماده ۲۵۹ - پدر یا جد پدری که فرزند یا نوه خود را قذف کند به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش محکوم می‌گردد.

ماده ۲۶۰ - حد قذف اگر اجراء نشده و مقذوف نیز گذشت نکرده باشد به همه ورثه به غیر از همسر منتقل می‌گردد و هریک از ورثه می‌تواند تعقیب و اجرای آن را مطالبه کند هر چند دیگران گذشت کرده باشند.

تبصره - در صورتی که قاذف، پدر یا جد پدری وارث باشد، وارث نمی‌تواند تعقیب متهم یا اجرای حد را مطالبه کند.

ماده ۲۶۱ - در موارد زیر حد قذف در هر مرحله از مراحل تعقیب، رسیدگی و اجراء ساقط می‌شود:

الف - هرگاه مقذوف، قاذف را تصدیق نماید.

ب - هرگاه آنچه به مقذوف نسبت داده شده با شهادت یا علم قاضی اثبات شود.

پ - هرگاه مقذوف و در صورت فوت وی، ورثه او، گذشت کند.

ت - هرگاه مردی زنش را پس از قذف به زنا پیش از زوجیت یا زمان زوجیت لعان کند.

ث - هرگاه دو نفر یکدیگر را قذف کنند، خواه قذف آنها همانند، خواه مختلف باشد.

تبصره - مجازات مرتکبان در بند(ث)، سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش است.

## دوم

آیا قانون مجازات اسلامی یا دیگر قوانین داخلی که به سرکوب مسائل مرتبط به محدوده‌ی حریم خصوصی فرد مشغول هستند، در عمل باعث می‌شوند تا ما هر روزه شاهد شلاق، زندانی شدن و اعدام همجنس‌گرایان باشیم؟  
آیا قانون آن‌چنان که در متن سنگین است، در عمل هم با جدیت اجرا می‌شود؟

جواب این سؤال را نمی‌دانیم. چون آمار مشخصی وجود ندارد که چه تعداد از شهروندان ایرانی، به‌خاطر روابط جنسی رضایت‌مندانه‌ی خودشان زندانی می‌شوند، شکنجه می‌شوند یا اعدام می‌شوند.

ولی این موضوع را به‌روشنی می‌دانیم: این قوانین وجود دارند. حتی اگر اجرا هم نشوند - که معدود پرونده‌های مطرح شده خارج از نظام خاموش قضایی ایران، نشان می‌دهند اجرا هم می‌شوند - سایه‌ی سنگین آنها کافی است تا زندگی هر انسانی را به بن‌بست بکشاند.

فرض کنید شما یک انسان با جایگاه معموله‌ستید در جامعه‌ی ایران. علاقه به جنس مخالف خودتان دارید. امری که از نظر دین و قانون داخلی، پذیرفته است. با عرف جامعه هم هم‌خوانی دارد. هرچند شما برای اینکه از مزایای علاقه خودتان به جنس مخالف سود ببرید، بایستی ازدواج بکنید. تا قبل از ازدواج، پلیس یا گشت ارشاد یا دیگر



نهادهای مهاجم به حریم خصوصی، می‌توانند شما را از هر کجای زندگی روزمره‌تان، بازخواست کنند و بپرسند چه می‌کنید؟ با که هستید؟ چه پوشیده‌اید؟ حتی شما را بازداشت و مجازات کنند.

ولی بعد از ازدواج، مشکل شما حل خواهد شد. بایستی یک سری محدودیت‌ها را رعایت کنید و به زندگی معمول خودتان داخل جامعه ایران، ادامه دهید. یعنی داخل خانه یک شکل زندگی را دنبال کنید و خارج از خانه، شکلی دیگر را.

حال فرض کنید شما به جنس موافق علاقه دارید. در اینجا مشکل حاد است، چون (۱) نمی‌توانید در مورد آن با کسی صحبت کنید، چون وحشت از مجازات دارید. این مجازات ممکن است از طرف دین، خانواده، مدرسه، جامعه یا حکومت به شما تحمیل شود؛ (۲) قانون حامی شما نیست. حتی صرف بیان همجنس‌گرایی توسط شما، می‌تواند با مجازات شلاق روبه‌رو شود. یعنی مجبور می‌شوید همه چیز را در خودتان دفن کنید؛ (۳) شما برای دریافت اطلاعات آموزشی در مورد علایق جنسی خودتان با مشکل روبه‌رو می‌شوید. مذهب و جامعه به شما با نگاه یک بیمار می‌نگرد. خانواده‌ی شما آموزش‌های جنسی ندیده است، در نتیجه نمی‌تواند کمکی به شما بکند. اگر خوش‌شانس باشید، می‌توانید از طریق اینترنت یا از طریق آزمون و خطا، تجربه کسب کنید؛ (۴) ولی شما همیشه در سایه مجازات هستید. همیشه در این سایه زندگی می‌کنید که ممکن است دوستم، همسایه‌ام، والدینم، همکلاسی‌ام، همکارم، گشت ارشاد، پلیس، فروشنده‌ای که جنسی به من می‌فروشد، یا هر انسان دیگری، تهدید شوم. ممکن است از شما طلب پول یا عمل جنسی کنند تا نسبت به هویت و گرایش جنسی شما ساکت بمانند. ممکن است بازداشت شوید و در بازداشتگاه به شما تجاوز شود. ممکن است کتک بخورید و شکنجه شوید. ولی، تمامی طول عمر شما در شکنجه‌ای محض گذشته است: نگرانی از تمام اتفاق‌هایی که می‌توانستند بیافتند، ولی هنوز نیافتاده‌اند، هیچ دلیلی هم وجود ندارد که بتوانید جلوی اتفاق افتادن آنها را بگیرید.

## سوم

شعار مشهوری می‌گوید، «حقوق بشر دگرباشان جنسی، حقوق بشر تمامی انسان‌هاست». چطور؟ جواب آن ساده است: تا وقتی بقیه‌ی انسان‌های جامعه‌ی ایران نیاموزند که حق ندارند - چه از لحاظ مذهب چه از لحاظ قانون - سرک به حریم خصوصی همدیگر بکشند و همدیگر را به‌خاطر آنچه در زندگی شخصی‌مان می‌کنیم، مجازات نکنند، نمی‌توان به حقوق بشر رسید.

حقوق بشر اصول ساده‌ای دارد: انسان‌ها برابر همدیگر هستند. برابر، نه یکسان. ما کپی‌پیست همدیگر نیستیم. ما برابر همدیگر هستیم. یعنی به‌خاطر انسان بودن‌مان، حق داریم زندگی کنیم، حق داریم انتخاب کنیم و حق داریم شامل سود و زیان انتخاب‌هایمان بشویم. حق داریم درس بخوانیم، خانه داشته باشیم، شغل اختیار کنیم، سفر برویم، جابه‌جا بشویم، حق داریم در خیابان ظاهر بشویم، حق داریم به شکل مسالمت‌آمیز آن، اعتراض‌های مدنی نشان دهیم و...

در تمامی این موارد، کسی حق ندارد ما را به‌خاطر آنچه هستیم، مجازات کند. نمی‌توانیم به کسی بگوییم تو سیاه‌پوست هستی و نمی‌توانی. همچنین نمی‌توانیم به کسی بگوییم تو زن هستی و نمی‌توانی. به کسی هم نمی‌توانیم بگوییم تو همجنس‌گرا هستی و نمی‌توانی. هویت و گرایش جنسی، چیزی به حقوق بشر یک انسان اضافه نمی‌کند، چیزی هم از حقوق بشر یک انسان کم نمی‌کند. چون درنهایت، نه چیزی از انسان بودن او کم نکرده است، خواه دگرباش جنسی باشیم یا دگرجنس‌گرا باشیم.

## چهارم

امروز یا فردا، یا در آینده‌ای نزدیک یا دور، قوانین داخلی ایران تغییر خواهند کرد. در این هیچ شکی نیست. جوامع پیشرفت می‌کنند و ایران هم مستثنی نیست. روزگاری خواهد رسید که لباس پوشیدن هر انسانی، حریم شخصی اوست و به کسی ربطی نخواهد داشت چه پوشیده است. همچنین برابر قانون به کسی ربطی نخواهد داشت که دو انسان بالغ، رضایتمندانه تصمیم گرفته‌اند در رختخواب خودشان چه کنند. روزی هم خواهد رسید که زن یا مرد بودن یا جنس سوم بودن یا دگرباش جنسی بودن یا دگرجنس‌گرا بودن، حق طبیعی یک انسان تلقی شود. ما حق داریم خودمان باشیم، اگر قوانین داخلی در این زمینه عقب افتاده‌اند، بتدریج خودشان را به واقعیت خواهند رساند. واقعیت هم ساده است: ما انسان هستیم و کسی جلوی انسان بودن ما را نمی‌تواند بگیرد. کسی نمی‌تواند به یک انسان بگوید نمی‌توانی. انسان، درنهایت آشکارا یا پنهان، راه توانستن را می‌یابد و پیش می‌رود.



## همراهی با قوانین بین‌المللی

### آنچه قوانین بین‌المللی می‌گویند و آنچه می‌توان در ایران انجام داد

بهترین منبع برای اینکه متوجه شویم قوانین بین‌المللی در مورد دگرباشان جنسی چه می‌گویند، برگه‌های اطلاع‌رسانی سازمان ملل متحد است که ترجمه‌ی فارسی آنها را اقدام آشکار جهانی به این شرح منتشر کرده است:

۱. حقوق دگرباشان جنسی؛ سوال‌های متداول
۲. قانون بین‌المللی حقوق بشر و موضوع گرایش و هویت جنسی
۳. برابری و رهایی از تبعیض
۴. جرم‌انگاری
۵. خشونت‌هایی که ریشه در دگرباش ستیزی دارند
۶. گزارش شورای حقوق بشر: تبعیض و خشونت به خاطر گرایش جنسی و هویت جنسیتی افراد
۷. پناهنده و پناهجو
۸. میان‌جنسی

این ده صفحه فایل پی‌دی‌اف، خلاصه و موجز اطلاعات کلی را در اختیار خواننده قرار می‌دهند. همگی البته، ضمیمه کتاب «آزاد و برابر زاده شده‌ایم» هستند که ترجمه‌ی آن هم به فارسی موجود است. کتاب دیگری که کمک می‌کند هم به درک موضوع قوانین بین‌المللی و دگرباشان جنسی برسیم و همچنین یک فرهنگ توضیحی در زمینه‌ی مسائل دگرباشان جنسی است، کتاب «چگونه مسائل دگرباشان جنسی را پوشش دهیم» است. آنچه قوانین بین‌المللی می‌گویند، ساده است: بین انسان‌ها فرقی بر پایه‌ی گرایش و هویت جنسی درست نمی‌شود. یعنی نمی‌توان گرایش و هویت جنسی را مبنای تبعیض و جرم‌انگاری قرار داد. نقطه، سر خط.

چه می‌توان در ایران انجام داد؟ اول اینکه نشان بدهیم آنچه در زمینه تبعیض و جرم‌انگاری علیه دگرباشان جنسی می‌کنند مخالف محض مذهب و فرهنگ ایران است. دوم اینکه برابر با منطق نیست. سوم اینکه برابر با قوانین بین‌المللی هم نیست. برابر تاریخ و گذشته‌ی ما هم نیست. چرا پس به این شکل دگرباشان جنسی در معرض تبعیض و جرم‌انگاری قرار دارند؟ چون ما چشم‌هایمان بسته است به آنچه بر ما گذشته و فکر می‌کنیم هرچه الان

است، درست و صحیح است. راه باز شدن چشم‌ها هم در آموزش است. آموزش می‌تواند باعث شود بفهمیم چقدر اشتباه فکر می‌کنیم و چقدر اشتباه عمل می‌کنیم و اینکه می‌توانیم جلوی اشتباهات بیشتر را بگیریم و راه درست را در پیش بگیریم؛ راهی که برای همه‌ی انسان‌ها مفید باشد و به همه، اجازه بدهد زندگی کنند، خودشان باشند و با خود واقعی‌شان زندگی کنند. در نهایت اینکه همه انسان هستیم، فارغ از تمامی آن چیزهایی که به ما هویت و گرایش ما شکل می‌دهد.





حقوق بشر، حقوق  
جنسی و آزادی‌های  
اجتماعی

در گفت‌وگو با حسین علیزاده





## حقوق بشر، حقوق جنسی و آزادی‌های اجتماعی

### در گفت‌وگو با حسین علیزاده، مسئول بخش خاورمیانه و شمال آفریقا در سازمان اقدام آشکار جهانی

منتشر شده در صفحه دگرباش وبسایت رادیو زمانه، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۳

در چهارچوب قانون جدید مجازات اسلامی که برابری نسبی با قانون قدیم مجازات اسلامی دارد، رابطه جنسی رضایت‌مندانه بین دو هم‌جنس، در کنار تمامی دیگر شکل‌های رابطه احساسی و فیزیکی خارج از محدوده ازدواج، جرم‌انگاری شده است.

مشکلات دگرباشان جنسی (مردان و زنان هم‌جنس‌گرا، تراجنسیتی‌ها و دوجنس‌گرایان) ایران، فقط محدود به قوانین نمی‌شود. این افراد، دچار محدودیت‌ها و حذف اجتماعی هم می‌شوند. کمیسیون بین‌المللی زنان و مردان هم‌جنس‌گرا (اقدام آشکار جهانی) یکی از سازمان‌های غیرانتفاعی است که به موضوع حقوق بشر این بخش از جامعه ایران می‌پردازد.

در ساختار حقوقی جمهوری اسلامی ایران، برای هر رابطه جنسی خارج از مقوله ازدواج دگرجنس‌گرا (صیغه نکاح یا متعه)، احکام شلاق، اعدام و سنگسار مشخص کرده‌اند. ایران یکی از پنج کشور دنیای امروز است که مجازات اعدام را برای رابطه جنسی با هم‌جنس، اجرا می‌کند.

در این میان، بحث حقوق بشر در معادلات جامعه جهانی با حکومت ایران نیز گسترده‌تر شده است و یکی از مباحث، بحث حقوق اقلیت‌هاست. موضوعی که در گزارش‌های اخیر احمد شهید هم مطرح شده است و نگرانی‌های جامعه بین‌المللی در مورد نقص حقوق بشر این بخش از جامعه را نشان می‌دهد.

از حسین علیزاده، مسئول بخش خاورمیانه و شمال آفریقا در اقدام آشکار جهانی، در مورد فعالیت‌های این سازمان در رابطه با ایران و در همکاری با جامعه بین‌المللی حقوق بشر پرسیدم.

## II تولیدات اقدام آشکار جهانی نشان از یک برنامه هدفمند دارد، شما امیدوار هستید

### شاهد چه تأثیرگذاری ای باشید؟

◀ مسأله اصلی و مهم برای ما، این است که درک درستی از قضیه گرایش جنسی و هویت جنسیتی در جامعه ایران به وجود آید.

عموماً هویت جنسی و مسائل جنسی افراد، تابو و گناه در سطح جامعه ما است. بنابراین هدف تمام این فعالیت‌ها، این است که افراد، اعم از وکیل، سیاست‌گذار، روزنامه‌نگار و دیگر شهروندان بتوانند متوجه شوند همان‌طور که آدم‌ها رنگ چشم‌شان متفاوت است، قد و اندام‌شان متفاوت است، همین‌طور هم از نظر گرایش و هویت جنسی متفاوت از همدیگر هستند؛ یعنی این نه عجیب است، نه گناه است، نه خلاف.

مهم‌تر اینکه جامعه درک کند که در مواجهه با افراد دارای گرایش و هویت جنسی متفاوت، به‌جای اینکه به هیجان بیایند، عصبانی بشوند و فحش بدهند، دستگیر کنند و خشونت نشان بدهند، باید قضیه را منطقی ارزیابی کنند و دریابند که این فقط یک خصیصه انسانی است.

هدف عمده ما ساخت چنین درک اجتماعی و ایجاد زمینه فکری مناسب است تا افراد بتوانند درک بکنند و با افراد متفاوت از خودشان کنار بیایند.

## II شما با سازمان ملل در زمینه حقوق بشر دگرباشان جنسی همکاری می‌کنید؛ در این

### زمینه چه کرده‌اید؟

◀ سازمان ما، عضو ناظر سازمان ملل متحد است. در نتیجه در چند سال گذشته، فعالیت‌های زیادی در زمینه مستندسازی و ارائه موارد نقض حقوق بشر دگرباشان جنسی در ایران، به نهادهای مختلف سازمان ملل داشته‌ایم. حکومت ایران، چندین کنوانسیون بین‌المللی را امضاء کرده است. مطابق همین قوانین بین‌المللی، شامل بر میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، اعلامیه بین‌المللی حقوق بشر و دیگر متن‌ها، تمامی انسان‌ها از جمله دگرباشان جنسی، از حقوق مساوی برخوردار هستند و دولت‌ها حق ندارند بر افراد تبعیضی قائل شوند.

چه برسد به اینکه دولت‌ها بخواهند دست به تفکیک جنسیتی بزنند، دنبال افراد باشند به‌خاطر هویت و گرایش جنسی‌شان، آنها را دستگیر و زندانی کنند، اعدام کنند و از حقوق‌شان محروم کنند. تمامی این‌ها، نقض تعهدات بین‌المللی ایران است و ما سعی کردیم در گزارش‌های متعددی که به سازمان ملل داده‌ایم، این موارد را قید کنیم. در ۲۰۱۱ ایران برای دومین مرتبه در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، در موارد تطبیق این کشور با تعهدات خود با میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بررسی شد. در ۲۰۱۳ فرصت مشابهی بود در مورد میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. در ۲۰۱۴ هم بررسی دوره‌ای عملکرد ایران در شورای حقوق بشر سازمان ملل خواهد بود.



ما در هر مورد سعی کردیم یادآور شویم که اتفاق‌های موجود در ایران، مخالف تعهدات کشور است. حکومت ایران همیشه سعی می‌کند ادعا کند که این مسائل غربی‌هاست، این مطابق فرهنگ ما نیست، مطابق ارزش‌های ما نیست. ولی متن کنوانسیون‌ها، تعریف مفاهیم، درک تعهدات کشورها، کاملاً مشخص هستند. همه‌چیز در اینجا روشن و بدون ابهام بیان شده است.

اصل این است، وقتی شما پای این قوانین را امضا کرده‌ای، گفته نشده است که این فقط شامل مردها، مسلمان‌ها و غیردگرباشان جنسی است؛ چنین نیست! همه انسان‌ها باید از حق و حقوق برابر برخوردار باشند.

برای همین ما سعی می‌کنیم تا دائماً به حکومت ایران یادآور شویم که حقوق دگرباشان جنسی، چیز عجیب و غریبی نیست. این موضوع کاملاً قانونی و حقوق بشری است که مطابق تعهدات ایران، بایستی به انجام برسد. اگر ایران انجام نمی‌دهد، درحقیقت به تعهدات خودش پشت پا می‌زند.

در نتیجه، ما در چند سال گذشته از هر فرصتی استفاده کردیم، از جمله در مکاتبات‌مان با احمد شهید تا بتوانیم نقض تعهدات ایران را یادآور شویم. **اینجا و اینجا**

**|| محمدجواد لاریجانی، از جمله سیاستمدارهای ایرانی است که خطاب به مقامات بین‌المللی،**

**پاسخ تندی به موارد قید شده در مورد حقوق دگرباشان جنسی ایرانی داد؛ جواب ایشان**

**را چطور ارزیابی می‌کنید؟**

◀ اولاً جای تاسف دارد که آقای لاریجانی، رئیس ستاد حقوق بشر قوه قضاییه، به‌عنوان مسئول رسمی پرونده حقوق بشر ایران، این قدر ضد حقوق بشر صحبت می‌کند.

نکته دیگر اینکه مهم نیست امثال آقای دکتر لاریجانی چه می‌گویند. دولت ایران این تعهدها را امضا کرده است. وقتی شما پای یک قرارداد را امضا می‌کنید، دیگر مهم نیست پدربزرگ خانواده چه می‌گوید.

وقتی قراری امضا شد، اجرای تعهدات بر عهده شماست. سازمان ملل هم مرتب به ایران می‌گوید مهم نیست شما چطور فکر می‌کنید، شما این قراردادها را امضاء کرده‌اید، در نتیجه مجبور هستید پای آن بایستید. اگر دوست نداشتید، حُب امضا نمی‌کردید، اما حالا این امضای شما اینجاست. شما عضو این میثاق‌ها و قانون‌ها هستید، اینجا تعهد شما روشن است.

بنابراین، اینکه حکومت در تهران چطور فکر می‌کنند، واقعاً محلی از اعراب ندارد. سیاستمداران جمهوری اسلامی جوی درست کرده‌اند که از هر چیزی خوش‌شان نمی‌آید، بلافاصله می‌گویند این موضوعی سیاسی است. به غیر از مسأله حقوق دگرباشان جنسی، حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی هم به‌همین شکل با کلمه «سیاسی» بی‌اهمیت جلوه داده شده است.

من فکر می‌کنم اشتباه سیاستمداران ایران این است که خیال کرده‌اند دارند از اداره یک مسجد صحبت می‌کنند. شما می‌توانید در اداره مسجد خودتان، هر کسی را خواستید راه بدهید، دل‌تان خواست تکفیر کنید، خواستید هم به بهشت بفرستید.

در ایده‌آل‌ترین شکلش، سیستم‌های مردم‌سالار برای تمام شهروندان، برای تمام اتباع کشور حقوق مساوی در نظر می‌گیرند. در حکومت ایران این درک وجود ندارد که انسان‌ها به واسطه انسان بودن، حق و حقوقی دارند. این درک وجود ندارد که جدای از اینکه افراد چه کاره هستند، هویت جنسی‌شان چیست، مذهب‌شان چیست، زبان مادری‌شان چیست، همه به واسطه انسان بودن دارای حقوق مساوی هستند.

حالا اگر شما رئیس کلیسا و مسجد هستید، نمی‌خواهید ازدواج همجنس‌گرایان را به رسمیت بشناسید، خوب، نشناسید. مسجد خودتان است. ولی وقتی وارد جامعه شدید، این دیگر حسابش جداست.

یک سیاست‌مداری مثل آقای لاریجانی که یک مملکت هشتاد میلیونی را نمایندگی می‌کنند، برآزنده نیست این مطالب سخیف را مکرراً در مورد حقوق دگرباشان جنسی و یا حقوق بشر تکرار کنند.

**|| حکومت ایران مرتب هم می‌گویند این خواسته‌های غربی است که به ما تحمیل می‌شود،**

**از صحبت‌های رهبر جمهوری اسلامی تا دیگر مقامات، چنین بحثی آشکار است؛ چرا**

**موضوعات مربوط به حقوق جنسی افراد را غربی می‌پندارند؟**

◀ وقتی شما جنسیت افراد را به غرب و شرق حواله می‌کنید، این نشان دهنده فقر فرهنگی شماست. جنسیت افراد غرب و شرق ندارد و انسان‌ها با هویت جنسی خودشان به دنیا می‌آیند، همان‌طور هم عشق و علائق جنسی را همراه تولدشان به این دنیا می‌آورند. این‌ها را نمی‌شود انکار کرد.

نصف قانون مدنی ایران برگرفته از قانون بلژیک است. هیچ مشکلی در این زمینه نداشتید. ولی وقتی مسأله دگرباشان جنسی باشد، یک مرتبه به‌خاطر آن می‌رسد که این حرف قوانین غربی است.

وقتی مرتب می‌گویند در جامعه ما دگرباش جنسی وجود ندارد، یا تاریخ را نمی‌شناسند یا از گذشته کشور خود خبر ندارند.

شما تاریخ شعر در ادبیات فارسی را نگاه کنید. در تاریخ ایران، بسیاری از افراد عشق به همجنس دارند و خیلی راحت هم از آن صحبت می‌کنند.

دگرباش‌ستیزی موجودشان را به شرق و غرب حواله می‌دهند و فکر می‌کنند به این شکل مشکلات مملکت را حل کرده‌اند.

**|| بحث حقوق بشر بعد از مباحث مرتبط به انرژی هسته‌ای، مهم‌ترین مشکل حکومت**

**ایران برای بازگشت به جایگاه سابق خود در میان کشورهای جهان است. فکر می‌کنید**

## ایران حاضر به مذاکره در مورد مباحث مرتبط به حقوق بشر بشود؟ و فکر می کنید در چنین مذاکراتی، بحث حقوق بشر دگرباشان جنسی را هم وارد کند؟

◀ به نظر من موضوع حقوق بشر باید دغدغه ایرانی باشد، این را نباید منتظر باشیم غربی‌ها از غرب برایمان بیاورند. دولت ایران مشکلی ندارد مذاکره کند تا دلارهای نفتی‌اش آزاد شود. ولی وقتی بحث حقوق بشر مطرح می‌شود، حکومت ایران ته دل‌اش می‌لرزد. چون به لحاظ ساختاری بر مبنای استبداد داخلی بنا شده است. حکومت ایران تا وقتی بتواند مردم را سرکوب کند، هیچ مشکلی ندارد. تمام دغدغه‌شان این است که حقوق بشر دغدغه هر ایرانی باشد. یعنی این درک ایجاد شود که حق هر انسانی است که به واسطه انسان بودن، از حق و حقوق برخوردار باشد.

ما نباید منتظر واشنگتن یا لندن یا هر پایتخت دیگری باشیم. ما باید به عنوان یک انسان بگوییم ما با اندام جنسی، با هویت جنسی خودمان به دنیا آمده‌ایم. حالا چه دگرباش باشیم چه غیردگرباش باشیم. اینجا بحث، فقط بحث دگرباشان نیست، بحث حقوق جنسی افراد است. شما در نظر بگیرید که بسیاری از غیردگرباشان هم آزادی و حقوق خود را ندارند. طرف را به زور می‌برند، چرا که با دوست‌دخترش راه می‌رود؛ یا فلان لباس را پوشیده است. ازدواج‌های خانوادگی در سن پایین و انواع و اقسام فشارها که وجود دارد. بحث اینجا، بحث حق و حقوق و آزادی‌های جنسی است. روایت رسمی حکومت هم این است که تا بحث آزادی جنسی وسط کشیده می‌شود، می‌گویند فساد و بی‌بندباری.

بحث این است که انسان‌ها با اندام جنسی به وجود می‌آیند، حق‌شان هم این است که از اندام‌شان استفاده کنند و لذت ببرند. اینکه من در خلوت خودم می‌خواهم چطور زندگی بکنم، با کی هم‌خوابه شوم، ربطی به کسی ندارد. این انتخاب و حق هر انسانی است و حکومت‌ها هم حق مداخله در آن را ندارد. قوانین بین‌المللی هم همین است: آنچه در زندگی خصوصی افراد می‌گذرد، به خود افراد مربوط است و بس.

## || برنامه‌های آینده سایت فارسی اقدام آشکار جهانی چیست؟ منتظر عرضه چه جزوه‌های جدیدی از طرف شما باشیم؟

◀ مجموعه‌ای از تحقیق‌ها را در چند سال گذشته در مورد وضعیت دگرباشان جنسی انجام داده‌ایم برای عرضه آماده می‌شوند.

متأسفانه وضعیت مصیبت‌باری حاکم است در مورد اقلیت‌های جنسی که از حقوق‌شان محروم هستند. باین حال، ما در صدد هستیم با آمار و ارقام و موارد مشخص، نشان بدهیم وضعیت چطور است.

در ایران حتی حق تراجنسی‌ها هم ضایع می‌شود. گفت می‌شود که تراجنسی‌ها در ایران حقوق کامل دارند، افراد تراجنسی‌تی و تراجنسی در ایران فقط حق دارند از طریق عمل جراحی، تغییر جنسیت بدهند. حالا اگر طرف پول نداشته باشد یا نخواهد عمل کند، در واقع زندگی‌اش ضایع شده است و هیچ حقی برای زندگی معمول را در جایی

پیدا نمی‌کند. بعلاوه در ایران طبقه اجتماعی تراجنسی و ترنس‌سکشوآل نداریم. همه مردم از نظر حکومت یا زن هستند یا مرد.

ما باید آموزش‌های بیشتر در زمینه حقوق و آزادی‌های جنسی افراد داشته باشیم. ما در صدد هستیم با بیانی روشن‌تر و واضح‌تری با افراد در مورد حقوق جنسی صحبت کنیم، تا افراد درک کنند این فقط مسأله بخشی از جامعه نیست. همه ما در اینجا صاحب حق هستیم. آموزش‌ها و مجموعه‌های انتشاراتی ما، کتاب‌ها، جزوه‌ها، فیلم‌های کوتاه، همگی سعی می‌کنند همین نکته را برای مخاطب ایرانی روشن کنند: اصل قضیه این است که انسان‌ها حقوق جنسی دارند و همه‌شان باید از این حقوق جنسی برخوردار باشند و دولت‌ها هم حق ندارند به انسان‌ها بگویند چگونه از جنسیت و حقوق جنسیتی خودشان استفاده کنند.





سازوکارهای  
حقوق بشر سازمان  
ملل متحد و موضوع  
دگرباشان جنسی ایران  
در گفت‌وگو با حسین علیزاده



## سازوکارهای حقوق بشر سازمان ملل متحد و موضوع دگرباشان جنسی ایران

### در گفت‌وگو با حسین علیزاده مدیر بخش خاورمیانه و شمال آفریقا در اقدام آشکار جهانی

منتشر شده در صفحه دگرباش وبسایت رادیو زمانه، ۲ اردیبهشت ۱۳۹۴

در این گفت‌وگو حسین علیزاده، مسئول بخش خاورمیانه و شمال آفریقای کمیسیون بین‌المللی حقوق بشر زنان و مردان همجنس‌گرا، درباره رابطه این سازمان غیر دولتی با سازمان ملل متحد و ساز و کارهایی که نفع جنبش حق‌خواهی دگرباشان جنسی ایرانی استفاده می‌شود، توضیح می‌دهد.

کمیسیون بین‌المللی حقوق بشر زنان و مردان همجنس‌گرا (اقدام آشکار جهانی) موسسه‌ای است غیر انتفاعی، مستقر در شهر نیویورک آمریکا که در سال ۱۹۹۰ میلادی تاسیس شده است.

این موسسه، در زمینه ارتقای سطح زندگی برای آن دسته از مردمانی که به‌خاطر هویت جنسیتی، گرایش جنسی یا تجربه جنسی خود، مورد تبعیض یا سوءاستفاده دیگران قرار گرفته‌اند، فعالیت می‌کند.

حسین علیزاده، مسئول بخش خاورمیانه و شمال آفریقای این موسسه، مدت یک دهه است که با گروه‌ها و فعالان دگرباش جنسی، در منطقه خاورمیانه ارتباط و همکاری دارد و در این مدت، پروژه‌های مختلفی را در کشورهای منطقه از جمله در عراق و ترکیه مدیریت کرده است.

در زمینه فعالیت‌های اقدام آشکار جهانی برای جامعه دگرباشان جنسی ایران و همچنین در زمینه رویدادهای اخیر مرتبط به فعالیت‌های کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، با حسین علیزاده، صحبت کرده‌ام.



## II اقدام آشکار جهانی، سازمان غیرانتفاعی مستقر در نیویورک، مشاور رسمی سازمان ملل متحد در امور دگرباشان جنسی است. این عنوان چه اختیاریاتی به سازمان شما می‌دهد؟

◀ اول بگذارید این نکته را در مورد معنای «مشاور» در اینجا توضیح بدهم. سازمان ملل، سازمانی برای دولت‌هاست. ولی در بیست سال گذشته، این سازمان درب خود را به روی سازمان‌های غیر دولتی (NGO) و جامعه مدنی نیز باز کرده است.

بدین ترتیب سازمان‌های مدنی، اکنون می‌توانند به‌عنوان مشاور در جلسات کمیته‌های مختلف و سازمان‌های تخصصی سازمان ملل حاضر باشند. مشاور یعنی اینکه شما به‌عنوان عضو ناظر (observer) در جلسات رسمی سازمان ملل متحد، مثل جلسات کمیسیون حقوق اجتماعی، سیاسی و فرهنگی (ECOSOC) و مانند آن امکان حضور دارید، اما حق رای ندارید.

سال‌ها، کشورهایی که پروسه ورود سازمان‌های غیر دولتی و جامعه مدنی به سازمان ملل را بررسی می‌کردند، مایل به حضور سازمان‌های دگرباشان جنسی نبودند و اقدام آشکار جهانی اولین سازمان دگرباشان جنسی امریکایی است که در سال ۲۰۱۰ این عنوان را به‌دست آورد.

پرونده عضویت سازمان ما به عنوان مشاور بیش از پنج سال طول کشید و تعدادی از کشورها مانند مصر و عربستان دائماً با آن مخالفت می‌کردند. البته بعد از پذیرفته شدن عضویت ما در سازمان ملل، سازمان‌های دگرباش جنسی از کشورهای دیگر هم موفق شدند عضو ناظر سازمان ملل شوند.

## II شما به‌عنوان مشاور، چه کارهایی در سازمان ملل می‌توانید انجام بدهید؟

◀ مهم‌تر از هر چیزی، ما اجازه رسمی ورود به سازمان ملل را داریم و به این شکل می‌توانیم در جلسات مختلف شرکت کنیم و به هیأت‌های مختلف، دسترسی داشته باشیم. همچنین می‌توانیم با کشورها و سازوکارهای گوناگون، وارد صحبت مستقیم بشویم.

در مواردی مثل قطعنامه‌های کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، یا در مورد دفاع از حقوق زنان یا حمایت از حقوق اقلیت‌ها، می‌توانیم با رعایت شروط مشخصی در جلسات و گفت‌وگوهای مربوط شرکت کنیم و اجازه سخنرانی داشته باشیم.

هرچند باید تکرار کنم که سازمان ملل، در نهایت سازمانی برای دولت‌ها است و در آن، دولت‌ها بازیگرهای اصلی هستند. ولی سازمان‌های تخصصی سازمان ملل، مثل برنامه مشترک سازمان ملل متحد در زمینه ایدز (UNAids) و یا کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد (UNHCR)، همکاری نزدیکی با سازمان‌های جامعه مدنی دارند و ما بیشترین حد همکاری را با چنین سازمان‌های تخصصی و نیز با کمیته‌های مختلف سازمان ملل داریم.



## II سازمان شما با این سطح ارتباطات در سازمان ملل و با عنوان مشاور، چه کمکی

### می‌تواند به یک دگرپاشی جنسی ایرانی داشته باشد؟

◀ مساله این است که سازمان ملل، برای دفاع از حقوق تک به تک افراد شکل نگرفته است. در اینجا، مساله بحث جهانی بین کشورهاست.

من مکرر به دوستانی که پرونده‌هایشان را در اقدام آشکار جهانی بررسی می‌کنیم یا در گزارش‌ها مطرح می‌کنیم، می‌گویم سازمان ملل در واقعیت یک روند اداری طولانی است و فرآیندهای آن زمان زیادی می‌برد و یک موضوع ممکن است ماه‌ها و سال‌ها در آنجا معطل بماند.

بنابراین ممکن است مثلاً با تهیه گزارش مستند خاصی در موضوع نقض حقوق انسانی فردی، در زندگی آن یک شخص، تاثیر آبی رخ ندهد، ولی همین گزارش مستند همراه با نمونه‌ها و مثال‌های فراوان، می‌تواند تبدیل به پرونده مستحکمی در سطح جهانی شود. در این حالت تاثیر آن بر زندگی بسیاری و نه تنها یک فرد خواهد بود. مثلاً ما امسال گزارشی را به کمیته ناظر بر کنوانسیون حقوق کودک داده‌ایم و این گزارش توسط این کمیته بررسی می‌شود، ایران هم گزارش خودش را ارائه می‌دهد و بعد این کمیته ناظر و دولت ایران وارد صحبت خواهند شد. خب در این گزارش، ما نمونه‌هایی آورده‌ایم که چگونه در ایران حقوق دگرپاشان جنسی در زمان کودکی، نقض می‌شود، مثل موضوع تجاوز در مدارس. در حالت عادی، کسی اطلاعات و آمار دقیقی در این باره ندارد، هر چند که موارد این چنینی در ایران، زیاد رخ می‌دهند.

## II چرا چنین اطلاعات و آماری وجود ندارد؟

◀ چون دولت حاضر نیست در این موارد چیزی منتشر کند. وقتی شما با دولت در این موارد صحبت می‌کنید، پاسخ دولت این است که این اتفاقات وجود خارجی ندارند و همه چیز خوب و خوش است.

جامعه مدنی داخل هم امکاناتش محدود است، حالا به خاطر فشار و سانسور یا موارد دیگر. در نتیجه نقض حقوق بشر مکرر رخ می‌دهد، اما آمار و اطلاعات در مورد آن کم است.

ولی ما می‌توانیم با قاطعیت، در گزارش‌هایمان نشان دهیم که اگر کودکی در مدارس ایران مورد آزار جنسی قرار بگیرد، مدیران و مسئولان مدراس غالباً به این موضوع اهمیتی نمی‌دهند.

در اینجا جامعه جهانی با مطالعه این گزارش‌ها، از نقض آشکار حقوق انسانی کودکان در مدارس آگاه می‌شود و می‌تواند برابر مفاد کنوانسیون‌های جهانی، دولت‌هایی را که این کنوانسیون‌ها را امضا کرده‌اند، زیر سوال ببرد که چرا حامی و مراقب حقوق افراد نیستند.

## II وقتی از سازوکارهای حقوق بشر سازمان ملل متحد صحبت می‌کنیم، زمینه بحث ما به کجاها می‌رسد؟

در حدود دو دهه پیش، کسی جرات نداشت در سازمان ملل، اسمی از دگرباشان جنسی بیاورد. دلیلش هم مخالفت دولت‌ها بود. فراموش نکنید که در حقوق بین‌الملل، کار، سیاسی است و هر کشوری به استناد حق حاکمیت خود، در رفتار و اعمالش آزادی فراوان دارد.

یعنی سازمان ملل، مرجعی مانند دادگاه نیست که بروید از یک نفر شکایت کنید و پلیس دم در خانه‌اش بفرستید. حقوق بین‌الملل، به تدریج و با رضایت خود کشورها به وجود می‌آید. عمده آن هم از طریق امضای معاهده‌ها است. مثلاً جمهوری اسلامی ایران، در مورد حقوق کودک معاهده امضا کرده است. حالا می‌شود گفت چون شما این کنوانسیون را امضا کرده‌ای، این تعهدات شما است و باید به آن عمل کنید.

البته در چند سال اخیر، در سازوکارهای حقوق بشر سازمان ملل متحد، تلاش‌هایی از طرف تعدادی از کشورهای جهان صورت گرفته تا در مورد حقوق دگرباشان جنسی هم صحبت بشود. این بحث، جدید است و کارهای بیشتری باید انجام بشود. طبعاً سال‌ها طول می‌کشد تا این روند نهادینه بشود.

## II این سازوکارها چه ارتباطی با دگرباشان جنسی در ایران پیدا می‌کنند؟

◀ کارها در مساله حقوق دگرباشان جنسی در ایران، الان در روند مثبتی دنبال می‌شوند و در چند مورد، موضوع حقوق انسانی دگرباشان جنسی مطرح شده است.

در سال ۲۰۱۱ در توصیه نهایی کمیته حقوق بشر سازمان ملل و در سال ۲۰۱۳ در توصیه شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد به دولت ایران، این موضوع مطرح شد - متن فارسی در این و این لینک.

بعد در سال ۲۰۱۳ در گزارش احمد شهید گزارشگر ویژه در موضوع حقوق بشر ایران، این موضوع مطرح شد (لینک اول و لینک دوم) و بعد هم در گزارش اخیر ایشان که در گزارش ادواری جهانی (UPR) در اسفند گذشته منتشر شد و به وضعیت تراجنسیتی‌ها پرداخت.

## II فکر می‌کنید از طریق این گزارش‌ها بتوان به چه چیز رسید؟

◀ در مجامع بین‌المللی، کشورهایی مثل ایران می‌گفتند ما در مورد مسائل دگرباشان جنسی صحبت نمی‌کنیم، چون این مسائل مخالف و مغایر با فرهنگ بومی ماست.

ولی اگر شما کتاب رسمی کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، آزاد و برابر زاده شده‌ایم را بخوانید، پیش از هر چیز گفته می‌شود، احترام به حقوق دگرباشان جنسی در تناقض با فرهنگ‌های بومی کشورهایی که چنین ادعاهایی دارند، نیست.

این کشورها همچنین معاهده‌هایی را امضاء کرده‌اند و باید به این اسناد و قراردادها وفادار بمانند.

اعلامیه جهانی حقوق بشر که اصل و مبنای فعالیت سازمان ملل متحد است، در این مورد به طور مشخص می‌گوید (ماده ۳): «هر کسی حق زندگی، امنیت و آزادی شخصی دارد.»

وقتی هم می‌گوید هر کسی، این یعنی شامل همه می‌شود و فقط شامل بعضی‌ها نیست. اینجا بحث دگرباش و غیر دگرباش جنسی نیست و این شامل همه مردم است.

## || واکنش ایران نسبت به گزارش‌هایی مانند گزارش احمد شهید چیست؟

◀ کشورهای مثل ایران، در سایه بحث نسبت فرهنگی‌شان، در صحنه بین‌المللی حاضر نیستند حقوق همه انسان‌ها را محترم بشمارند.

در اینجا است که کسی مثل احمد شهید، نقش مهمی پیدا می‌کند.

در عرصه بین‌المللی، شهید می‌گوید شما مسلمان هستید، خب، من هم مسلمان هستم. ولی در این میان چیزی به نام حقوق بشر هم وجود دارد.

ایران عضو سازمان ملل و متعهد به اجرای قوانین بین‌المللی‌ای است که آنها را امضا کرده است. به این شکل، ایشان بحث را به داخل کشور منتقل کرده است. این کاری است که شهید انجام داده و در تاریخ جنبش مدنی ایران هم بی‌سابقه است.

از سال ۱۹۸۴ ما چهار گزارشگر حقوق بشر برای ایران داشتیم. تا سال ۲۰۱۱ که شهید کار خود را آغاز کرد، کسی از میان اینان حرفی از حقوق دگرباشان جنسی نزنده بود. کار شهید در این باره، کمک بزرگی به جنبش مدنی ایران در ارتباط با حقوق دگرباشان جنسی است.

وقتی گزارشگر ویژه به این مسائل می‌پردازد، دیگر بحث حاشیه‌ای نیست. فکر می‌کنم احمد شهید توانست بحثی را ادامه دهد که سابق بر این با زمزمه و در خلوت صورت می‌گرفت، ولی اکنون دارد بحث عمومی می‌شود.

## || آیا اقدام آشکار جهانی با احمد شهید هم همکاری مستقیمی دارد؟ اگر همکاری وجود

### دارد به چه گونه است این همکاری؟

◀ شهید، گزارشگر مستقل سازمان ملل است. سازمان ما با ایشان به‌عنوان کارشناس سازمان ملل کار می‌کنیم و مانند دیگر سازمان‌های جامعه مدنی، یافته‌هایمان را در اختیار گزارشگر ویژه قرار می‌دهیم.

ولی ایشان در مورد گزارش یا عدم گزارش موضوعات گوناگون، خود تصمیم می‌گیرد و نه ما. این موضوع مهمی است. چون در شرح وظایف گزارشگر ویژه نیست که تنها با یک سازمان به‌خصوص کار کند و یا تنها به یک گروه توجه کند.

در واقعیت امر، گزارشگر ویژه در موضوع حقوق بشر، موظف است به دولت ایران کمک کند تا تعهدات حقوق بشری خود را انجام بدهد. یعنی شهید، اپوزیسیون سیاسی ایران محسوب نمی‌شود.

ایشان به عنوان یک کارشناس از طرف سازمان ملل تعیین شده است تا وضعیت حقوق بشر ایران را بررسی کند، هرکجا خوب است، بگوید خوب است و هرکجا بد است، قید کند که بد است. به دولت ایران هم توصیه کند تا وظایفش را برابر قوانین بین‌المللی انجام بدهد.

## II یعنی ایران حقوق انسانی شهروندانش را تضمین کند و در موضوع حقوق بشر، با کشورهای جهان مذاکره کند؟

◀ قطعاً. البته اینجا یک این موضوع جالب است؛ ایران حاضر است با قدرت‌های جهانی در موضوع هسته‌ای به مذاکره بنشیند و به توافق برسد، ولی در مورد رعایت حقوق بشر حاضر به صحبت نیست. این برایم خیلی عجیب است. قبلاً می‌گفتند انرژی هسته‌ای، حق مسلم ما است، ولی حالا در موردش تفاهم می‌کنند، خوب، در مورد حقوق بشر چرا به صحبت و گفت‌وگو نمی‌نشینند؟

موضوع ساده است: شهید می‌گوید مشکلاتی در مورد نقض حقوق بشر در ایران وجود دارد، بهتر است بنشینیم و با هم حرف بزنیم و ببینیم چطور می‌شود این مشکلات را حل کرد.

مثلاً در مورد **تراجنسیتی‌ها** در گزارش اخیر، ایشان می‌گویند خوب است که دولت ایران می‌گذارد فرآیندهای تغییر کارکرد جنسیتی انجام بگیرد، ولی در این میان مشکلاتی هم وجود دارد که باید رفع شود.

مثلاً عمل‌های جراحی تغییر جنسیت خوب انجام نمی‌شوند، بعضاً افراد اطلاعات کافی دریافت نمی‌کنند، یا سازوکارهای حمایتی پس از عمل وجود ندارد و بسیاری از این افراد، از هیچ‌گونه حمایت کاری یا پزشکی برخوردار نیستند و بسیاری موارد دیگر. خوب، دولت ایران این را تصحیح کند. تمام حرف ایشان اصلاح این موارد و بهبود شرایط زندگی مردم است.

متأسفانه دولت ایران کل موضوع را به شکل یک جنگ و جدال سیاسی درآورده است. هرچند واقعاً این‌طور نیست.

## II در اسفند ماه گذشته، گزارش ادواری کمیته حقوق بشر در مورد کشور ایران (UPR) در ژنو برگزار شد. توضیحی خلاصه در مورد UPR به ما می‌دهید؟

روندی از سال ۲۰۰۶ میلادی در سازمان ملل شروع شده است، به اسم گزارش ادواری جهانی یا UPR. هر چهار سال یک بار کشوری داوطلب می‌شود و اجازه می‌دهد بقیه کشورها عملکرد حقوق بشر آنها را بررسی کنند. به هر کشور یک تا دو دقیقه وقت می‌دهند تا در مورد وضعیت کشور داوطلب صحبت کنند. برخی از کشورها تمجید می‌کنند، برخی سوال دارند و برخی هم توصیه و انتقاد می‌کنند. یعنی یک روند دموکراتیک برای کشورها به وجود آمده است.

جمهوری اسلامی ایران از این گزارش ادواری استقبال کرده است، توضیح خوبی هم در مورد این روند در وبسایت رسمی ستاد حقوق بشر قوه قضاییه منتشر کرده‌اند. هم در سال ۲۰۱۰ و هم در ۲۰۱۴ هیاتی را برای شرکت در روند ادواری جهانی (UPR) به ژنو فرستادند.

در مهرماه ۱۳۹۳ (۲۰۱۴ میلادی) که دومین روند ادواری جهانی ایران صورت گرفت، ۱۰۴ کشور جهان، ۲۹۱ توصیه به جمهوری اسلامی ارائه دادند. ایران پس از بررسی این پیشنهادها، رسماً در اسفند ۱۳۹۳ اعلام کرد که ۱۰۲ پیشنهاد را رد کرده، ۱۳۰ پیشنهاد را قبول کرده و ۵۹ پیشنهاد را هم مشروط، پذیرفته است.

در جریان اولین UPR ایران در سال ۲۰۱۰، فقط سه توصیه به ایران در موضوع دگرباشان جنسی داده شده بود و ایران هر سه را رد کرده بود. اما در سال گذشته، ۱۳ مورد، یعنی چهار برابر قبل، به ایران در موضوع توصیه شده بود. این نشان داد که ایران بیش از پیش توسط جامعه جهانی در موضوع دگرباشان جنسی زیر سوال رفته است.

## II دولت ایران آیا با هیچکدام از پیشنهادهای در موضوع دگرباشان جنسی، موافقت کرده است؟

◀ همان‌طور که اشاره کردم و در بیانیه اقدام آشکار جهانی هم آورده‌ایم، در مقایسه با چهار سال قبل، حجم درخواست‌ها از ایران در موضوع دگرباشان جنسی، چهار برابر شده است.

دلیلش هم جدی شدن بحث دگرباشان جنسی، در سازوکارهای حقوق بشر سازمان ملل متحد است. در سال‌های گذشته نیز هرچه به ایران در این موضوع گفته‌اند، ایران پاسخی نداده بود.

این بار، ایران در این موضوع در واقع، تحت فشار بیشتری قرار گرفته است. جمهوری اسلامی از ۱۳ مورد، فقط سه مورد را به شکل مشروط پذیرفت. منتهی توضیح نداده‌اند مشروط یعنی چه و اینکه کدام قسمت را قبول می‌کنند و کدام را قسمت را رد می‌کنند.

مثلاً اوروگوئه از ایران خواسته بود تا قوانین داخلی به نوعی اصلاح شود تا هرگونه تبعیض فارغ از موضوع هویت و گرایش جنسی، مذهبی یا تفکر سیاسی، محو شود. ایران این را بطور کامل رد کرده است. اما از سوی دیگر خواسته دانمارک این بود که رهایی از شکنجه برای افراد زندانی، فارغ از هویت و گرایش جنسی افراد، تضمین بشود. ایران این را مشروط پذیرفته است.

مصادق این توصیه دانمارک هم ماجرای مهمانی جشن تولد کرمانشاه در دو سال پیش بود. بسیج در آنجا مردم را کتک زد، آب و غذا به آنها نداد، شوک برقی با باتوم به افراد وارد کرد، مردم را چشم‌پند زدند و اعترافات اجباری گرفتند. این عملکرد بسیج مصادیق شکنجه بود.

حالا جمهوری اسلامی مشروط، پیشنهاد دانمارک را قبول کرده. این یعنی چه؟ کسی نمی‌داند. یعنی الان می‌خواهند شکنجه برای افراد زندانی را بردارند، ولی برای دگرباشان جنسی، شکنجه را نگه دارند؟ مشروط در اینجا مربوط به کدام قسمت است؟

## II فکر می‌کنید چرا ایران چنین جواب گنگی داده است؟

◀ دولت ایران گفته است اگر این موارد را به طور کامل قبول کند، مخالف قانون اساسی، ارزش‌ها و اسلام عمل خواهد کرد. انگار ایران میخواهد بگوید اگر ما مردم را شکنجه نکنیم، اسلام به خطر می‌افتد. حالا این جواب ایران، معمایی برای بسیاری از ما است. برخی در این میان راه افتاده‌اند و گفته‌اند که جمهوری اسلامی، حق و حقوق دگرباشان جنسی را به رسمیت شناخته است که چنین چیزی به نظر نمی‌آید صحت داشته باشد. دولت ایران هم چنین چیزی نگفته است.

ولی استنباط شخصی من این است که جمهوری اسلامی با این عمل مانور سیاسی می‌دهد. چون رد همه توصیه‌ها برایشان سنگین بود. دولت ایران از ابتدای کار مخالف ماموریت احمد شهید، گزارشگر ویژه بود و می‌گفت نیاز به گزارشگر ویژه ندارد. ولی با UPR موافقت کرده بود. حالا نمی‌توانست اینجا هم همه‌چیز را رد کند.

به این ترتیب این یک بازی سیاسی است. می‌گویند گزارش‌های گزارشگر ویژه را قبول نداریم، ولی در UPR شرکت می‌کنیم و توصیه‌هایی را قبول می‌کنیم، ولی نه همه را و یا به شکل کامل، چون در تضاد با قانون و اسلام و ارزش‌هاست.

## II دولت ایران زبانی دگرباش جنسی هراس دارد. آیا امسال این زبان نسبت به مسائل

### دگرباشان جنسی عوض شده بود؟

◀ زبان مقامات ایرانی، به هیچ عنوان تغییر نکرده است. وقتی در جریان جلسه پرسش و پاسخ UPR، مساله دگرباشان جنسی مطرح شده بود، حرکات و رفتار هیأت ایرانی چنان بود که انگار درباره یک موضوع تهوع‌آور صحبت می‌شود.

فکر می‌کنم دولت ایران به نفع خودش نمی‌بیند مانند محمود احمدی‌نژاد، جار و جنجال در موضوع دگرباشان جنسی راه بیندازد. ولی مشخصاً هم هیچ چیزی را قبول نکرده است.

اگر قرار بود زبان جمهوری اسلامی تغییر کند، ۱۳ توصیه کشورهای جهان را قبول می‌کردند و به آن توجه جدی نشان می‌دادند.

## II در نهایت امر، شما در اقدام آشکار جهانی امیدوار هستید، مساله دگرباشان جنسی

را به چه نقطه‌ای برسانید؟ و به نظر تان سازوکارهای حقوق بشر سازمان ملل متحد در

این زمینه می‌توانند کمکی موثر به ایرانیان دگرباش جنسی بکنند؟


◀ باید واقع‌گرایانه با شما صحبت کنم. سازوکارهای سازمان ملل متحد، در کوتاه‌مدت، توانایی‌های محدودی دارند و نمی‌شود از آنها انتظار معجزه داشته باشیم. ولی بحث اصلی این است که بایستی در مورد حق و حقوق دگرباشان جنسی، به شکل یک روند کامل صحبت کنیم.

این موضوع، ابعاد داخلی دارد و در درجه نخست، مشکل خانواده و جامعه مطرح است. البته نبود قوانین تبعیض‌آمیز و ناقص حقوق انسانی و شهروندی دگرباشان جنسی در ایران، منشاء مشکلات فراوانی است. با این حال تمام مشکلات اصلی ما، تنها دولت و قوانین نیستند. فرهنگ و جامعه ما، دگرباش جنسی‌هراسی را تشویق می‌کند یا نسبت به آن با سکوت برخورد می‌کند.

این فرهنگ، رویکرد و دیدگاه بایستی متحول شود. نهایتاً دولت هم باید قوانین همجنس‌گراستیز را تغییر دهد. این لزومش، کاری همگانی است. نمی‌شود تنها به فشار از سوی سازمان ملل بسنده کرد. این به‌خودی خود کافی نیست. کار فرهنگی و اجتماعی زیادی لازم است انجام شود.

یک بُعد کار سازمان ملل متحد است، ولی اصل کار، در این است که جامعه درک بهتری نسبت به موضوع دگرباشان جنسی پیدا کند.





زبانی عاری از توهین  
و تبعیض نسبت به  
دگرباشان جنسی  
در گفت‌وگو با فرید حائری‌نژاد





## زبانی عاری از توهین و تبعیض نسبت به دگرباشان جنسی

### در گفت‌وگو با فرید حائری نژاد، مسئول بخش ایران در کمیسیون بین‌المللی حقوق بشر مردان و زنان همجنس‌گرا (اقدام آشکار جهانی)

منتشر شده در صفحه‌ی دگرباش وبسایت رادیو زمانه در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

فرید حائری نژاد سردبیر سابق رادیو زمانه و مسئول بخش ایران در اقدام آشکار جهانی است. او نزدیک به یک دهه است که مشغول به کار در انواع متفاوت فعالیت‌ها در زمینه مسائل دگرباشان جنسی است. هسته اصلی فعالیت‌های او، تولید دانش و بالا بردن سطح آگاهی عمومی در موضوع دگرباشی جنسی بوده و او در زمینه ساخت فیلم‌های مستند، مدیریت بر تولید و عرضه کتابچه‌های آموزشی، برگزاری دوره‌های آموزشی برای خبرنگاران و رسانه‌ها و برگزاری سمینارهای کاربردی فعالیتی مستمر داشته است.

#### || چه شد که به فعالیت رسانه‌ای در زمینه دگرباشان جنسی ایران مشغول شدید؟

◀ در یک سفری کاری به ایران برای ساخت فیلم مستندی در سال ۱۳۸۵ برای نخستین بار با دگرباشان جنسی ایرانی آشنا شدم. پیش از این دوستانی داشتم که همجنس‌گرا بودند، ولی ارتباط وسیع و عمیقی با این جامعه نداشتم. در ایران با افراد فعالی از این جامعه آشنا شدم که برای بالا بردن آگاهی جمعی خودشان تلاش می‌کردند. هر یک از این افراد، داستان‌های تلخی از زندگی‌شان داشتند. داستان‌هایی که در زندگی همه آنها مشترک بود. تصور کنید بخشی از جامعه ما زیر فشار و آزار و تحقیر هر روزه قرار دارد، ولی صدایش به گوش کسی نمی‌رسد. از همان زمان معتقد شدم باید در حوزه کارهای بیشتری برای رساتر کردن این صداها انجام شود.

#### || خود شما در این باره، چه کردید؟

◀ آن زمان فیلم مستندی در مود دگرباشان جنسی ایرانی در تلویزیون سی‌بی‌سی (CBC) کانادا ساختم و به دنبال کارهای خبری در ارتباط با همین حوزه را در تلویزیون انجام دادیم. این کمکی خوبی بود برای مطلع کردن جامعه جهانی و به وجود آوردن حساسیت در این باره. آن زمان سی‌ان‌ان (CNN) و تعدادی از رسانه‌های آمریکایی هم به این موضوع پرداختند.

چند سال بعد هم که کارم را در رادیو زمانه آغاز کردم، از نخستین اقداماتم، راه‌اندازی ستون «دگرباش» بود تا فضایی ثابت در یک رسانه جریان اصلی، در این حوزه به وجود بیاید. به‌نظرم لازم بود تا موضوع دگرباشی جنسی وارد گفتمان‌های جریان اصلی (Main Stream) شود و این اقدام در راستای این نگرش بود.

به شکلی ثابت از آن زمان تاکنون، در این ستون، مطالب بسیاری هم از زبان دگرباشان جنسی و هم از زبان افراد غیر دگرباش جنسی، منتشر شده است. این نخستین باری بود که یک فضای مستمر برای فعالیت رسانه‌ای در موضوع مشخص دگرباشی جنسی در یک رسانه جریان اصلی به وجود آمد.

## || بحث اطلاعات یک موضوع است، بحث بیان زبانی آن موضوع دیگری است. چه شد

### بر زبان رسانه‌های فارسی‌زبان در زمینه دگرباشان جنسی، متمرکز شدید؟

◀ وجود یک دولت پیش‌رو می‌تواند با تغییر قوانین و اصلاحات، کمک به پیشرفت جامعه کند، در ایران، ما برعکس این را داریم. دولت خود مروج خشونت است. در اینجا رسانه‌ها و اهل قلم، نقش مهمی برای آگاهی‌رسانی و به وجود آوردن تغییر پیدا می‌کنند. به طور مثال استفاده از واژه‌ها و اصطلاحات صحیح و عاری از خشونت. واژه‌ها و اصطلاحات مرسوم در سطح جامعه در موضوع دگرباشان جنسی، بسیار خشونت‌آمیز و توهین‌بار هستند. لازم بود و هست که زبانی عاری از خشونت جایگزین شود. زبانی که مفاهیم را برساند که بار منفی یا خشونت‌آمیز نداشته باشد.

مثلاً به‌جای «همجنس‌باز» بگوییم «همجنس‌گرا، همجنس‌خواه یا دگرباش جنسی». تلاش می‌کنیم واژه‌ها و اصطلاحاتی استفاده شوند که اغلب از دل خود جنبش دگرباشان جنسی ایران بیرون می‌آیند و یا توسط اساتید زبان‌شناسی ساخته و معرفی می‌شوند.

واژه‌ها و اصطلاح‌هایی که در مورد دگرباشان جنسی استفاده می‌کنیم، می‌توانند تاثیر پر قدرتی بر مردم داشته باشند. بیان صحیح واژه‌ها و اصطلاحات، می‌تواند ذهن و دل مردم را باز کند و استفاده از واژه‌های غلط و خشونت‌زا، برعکس، می‌تواند باعث به وجود آمدن نفرت یا خشونت شود.

از سوی دیگر استفاده از واژه‌های غلط، برای مخاطب ایجاد سردرگمی می‌کند. از این جهت برای بازگویی و پوشش بهتر مسائل دگرباشان جنسی، ما بر آموزش خبرنگاران در این موضوع‌ها تمرکز کردیم و در این ارتباط کتابچه راهنمایی زیر عنوان **چگونه مسائل دگرباشان جنسی را پوشش دهیم** تالیف و منتشر شد. تا به امروز نیز هفت دوره آموزشی در رسانه‌های ایرانی و برای اهل رسانه برگزار کرده‌ایم.

## || چه بازخوردی از روزنامه‌نگاران در این دوره‌های دریافت کردید؟

◀ پیشتر باید بگوییم که استقبال خوبی از برگزاری این کارگاه‌های آموزشی شد. کم نیستند روزنامه‌نگارانی که به این مسائل اهمیت می‌دهند و هرچند برایم حیرت‌انگیز بود که بسیاری از شرکت‌کنندگان، به این مسائل علاقه

زیادی نشان می‌دادند، اما به‌رحال این ذهنیت هم وجود دارد که این مسائل مهم نیستند و گاه مقاومت‌هایی هم در برابر پرداختن به موضوع دگرباشی جنسی وجود داشت.

ولی پس از گفتگوهای جمعی، نمایش فیلم و پرداختن به موضوع‌هایی همچون تاریخچه دگرباشی جنسی در ایران، زبان، واژه‌ها و اصطلاح‌ها و از این قبیل موارد، دیدگاه‌ها به نظر تغییر کرد. این نظر جمعی به وجود آمد که این‌ها موضوعات جدی هستند.

به نظر من همه‌چیز در مورد دگرباشان جنسی، به حکومت و قوانین برنمی‌گردد. بلکه جامعه هم در تبعیض علیه دگرباشان جنسی نقش بزرگی ایفا می‌کند. ولی فکر می‌کنم می‌شود تا اندازه زیادی نگرش و رفتار جامعه را تغییر داد. این کاری است که جنبش دگرباشان جنسی، در کلیت خود می‌کند.

## **|| یک بحث رسانه است، یک بحث جامعه، یکی هم بحث حقوق و قانون است. اینجا ما با حقوق‌دان‌ها و فعال‌های حقوقی روبه‌رو هستیم. این بخش از جامعه، نیازمند چه تغییرهایی در زبان خود است؟**

◀ فکر می‌کنم قبل از تغییر زبان، باید اهمیت مسائل دگرباشان جنسی درک بشود. وقتی اهمیت این مسائل درک شد، حالا لازم است تا به این موضوع با زبان درست پرداخته شود.

اقدام آشکار جهانی تا به حال دو سمینار، یکی در سال ۱۳۹۱ و دیگری در سال ۱۳۹۳ در شهر دوسلدولف آلمان برگزار کرده است. در این سمینارها، ما از فعال‌های مدنی جامعه دگرباشان جنسی، حقوق‌دان‌ها و اندیشمندان دینی دعوت کردیم تا در کنار هم به بحث در موضوع دگرباشی جنسی بنشینند. در این سمینارها، از جمله در حوزه‌های حقوقی و دینی هم بحث‌های بسیاری صورت گرفت.

مایلم اینجا تاکید کنم هر جنبشی نیاز به متحدانی دارد که لزوماً متعلق به آن گروه اجتماعی نیستند. از این جهت هم‌فکری و همدلی طیف وسیعی از اندیشمندان، حقوق‌دان‌ها و متخصصان در حوزه‌های متفاوت که الزاماً دگرباش جنسی نیستند، بسیار مهم است. اینان متحدانی هستند که بدون حضور فعال‌شان، تغییر به سختی به دست می‌آید. در این سمینارها بسیاری از متحدان جنبش دگرباشان جنسی ایرانی سعی در هم‌فکری و همراهی داشتند.

## **|| دولت ایران و مقامات آن، آشکارا دگرباش ستیز هستند. در مورد سیاست‌های توهین و تحقیر آنان، چه می‌شود کرد؟**

◀ ایجاد تغییر در نگرش حاکم کار ساده‌ای نیست. هر چند به تدریج می‌بینیم که رسانه‌های دولتی داخل ایران هم گاهی از واژه‌های درست و صحیح استفاده می‌کنند. ولی خشونت‌ورزی و دگرباش جنسی ستیزی دولتی، در صورتی که فشار عمومی از سوی جامعه و مردم وجود داشته باشد در طولانی مدت شاید قابل تغییر باشد.

جامعه جهانی نیز در این زمینه نقش مهمی بازی می‌کند و می‌تواند تا حدی جمهوری اسلامی را وادار به رعایت حقوق شهروندان خود کند، فارغ از آنکه فرد چه گرایش جنسی‌ای داشته باشد.

## || سازمان‌ها و فعالان مختلف جامعه مدنی دگرباشان جنسی نقش مهمی در بوجود آمدن

### تغییر دارند. چه همکاری‌ای با این سازمان‌ها و افراد فعال دارید؟

◀ اقدام آشکار جهانی روابط و همکاری سازنده و گسترده‌ای دارد با سازمان‌های ایرانی و غیر ایرانی چه در موضوع دگرباشان جنسی، چه در موضوعات دیگر همچون حقوق انسانی یا شهروندی فعال هستند. به طور مثال، اقدام آشکار جهانی ارتباط خوبی با سازمان دگرباشان جنسی ایران (ایرکو) دارد و در عین حال عضو جبهه **تاثیر بر ایران** (Impact Iran) است. این جبهه، متشکل از سازمان‌های گوناگون فعال حقوق بشر برای همکاری مشترک است.

همچنین اقدام آشکار جهانی با سازمان‌های غیر ایرانی همکاری وسیعی دارد و عضو فدراسیون جامعه جهانی دگرباشان جنسی ایلگا ILGA است. علاوه بر این‌ها اقدام آشکار جهانی با بدنه سازوکارهای حقوق بشر سازمان ملل و کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل هم همکاری مستمر و عمیقی دارد. به این ترتیب، این سازمان توصیه‌ها و گزارش‌های خود مربوط به مسائل دگرباشان جنسی ایرانی را در عرصه جهانی، مطرح می‌کند.

## || گام بعدی شما، چه خواهد بود؟

◀ به‌نظرم برگزاری کارگاه‌های آموزشی، بایستی گسترده‌تر دنبال شود. ما تلاش داریم فعال‌های مدنی و حقوق بشر نیز در برنامه‌های این کارگاه‌ها شرکت کنند. اسفند ماه گذشته، اولین کارگاه آموزشی ما برای فعالین حقوق بشر در شهر ژنو برگزار شد. بزودی کارگاه‌های بیشتری نیز برگزار خواهیم کرد. امیدوار هستم تولید انتشاراتی پر بارتر هم در کنار آن، داشته باشیم.

## || شما امیدوار هستید، شاهد چه آینده‌ای برای دگرباشان جنسی ایران باشید؟

◀ امیدوارم روزی برسد که جامعه دگرباشان جنسی ایرانی، حقوق شهروندی و انسانی برابر با دیگر افراد جامعه داشته باشد. روزی که خود را بخشی آشکار از جامعه ایرانی ببیند. روزی که دیگر گرایش و هویت جنسی فرد، مانعی برای زندگی و موفقیتش نباشد. جامعه او را به حاشیه نراند و یا مورد تبعیض، آزار، توهین و تحقیر قرار ندهد. روزی که کسی از شغل، امکانات آموزشی و بهداشتی و درمانی و در یک کلام حقوق شهروندی محروم نشود. این‌ها به سادگی به دست نخواهند آمد، ولی این روز فرا می‌رسد. من به این موضوع باور دارم و مطمئنم چنین روزی فرا می‌رسد.



دگرباشان جنسی  
ایران؛ شهروندان  
آگاه به حقوق خود  
در گفت‌وگو با ساقی قهرمان





## دگرباشان جنسی ایران؛ شهروندان آگاه به حقوق خود

در گفت‌وگو با ساقی قهرمان، مدیر سازمان دگرباشان جنسی ایران  
(ایرکو / IRQO)

منتشر شده در صفحه‌ی دگرباش وبسایت رادیو زمانه در ۴ تیر ماه ۱۳۹۴

ساقی قهرمان، متولد مشهد و مقیم کانادا و مدیر سازمان دگرباشان جنسی ایران (ایرکو) است. در کنار فعالیت‌های اجتماعی، او شاعر است و صاحب چندین عنوان دفتر شعر به زبان‌های فارسی و انگلیسی، عضو پن کانادا و پایه‌گذار کلوب نویسندگان در تبعید انجمن قلم کانادا / پن (۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵) است. قهرمان، همچنین مدیریت انتشارات گیلگمیشان، اولین انتشارات مختص به دگرباشان جنسی ایرانی را نیز بر عهده دارد.

او خود در سال ۱۳۶۳ از کوه‌های مرزی ایران به ترکیه رفت، درخواست پناهندگی داد و در کانادا بازاسکان یافت. از سال‌های اول ورود به کانادا، با خانه‌های امن زنان قربانی خشونت، اقامتگاه‌های پناهندگان و تازه‌واردان فارس، کرد و ترک زبان همکاری کرد. از سال ۲۰۰۶ از طریق سازمان ایرکو، پرونده پناهندگان دگرباش جنسی ایرانی را بررسی و پیگیری می‌کند.

سازمان ایرکو، با فعالیت‌های خود تلاش می‌کند تا به «تعریف حقوق بشری و مدنی افراد همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا و تراجنسیتی ایرانی مقیم ایران و پناهنده در اقصی نقاط جهان»، «افزایش آگاهی و تشریح مباحث گرایش جنسی و هویت جنسی برای جامعه ایرانی»، «فعالیت در جهت جرم‌زدایی از همجنس‌گرایی در ایران» و «مستندسازی نقض حقوق افراد و جامعه دگرباش جنسی» دست یابد.

در این مصاحبه، با ساقی قهرمان در موضوع دگرباشان جنسی، قوانین بین‌المللی و سازوکارهای حقوق بشر سازمان ملل متحد، همچنین مساله پناهندگی صحبت کردم.

## || ایرکو به عنوان یک سازمان دگرباشان جنسی، چه رابطه‌ای با دولت کانادا دارد؟

◀ ایرکو یک سازمان قدیمی دگرباشان جنسی ایرانی است که در کانادا ثبت شده است. ما از یک طرف ایرانی هستیم، با جامعه دگرباش ایران پیوند خورده‌ایم و در کنار آن، سازمانی در کانادا هستیم و تحت قوانین سازمان‌های غیر انتفاعی کانادا اداره می‌شویم.

موازی آن، با سازمان‌ها و گروه‌های دگرباش جنسی کانادا رابطه سازمانی خودمان را داریم. رابطه‌ای معتبر، محترم و بر اساس اطمینانی دو جانبه هم با دولت کشوری که خانه این سازمان و بخشی از دگرباشان جنسی ایرانی شده است، برقرار کرده‌ایم.

در طول سال‌های گذشته، با رعایت دقیق اصولی که در چارچوب رفتار و عملکرد اجتماعی و سیاسی معنا دارد و با توجه به جایگاه ایرانی این سازمان مستقر در کانادا، توجه دولت و ارگان‌های مربوطه در کانادا را به آنچه نقض حقوق بشری و شهروندی همجنس‌گرایان، تراجنسیتی‌ها و دوجنس‌گرایان در ایران به‌شمار می‌آید، جلب کرده‌ایم، توضیح داده‌ایم و گزارش کرده‌ایم.

به عنوان مثال، در آخرین نشستی که به دعوت وزیر خارجه پیشین کانادا در اتاوا برگزار شد، صریحاً اشاره کردیم که از دولت کانادا توقع داریم تا در مواردی که نقض حقوق دگرباشان جنسی ایران، در چارچوب قوانین غیر انسانی و ناهمخوان با قوانین حقوق بشر جهانی است، با دولت ایران برخوردی محکم و آگاه بکنند و در این موارد، ساکت و بی‌توجه نمانند.

همچنین خواستیم تا به دولت کانادا یادآوری بشود که تغییر قوانین همجنس‌گرا ستیز و تراجنسی‌هراس، در اولویت مطالبه‌ها و هشدارهای دولت کانادا به دولت ایران قرار بگیرد.

ما در ایرکو معتقدیم که برای تغییر این قوانین، راهکارهای عملی، نظیر آموزش متخصصین حقوق و علوم پزشکی و علوم اجتماعی وجود دارد. همچنین برای توانمند کردن جامعه متخصصین ایران و دسترسی به اطلاعات به روز در علوم گوناگون، پیشنهادهایی داریم.

مثلاً پیشنهاد به ارگان‌هایی مثل توانا یا رادیو زمانه داده‌ایم که به‌جای مخاطب قرار دادن صرف دگرباشان جنسی، متخصص ایرانی را، مخصوصاً در زمینه‌های علوم پزشکی مخاطب خود قرار بدهند. برابر این پیشنهادها برای ارتباط با جامعه ایران، همکاری‌هایی با توانا داشته‌ایم

## || در سطح جهانی و سازوکارهای بین‌المللی حقوق بشر سازمان ملل متحد، چه کارهایی انجام داده‌اید؟

◀ در سطح جهانی ایرکو به کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد در ترکیه گزارش می‌دهد. همچنین به دیپلمات‌های کشورهای اروپایی، از جمله سوئد، اتریش، هلند و ایتالیا در توضیح وضعیت حقوق بشری و شهروندی

دگرباشان جنسی در ایران گزارش نوشته‌ایم. همچنین در مکاتبات با ایشان وضعیت اجتماعی جامعه دگرباش ایران و شرایط ایشان در دوران پناهندگی در اروپا را شرح داده‌ایم.

گزارش‌هایی هم در خصوص نقض حقوق بشری و شهروندی دگرباشان جنسی ایران و تشریح وضعیت گی‌ها، وضعیت ویژه لژیونرها و دشواری‌های روبروی ترانجسجی‌ها در ایران در نواحی مختلف و در لایه‌های اجتماعی گوناگون به شورای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد ارائه کرده‌ایم.

بخش دیگری از فعالیت ایرکو، پشتیبانی معنوی از سازمان‌هایی است که در زمینه روشنگری در نقض حقوق دگرباشان جنسی فعال هستند و در زمینه نقض حقوق دگرباشان جنسی ایران، به گزارش، تایید و شهادت، نیاز داشته‌اند و با همکاری ایرکو، امکان تهیه گزارش مورد نظرشان را یافته‌اند.

ایرکو تاکنون هفت گزارش سایه، به تنهایی با عنوان‌های **انسانیت انکار شده و زندگی همچنان جای دیگری است** یا **همراه با یکی از سازمان‌های همکار ایگل‌هرگ، ایگل‌هرگ، اس‌آر‌آی و دانشکده حقوق دانشگاه هاروارد به شورای عالی حقوق بشر ارسال کرده است.**

سه گزارش هم به **بررسی ادواری جهانی (UPR)** ارسال شده است. در نامه‌های سرگشاده‌ای نظیر نامه ۳۰ سازمان **فعال حقوق بشر** به نمایندگان کشورهای عضو مجمع عمومی سازمان ملل متحد که در اعتراض به وضعیت نقض حقوق بشری دگرباشان ایران، در کنار دیگر نقض حقوق جامعه ایران منتشر می‌شود، حضور ایرکو در کنار دیگر سازمان‌ها و گروه‌هایی که برای روشنگری در وضعیت و نقض حقوق بشر در ایران تلاش می‌کنند، آشکار است. ما در طول سال‌های گذشته، کوشیده‌ایم تا ایرکو از نقطه‌نظر دقت و صحت، تحت هر شرایطی، دارای اعتبار و قابل اتکا باقی بماند.

در همین راستا، کوشیده‌ایم تا در هنگام روشنگری در وضعیت نقض حقوق بشر جامعه دگرباش ساکن ایران، اولویت را به حفظ امنیت و سلامت فرد بدهیم و در همان حال، به امنیت و سلامت جمعی جامعه دگرباش جنسی هم توجه داشته باشیم. توجه به این نکته مهم است که گاهی حفظ این توازن، کاری است بسیار دشوار و نیازمند حساسیتی فراوان به حقوق فرد و جمع است

## **|| چطور این فعالیت‌ها را در سطح دیگر کشورها، با ایرانی بودن سازمان همگام کرده‌اید؟**

◀ ایرکو در طول سال‌هایی که در صحنه بوده است، از انرژی تک تک ما که این مجموعه را تا اینجا رسانده‌ایم، سود برده است. در داخل جامعه ایران هم، در کنار دیگر کوششگران جامعه دگرباش، وبلاگ‌نویس‌ها، روزنامه‌نگارها، فعال‌های اجتماعی دگرباش، مساله حقوق بشری و شهروندی دگرباشان جنسی را به مساله‌ای فوری، اساسی و حساس بدل کرده است.

با انتشار نشریه چراغ از سال ۲۰۰۶ به بعد، در دوره‌های گوناگون بر نکته‌هایی در زندگی دگرباشان جنسی انگشت گذاشته شده است. همچنین به نکته‌هایی در عملکرد و گفتار مسوولان دولتی اشاره کرده‌ایم که حقوق دگرباشان را بیش از پیش، مطرح کرده‌اند.

در ده سال گذشته، چراغ تاثیرگذار بوده است. به طیف وسیع‌تری از مخاطب دگرباش رسیده است، فعال‌های داخل و خارج از کشور را نسبت به مسائل دگرباش جنسی حساس کرده است. همراه با همکارهای خود در جامعه دگرباش نظیر مجله ماه، ندا، همجنس من، من مثل تو، مجله اقلیت، به ضرورت تغییر قوانین داخلی، نزدیک‌تر شده‌ایم. با همکاری نشر افرا در سال ۲۰۰۹ و سپس ایجاد انتشارات گیلگمیشان از ۲۰۱۰ تاکنون بیشتر از ۴۰ عنوان کتاب منتشر کرده است و دقت مردم و مسوولان را به دگرباشان جنسی، به‌عنوان نویسنده و شاعر و پژوهشگر جلب کرده است؛ دگرباشانی که معنای شهروندی و حقوق خویش را می‌دانند.

ایرکو همچنین در حرکت‌هایی که در موضوع مطالبه حقوق جامعه دگرباش جنسی بوده‌اند، نظیر نامه سرگشاده دانشجویان همجنس‌گرای دانشگاه‌های ایران، در نقش سخنگوی بخشی از جامعه دگرباشان جنسی ایران، عمل کرده است.

این قدم‌ها هر یک، به این خاطر اهمیت داشته‌اند که جامعه دگرباش جنسی ایران را با چهره‌ای واقف، آگاه و متخصص در کسب حقوق خود، به جامعه ایران و جامعه جهانی و کشور کانادا شناسانده‌اند.

## || چه روندی طی شده است که شما را سوق داده است که از طریق سازمان‌های بین‌المللی،

### برای رسیدن به حق و حقوق دگرباشان جنسی، تلاش کنید؟

◀ بخشی از جامعه دگرباشان ایران متفکر و روشنفکر و نویسنده و هنرمندند. بخشی از جامعه دگرباشان ایران کوششگر اجتماعی و سیاسی‌اند. سازمان ایرکو را اعضای متعلق به همین بخش‌ها تشکیل داده‌اند که برای کسب حقوقی که از آنها نقض شده، راهکار را در روشنگری و تعامل و ارائه گزارش به نهادهای مسؤل جامعه جهانی می‌دانند.

ما در ایرکو به طور طبیعی و بر اساس تجربه و حرفه خود، در اولین قدم‌ها به راهکارهای قانونی و حقوقی برای هشدار وضعیت جامعه دگرباش و ضرورت تغییر این وضعیت رسیدیم. شاید بشود گفت اولین قدم، آشنایی با وبلاگ‌نویسان دگرباش و فعالان اجتماعی دگرباش ساکن ایران بود.

قدم بعدی آشنایی با آسیب‌هایی بود که در داخل ایران به جان و روان دگرباش جنسی در داخل نهاد خانواده، مدرسه، کار، فضای عمومی، آن هم با حمایت قوانین مجازات اسلامی و قوانین خانواده جمهوری اسلامی ایران وارد می‌شود. پس از آن، اولین قدم منطقی و ضروری، ایجاد ارتباط با سازمان‌های همکار و سازمان‌های حقوق بشری و سازمان‌های بین‌المللی بود. ما در کنفرانس‌ها، میزگردها، در حضور مسؤلان میزهای ایران در کشورهای گوناگون، در مصاحبه‌های رسانه‌ای و گفتگوهای خصوصی میان ایرکو و دیپلمات‌ها، شرکت کرده‌ایم.

روندی که ما را به طرح مطالبه‌ها به سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی کشانده است، پیوند خونی و تنگاتنگ با وضعیت وخیم جامعه دگرباش در ایران و پیرو آن، وضعیت وخیم جامعه دگرباش کوچیده در غرب است.

## II حالا می‌خواهم سوال پیشین را به شکلی دیگر بپرسم. چرا فکر می‌کنید سازمان‌های بین‌المللی، می‌توانند کمکی به دگرباشان جنسی باشند؟

◀ برای آن دسته از ما که به انقلاب اعتقاد نداریم، آگاهی‌رسانی آهسته و پیوسته، همچنین جلب توجه مسئولانی که می‌توانند از دست و زبان خود و همکارانشان برای ایجاد تغییرات کمک بگیرند، تنها راه ایجاد تغییرات اجتماعی است.

تغییراتی که بعد از ۲۰۰۹ در برخورد فعالان اجتماعی، فعالان حقوق بشری، روزنامه‌نگاران ایران نسبت به وضعیت دگرباشان جنسی پدیدار شد در نتیجه فعالیت جمعی فعالان اجتماعی دگرباش ایرانی بود که ایرکو جایگاه خود را در کنار دیگر فعالان اجتماعی ایرانی کسب کرد. نتیجه کوشش فراگیر و پیگیر کلیت این مجموعه، جلب توجه جامعه جهانی به واقعیت‌نگری در وضعیت جامعه دگرباش ایران است.

اگر توجه داشته باشید، تا حدود سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ تصور رسانه‌های غربی از جامعه دگرباش ایران، ردیف چوبه‌های دار و مردهای گی به دار آویخته بود. در برابر این تصویر، جمهوری اسلامی ایران القا می‌کرد که هیچ‌کسی به جرم همجنس‌گرایی در ایران اعدام نشده است و قتل دگرباشان در ایران بنا به آمار رسمی، شایعه است. به دنبال یک روشنگری پیگیر، همراه با دیگر کوششگران جامعه دگرباش ایران، اکنون سازمان‌های بین‌المللی می‌دانند بخش عمده آسیبی که به دگرباشان ایران می‌رسد، از سوی قوانین داخلی است. این قوانین اجازه هر خشونت و تبعیض را به خانواده می‌دهند و تایید کننده قتل‌های ناموسی، خشونت و آزار جنسی از سوی مسئولان مدارس به دانش‌آموزان دگرباش، تجویز داروهای روان‌گردان (اعصاب و روان)، هورمون، شوک الکتریکی از سوی پزشکان و روان‌پزشکان، تجاوز جنسی و اخاذی از سوی ماموران انتظامی و همکاران‌شان در نهادهای بسیج و سپاه و حراست‌های ادارات و دیگر نهادها شده‌اند.

آگاهی به این وضعیت، سازمان‌های بین‌المللی را قادر می‌سازد تا به راهکارهای تغییر نقض حقوق دگرباشان جنسی، اشاره‌هایی موثر و با تأثیری مثبت داشته باشد. سازمان‌های بین‌المللی قادرند تا به دولت ایران، برای رفع سانسور از اینترنت فشار بیاورند یا برای دسترسی ایرانیان به اینترنت راهکار بیندیشند.

بیباید از این منظر نگاه کنیم که یک روان‌پزشک در ایران، اگر به دانش روز روانپزشکی دسترسی داشته باشد، فشارهای روحی یک دگرباش جنسی را با بیماری‌های روانی اشتباه نمی‌گیرد و درمانی مناسب را پیش‌بینی خواهد کرد. یا اگر همین روان‌پزشک به علوم اجتماعی روز دسترسی داشته باشد، دگرباشی جنسی را شرم‌آور نمی‌داند و خانواده را مالک به سرنوشت فرزند نمی‌شناسد.



شاید با هم موافق باشیم که دست سازمان‌های بین‌المللی برای کمک به ایران خیلی باز است. در نظر داشته باشیم که کمک به ایران از نقطه نظر ایرکو، هیچ‌وقت حمله نظامی به ایران نبوده است و مطالبه ایرکو از سازمان‌های بین‌المللی کاملاً در چارچوب توان این سازمان‌ها است.

## II آیا ایرکو با احمد شهید هم ارتباط مستقیمی دارد؟

◀ با احمد شهید ارتباط مستقیم داریم. شخصاً با ایشان ملاقات کرده‌ام. به جز دیدار حضوری و حضور مشترک در سمینار و پانل، با تیم همکار ایشان، برای گفتگوهای در راستای ارسال گزارش در ارتباط هستیم. ایرکو در ایجاد ارتباط میان جامعه دگرباش جنسی با گزارشگر ویژه و در انتقال شهادت‌ها به ایشان نقشی کلیدی و موثر داشته است. همان‌طور که می‌دانید، دیدار با احمد شهید به‌عنوان گزارشگر ویژه، همراه با جمع‌آوری شهادت‌نامه‌های دگرباشان جنسی که در حضور تیم گزارش‌گران ایشان در شهر تورنتو در سال ۲۰۱۳ انجام شد. اعضای جامعه دگرباش در این جلسه حاضر شدند و با توضیح جزئیات و ارائه مدارک از نقض حقوق بشری و شهروندی خود گفتند. گفتگوهای حضوری با شخص احمد شهید داشتند. این دیدار، نقطه عطفی در تاریخ مبارزه جامعه دگرباش جنسی ایران برای تامین حقوق اولیه و بنیادین بشری خویش است.

امیدواریم از طریق گزارشگر ویژه، به مشخص شدن موارد نقض حقوق بشری و شهروندی دگرباشان جنسی در ایران، در سطح محلی و جهانی برسیم. اولین ارتباط ایرکو با تیم احمد شهید بعد از اولین گزارش ایشان، از طریق اقدام آشکار جهانی صورت گرفت و قرار مصاحبه تیم شهید با پناهنده‌های دگرباش و دگرباشان ایران، گذاشته شد. سپس در پانلی که از سوی وزیر امور خارجه کانادا در ۲۰۱۴ برگزار شد، با ایشان گفتگو داشتیم. در این نشست، ایرکو نظر خود را به شهید و وزیر امور خارجه وقت کانادا در خصوص وضعیت دگرباشان ایران، برخورد کانادا در ارتباط با نقض حقوق بشری و شهروندی دگرباشان ایران و ضرورت توجه ویژه شهید به نقض حقوق دگرباشان در گزارش‌های خود، اعلام کرد و پاسخی مثبت از هر دو دریافت کرد.

## II آیا تاکنون لازم شده است در زمینه وضعیت پناهنده‌های ایرانی دگرباش از طریق

سازوکارهای بین‌المللی حقوق بشر، به کشورهای مثل ترکیه، مواردی را ذکر کنید و

اگر چنین بوده چه نتایجی داشته است؟

◀ ایرکو از ۲۰۰۶ تاکنون در ارتباط با وضعیت پناهنده‌های دگرباش بیشتر از همه با کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد در ارتباطی نزدیک و دایم است. مستقیماً برای آنها گزارش می‌فرستیم و توضیح‌ها و شرح وضعیت‌های اجتماعی و سیاسی تاثیرگذار در وضعیت دگرباشان ایران بلافاصله به اطلاع این نهاد رسیده است. در جلسه‌های متعددی که حضوری با آنها داشته‌ایم، وضعیت پناهندگان دگرباش تشریح شده است. همچنین با همکاری و همراهی سازمان ایگل‌هرگ و مدیر بخش خاورمیانه و شمال آفریقای آن، حسین علیزاده، دو بار تاکنون ملاقات حضوری با دفتر این کمیساریای عالی در نیویورک و در ژنو داشتیم.

در این دو جلسه، نیازها و فوریت‌ها و حساسیت‌های وضعیت پناهندگان دگرباش، از سوی من به دلیل تجربه تنگاتنگ و چند ساله با روند پناهندگی و شرایط میدانی زندگی پناهنده دگرباش ایرانی در کشور ترانزیت و کشور پناهنده‌پذیر، با شرح جزییات و ارائه نمونه و مدرک، توضیح داده شد.

حسین علیزاده به‌عنوان کارشناس، وضعیت دگرباشان جنسی در منطقه و ضرورت خروج سریع و اسکان مجدد آنها در کشور امن را با دقت تشریح کرد. این گزارش‌ها، در طول این سال‌ها، تأثیرات عمیق و قابل مشاهده در وضعیت پناهندگان دگرباش به‌ویژه در ترکیه داشته‌اند.

البته گزارش‌ها و ارتباط پیگیر ایرکو با کشورهای پناهنده‌پذیر اروپا، کانادا و نهادهای مسئول این کشورها، تأثیر عمیق در درک وضعیت پناهجوی دگرباش ایرانی و واقعیت‌نگری و کارشناسی وضعیت کشور داشته است. گزارش‌ها و ارتباط‌های پیگیر ایرکو، یکی از عواملی است که در کشورهای نظیر هلند و سوئد، اتریش، آلمان، به‌عنوان نمونه، پناهجوی دگرباش ایرانی شانس ۹۹ درصدی، برای پذیرفته شدن درخواست پناهندگی را داراست.

## || آیا ارتباطی هم با پناهجویان برقرار می‌کنید؟

◀ بله، ما به طور دائم و در مورد هر پناهجو، یک بار یک شرح کامل از وضعیت این پناهجو و عواملی که باعث خروج وی از ایران شده‌اند، آنها را به سازمان‌های مربوطه توضیح می‌دهیم. در این توضیح، وضعیت اجتماعی، محلی، مذهبی، سیاسی وقت را هم در ارتباط با پناهجوی موردنظر مطرح می‌کنیم.

این توضیح‌ها، برای درک موقعیت پناهجو از سوی نهاد مربوطه، کمیساریای پناهندگی سازمان ملل در کشور ترانزیت و یا اداره‌های مهاجرت کشورهای پناهنده‌پذیر، بسیار موثر و اساسی‌اند. برای مثال این رابطه، در سال ۲۰۰۹ شاهد تغییر رفتار پلیس ترکیه نسبت به پناهجویان دگرباش ایرانی در ترکیه بودیم.

در طول سال‌هایی که گذشت، رفتار پلیس با پناهنده‌های دگرباش، از رفتاری توهین‌آمیز و خشونت‌بار، به رفتاری حامی و محترمانه تبدیل شد. برای پلیس، از سوی کمیساریای پناهندگی سازمان ملل در ترکیه کارگاه‌های آموزشی گذاشته شده بود و در مورد پناهنده‌های دگرباش جنسی، به پلیس اتباع خارجی آموزش داده شده بود.

همکاری سازمان‌هایی نظیر **هلسینکی**، **اورام اینترنشنال**، **کائوس**، لامبادا استانبول، و گزارش‌ها و جلسه‌های با حضور پناهنده‌ها و کوششگران اجتماعی دگرباش در تحول شرایط وضعیت پناهنده‌های دگرباش در ترکیه بسیار موثر بوده و حالا که با آغاز به کار اداره مهاجرت ترکیه، این وضعیت بازگشت به عقب داشته، امیدوارم با ایجاد کمپین‌ها و گزارش‌های مشابه، برای بهبود وضعیت یک اقدام مشترک داشته باشیم.

در ملاقات‌هایی که ایرکو با پلیس اتباع خارجی در شهرهای مختلف ترکیه داشت، با حوصله و با صبر، وضعیت دگرباشان جنسی پناهجو در شهرهای ترکیه برای پلیس توضیح داده می‌شد و به پلیس توضیح داده می‌شد که بر اساس قوانین حقوق بشری و پناهندگی، ضرورت دارد پلیس ترکیه رفتاری محترمانه و مسئولانه با دگرباشان جنسی ایرانی داشته باشد.

ایرکو در خارج از ترکیه، با آرافاس‌ال سوئد و سی‌اوسی هلند و سازمان آرکی گی میگرا ایتالیا در رابطه با وضعیت پناهنده‌های دگرباش ایرانی کار کرده است.

## II شما در ایرکو، با نگاهی واقع‌گرایانه، چه آینده‌ای را برای دگرباشان جنسی ایران، در فاصله‌ای نه چندان دور تصور می‌کنید؟

◀ پیش‌بینی آینده دشوار است، آن هم وقتی با حاکمیتی طرف هستید که تصمیم یک یا چند فرد، می‌تواند یک شبه تمام چیزها را تغییر دهد. شاید تنها پیش‌بینی را بتوان در زمینه اجتماعی کرد. به نظر من، موج آگاهی‌سازی در خصوص مسایل جنسی و جنسیتی و گرایش و هویت جنسی که کم‌کم در بین مردم روشن‌بین جامعه و فعالان اجتماعی و هنرمندان صحنه یا سلبرتی‌های ایرانی بزرگ و فراگیرتر می‌شود، در میان‌مدت تاثیر به‌سزایی در نگاه جامعه ایرانی، به خصوص ایرانیان خارج از کشور که دسترسی راحت‌تری به گردش اطلاعات دارند خواهد داشت. به عنوان مثال، افزایش میزان حمایت‌ها از حقوق دگرباشان، حداقل حقوق اولیه بشری، از سوی پروفایل‌های افراد عادی در شبکه‌های اجتماعی در چند ساله اخیر محسوس است.

ما امید داریم برنامه‌های میان‌مدت ما برای آگاه‌سازی خانواده و جامعه، پزشکان و روان‌پزشکان، توان اجرا یابد و لااقل از سمت این دو گشایشی در وضعیت جامعه دگرباش در داخل ایران ایجاد شود. از دیدگاه ما گرچه این راه زمان بر است، اما می‌تواند تاثیرات زودبازده هم داشته باشد.

آشنایی پزشک و روان‌پزشکی که آمادگی پذیرفتن یافته‌های علمی به روز را دارد، در این برنامه‌ریزی قابل دسترس است. همچنین آغاز این پروژه، به مرور زمان تاثیر مثبت خود بر خانواده‌ها و جامعه را نشان خواهد داد.

همچنین تجربه نشان داده که حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، در مواردی با ساخت توجیهات بی‌ارتباط با درخواست‌های جامعه جهانی ولی برای مصرف داخلی ارائه می‌دهد. هرچند چرخشی در سیاست‌های حقوق بشری و اجتماعی خود ایجاد کرده است.

این فرض که در میان‌مدت این حاکمیت حضور و حقوق دگرباشان در ایران را به رسمیت بشناسد یا حتی از ذات آن جرم‌زدایی کند، شاید کمی غیرواقعی باشد؛ اما تلاش ما در ایرکو در ارتباط با سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی در این است که موضوع حقوق دگرباشان در ایران را وارد گفتمان سیاستمداران در تعامل با ایران کنیم.

چنین امری تا حدودی همین حالا هم اتفاق افتاده و نمونه آن پیشنهاداتی است که در جلسه پوپی آر گذشته، در خصوص وضعیت دگرباشان به ایران شد. باین‌حال تلاش ایرکو وارد کردن این گفتمان در گفتگوهای رودررو و در سطوح بالاتر است.

چنین فشارهایی، گاه باعث کاهش اعمال قوانین سختگیرانه بر اقشار تحت فشار حاکمیت ایران شده است. امید واقع‌گرایانه در ایرکو این است که در میان‌مدت، با افزایش فشارها از سوی سیاستمداران بر ایران در خصوص وضعیت دگرباشان در آن کشور، حداقل از شدت حملات و آزارها نسبت به این بخش از جامعه ایرانی، کاسته شود.



دگرباشان جنسی  
و نجات از نابودی  
روح و روان

گفت‌وگو با هوداد طلوعی





## دگرباشان جنسی و نجات از نابودی روح و روان

### گفت‌وگو با هوداد طلوعی، روان‌شناس

منتشر شده در صفحه‌ی دگرباش وبسایت رادیو زمانه، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

هوداد طلوعی، روان‌شناس و فعال حقوق دگرباشان جنسی است. تمرکز او بر موضوع‌های روان‌شناسی و همچنین اطلاع‌رسانی و آگاهی‌سازی در زمینه‌های مرتبط به اقلیت‌های جنسی است. پیش‌تر، از او وینارهای «مطالعه‌ای بر دگرباشان جنسی» در «توانا» منتشر شده بود (معرفی در صفحه‌ی دگرباش رادیو زمانه). با او درباره‌ی موضوع تاثیرهای روانی قوانینی صحبت کردم که رابطه رضایت‌مندان بین دو همجنس بالغ را جرم‌انگاری کرده‌اند. همچنین این موضوع که چطور نداشتن آگاهی کافی، می‌تواند باعث شود تا متخصص‌های روان‌شناس، درمان‌های اشتباه برای افراد دگرباش جنسی تجویز کنند.

**II افراد دگرباش جنسی در ایران، در سایه تهدید قوانینی زندگی می‌کنند که روابط عاطفی یا جنسی آنان را جرم‌انگاری کرده‌اند. آنها ممکن است زندانی شوند، به شلاق محکوم شوند یا حتی حکم اعدام بگیرند. این افراد در حاشیه اجتماع هم قرار گرفته‌اند و پنهان در گنجی زندگی می‌کنند. تمامی این‌ها با روان آدمی چه می‌کند؟**

◀ فشارهای روانی فقط از طرف حکومت و قوانین ضد همجنس‌گرایانه بر فرد دگرباش جنسی وارد نمی‌شود. افراد دگرباش، از دوران کودکی به خاطر رفتار متفاوت خود، در معرض آزار و اذیت خانواده و اطرافیان قرار می‌گیرند. این افراد، مخصوصاً طی سال‌های مصادف با دوران بلوغ، در محیط مدرسه از یک سو تحت آزار همکلاسی‌های خودشان قرار می‌گیرند و از طرفی دیگر شاهد این هستند که از نظر گرایش و تمایلات جنسی با دیگران فرق می‌کنند. در نتیجه، دچار تعارض‌های ذهنی و حس گناه می‌شوند.

همچنین همین دگرباشان جنسی شاهد انواع توهین‌ها و تحقیرها از هر گوشه و کنار جامعه هستند. صرف اینکه خودشان مصداق این توهین‌ها هستند، به اندازه کافی آزاردهنده و مخرب است. تحت چنین شرایط سختی، افراد بایستی بتوانند به دولت و قانون پناه ببرند تا محافظ آنها باشد.



هرچند متأسفانه در ایران امروز، دولتی حاکم است که علنی و غیرعلنی، به هر روش ممکن دست به سرکوب، شکنجه و حتی مجازات‌های سنگین، مانند اعدام افراد دگرباش جنسی می‌زند.

در مدارس و دانشگاه‌ها، آموزش در رابطه با موضوع دگرباشان جنسی وجود ندارد. حکومت نیز مبلغ توهین و تحقیر این افراد است و دست ماموران حکومتی، در بازداشت، آزار و اذیت و حتی تجاوز به افراد دگرباش جنسی باز گذاشته شده است و نمونه‌های آن هم مستندسازی شده است.

تحت چنین شرایطی، حتی اگر فرد دگرباش جنسی بتواند در مقابل آزار و اذیت خانواده و جامعه مقاومت کند، حس گناه و تعارض‌های درونی خودش را مدیریت کرده باشد، نهایتاً به سرکوب بی‌رحمانه حکومتی می‌رسد.

سرکوبی که از آزارها و توهین‌های کلامی شروع شده و تا کتک خوردن و تجاوز و حتی اعدام می‌تواند پیش برود. تمامی این‌ها کافی است تا فرد دچار اضطراب و ترس مزمن بشود. این اضطراب، مداوم است و همراه آن اجبار به مهار و سرکوب تمایلات عاطفی و جنسی فرد نیز وجود دارد.

این‌ها به تدریج نیروی روانی و جسمی او را به تحلیل می‌برد و او را دچار حس سرخوردگی و پوچ‌گرایی می‌کند. او افسرده می‌شود، حتی اختلالات اضطرابی و وسواسی و یا بدبینی شدید در او بروز می‌کند و نهایتاً تمایل به خودکشی در او اوج می‌گیرد و حتی در عمل دست به خودکشی هم ممکن است بزند.

## **II فارغ از قوانین و محدودیت‌های اجتماعی، فرد دگرباش جنسی پیش از هر چیز با خانواده‌اش طرف است. خانواده‌ای که به متفاوت بودن او شک می‌کند و او را تحت فشار می‌گذارد. گاهی این خانواده‌ها، فرزندان خود را نزد روان‌شناس و روان‌پزشک می‌برند. در اینجا چه اتفاقی می‌افتد؟**

◀ در اکثر مواقع، وقتی به اجبار خانواده یا حتی تمایل خود فرد دگرباش جنسی، او به متخصص، مثلاً روان‌شناس یا روان‌پزشک مراجعه می‌کند، وضعیتش وخیم‌تر می‌شود. به این دلیل که معمولاً گرایش جنسی دگرباش در فضای روان‌درمانگری در ایران رسمیت نیافته است.

ایران در زمینه روان‌شناسی نسبت به دیگر کشورها، بسیار عقب مانده است. در نتیجه علی‌رغم اینکه بیشتر از ۳۰ سال است در دنیا، بعد از تحقیقات گسترده به این نتیجه رسیده‌اند که همجنس‌خواهی یک اختلال نیست، اما همچنان حتی در دانشگاه‌های ایران همجنس‌خواهی به‌عنوان یک اختلال معرفی می‌شود. متأسفانه دولت جمهوری اسلامی در ایران به شکلی فعال علیه علوم انسانی، مانند علم روان‌شناسی و جامعه‌شناسی موضع گرفته است. حتی بعضاً گفته‌اند که این رشته‌ها بایستی از دانشگاه‌ها حذف شوند.

در کنار آن، اجازه تحقیق در رابطه با گرایش جنسی و یا هویت جنسیتی داده نمی‌شود و افراد متخصص هم جرات تحقیق مستقل را در فضای سرکوب و سانسور ندارند. بنابراین وقتی فردی به دلیل گرایش یا هویت جنسیتی‌اش به افراد متخصص در ایران مراجعه می‌کند، در بیشتر موارد با او مثل یک بیمار رفتار می‌کنند. یعنی فرد متخصص

در یک فضای آلوده به ناآگاهی و عقب‌ماندگی، می‌خواهد اقدام به درمان گرایش یا هویت جنسی فرد بکند. قبل از هر چیز، مهمترین آسیب روانی را به فرد دگرباش جنسی وارد می‌کنند و آن اینکه به او تلقین می‌کنند «تو بیمار هستی». یعنی حس عذاب وجدان او را تشدید می‌کنند.

خانواده‌ها هم با استناد به صحبت‌های فرد متخصص، سخت‌گیری‌ها و آزارهای خود را بیشتر می‌کنند. در مرحله بعد، فرد متخصص می‌خواهد اقدام به درمان دارویی و یا رفتاری-شناختی فرد دگرباش کند.

برابر مصاحبه‌هایی که انجام داده‌ام، این درمان‌ها شامل تجویز داروهایی می‌شود که در حالت معمول برای افسردگی، اختلالات اضطرابی-وسواسی، اختلال دوقطبی، پارانوئیا و حتی اسکیزوفرنی استفاده می‌شوند. متأسفانه در مواردی حتی از شوک‌درمانی استفاده شده است. درمانی که فقط در موارد افسردگی‌های شدید به کار می‌رود و در جهان استفاده از آن جنجالی است.

متخصصان توجه نشان نمی‌دهند که همجنس‌خواهی یک اختلال نیست. اگر هم فرد همجنس‌خواه، دچار اختلالات روانی شده باشد، این در نتیجه آزار و اذیت و عذاب‌های تحمیلی از لایه‌های مختلف جامعه است. اول از همه، حذف این آزار و اذیت و عذاب تحمیلی جامعه بایستی مد نظر فرد متخصص باشد. همچنین کمک به فرد دگرباش برای رسیدن به خودباوری و استقلال شخصیتی و مالی در زندگی فردی خودش. ولی به جای آن، افراد متخصص بلاهایی سر افراد دگرباش می‌آورند که عملاً یک فرد پر از شور و انرژی را تبدیل به انسانی معتاد به دارو و افسرده، ناتوان و بی‌انگیزه می‌کند.

از طرف دیگر، حکومت مجازات اعدام را برای عمل جنسی رضایت‌مندانه بین دو همجنس بالغ در نظر گرفته است. یعنی همجنس‌خواهی، فرد را بی‌اندازه آسیب‌پذیر می‌کند. ممکن است فرد دگرباش به متخصص مراجعه کند و در معرض سوءاستفاده جنسی قرار بگیرد. یعنی در عمل حکومت دست اقسار مختلف، از جمله فرد متخصص را در ظلم به فرد دگرباش باز گذاشته است. همچنین متأسفانه هر کسی که ممکن است شخصاً دچار اختلالات و عقده‌های خاصی باشد، در هر جایگاهی، می‌تواند به آزار و اذیت فرد دگرباش دست بزند، بدون اینکه بخواهد نگران عواقب قانونی رفتار خودش باشد.

## **|| تمامی مواردی که گفتید، نشان از یک ضعف گسترده اجتماعی می‌دهد: نیازمندی جامعه ایرانی به آگاهی یافتن و آموزش دیدن. چطور می‌شود برنامه آگاهی‌رسانی علمی برای مخاطب داخل ایران داشت؟**

◀ حکومت قوانین ضد همجنسگرایی وضع کرده است. در کنار آن، آموزش صحیح در مدارس و دانشگاه‌ها وجود ندارد. با افرادی که بخواهند بطور علمی در این زمینه تحقیق کنند هم برخورد می‌شود. حتی اگر بخواهید از طریق اینترنت یا شبکه‌های ماهواره‌ای اقدام به آموزش بکنید، به دلیل پارازیت و فیلترینگ، دستگیری فعال‌های اینترنتی و مانند آن، عملاً مانع هر کار آموزشی می‌شوند.

نبود آموزش، فقط منحصر به دگرباشان جنسی نیست، بلکه امروز شاهد این هستیم که اکثریت جامعه ایران، از نظر آموزش در رابطه با مسائل جنسی، مثل چگونگی برقراری رابطه موفق جنسی، حفظ سلامت جنسی، حقوق جنسی و شناخت خود، به طور جدی دچار ناآگاهی هستند. این ناآگاهی هم منجر به بروز مشکلات جدی در روابط زناشویی می‌شود. گفته می‌شود ۷۰ درصد طلاق‌ها، به دلیل مشکلات جنسی در روابط زناشویی است.

در ایران امروز، ما با یک فضای به شدت بسته روبه‌رو هستیم، چرا؟ چون حکومت اسلامی، منابع و ثروت ملی را در جهت سرکوب جنسی جامعه و جلوگیری از آموزش صحیح جامعه در مسائل علوم انسانی، جامعه‌شناسی استفاده می‌کند. در کنار آن هم به فضای ترس و اضطراب برای کسانی که جویای علم و دانش صحیح هستند، دامن می‌زند. از طرف دیگر افراد مقیم خارج از ایران که می‌خواهند در این زمینه کاری بکنند، منابع محدودی دارند، مشکلات اجتماعی در اینجا هم مانع فعالیت آزادانه آنان می‌شود و حمایت‌های معدودی دریافت می‌کنند. برای آموزش موفق نیاز به تحقیقات داریم. بایستی نیازها و نقاط ضعف جامعه، شناسایی شود و بر اساس این شناخت از جامعه، مواد آموزشی تولید و به طور گسترده توزیع شود.

## **|| این سوال مطرح است که اگر جامعه متخصص ما آموزش کافی ببیند و رفتار متفاوتی را در پیش بگیرد، آیا این امر کمکی به تغییر در سطح جامعه هم خواهد کرد؟ آیا خانواده ما بر خلاف آموزه‌های دینی و سنتی، قبول می‌کند که رابطه رضایت‌مندانه بین دو همجنس بالغ، جرم و گناه و یا یک فاجعه بشری نیست؟**

◀ قطعاً اگر جامعه متخصص ایران آموزش مناسب ببیند و روش کاری حرفه‌ای اتخاذ کند، به تدریج تاثیر گسترده‌ای هم بر جامعه، شاهد خواهیم بود. تعصبی که در خانواده‌های مذهبی مشاهده می‌شود، بیشتر از آنکه به خاطر مذهب باشد، به دلیل ترس ناشی از ناآگاهی و نادانی است.

این ناآگاهی و عقب‌ماندگی باید توسط نهادهای آموزشی اصلاح شود که در اختیار حکومت اسلامی هستند. این حکومت هم در این زمینه‌ها سرکوبگر است. یعنی حتی اگر متخصص بخواند به شکل تدریجی دست به انتقال دانش بزند، با مشکل مواجه می‌شود. هرچند این مسئولیت و تعهد متخصص است که در جهت سلامت روانی و جسمی جامعه تلاش کند. اگر جهل مردم توسط دانش متخصص از بین برود، بعد ترس‌های غیر منطقی و تعصب هم کنار می‌روند. فکر می‌کنم جامعه ما الان مستعد تغییر در این زمینه باشد.

چون حکومت، زندگی مردم را از هر نظر، چه مالی، چه فرهنگی، هنری و غیره به سمتی برده است که جامعه احساس ضعف می‌کند. جامعه امروز، متوجه شرایط بد زندگی هست، اما از طرفی هم گرفتار ناآگاهی و ترس است. نمی‌داند برای خلاصی از این‌ها باید چه کند. درنهایت، علم، منطق و آموزش صحیح حرف آخر را خواهد زد و نقش متخصص حرفه‌ای، در این بین بسیار مهم خواهد بود.

**|| همان طور که پیشتر گفتید افراد دگرباش جنسی ای داریم که به عنوان مبتلایان به بیماری های گوناگون همچون «شیزوفرنی»، «بوردرلاین»، دوقطبی و مانند آن، تحت درمان قرار می گیرند و بعضاً شوک درمانی هم می شوند. با این حال بسیاری از این افراد تلاش می کنند تا به خود قبلی خودشان پیش از «تشخیص بیماری» بازگردند. چه راه بازگشتی جلوی شان است؟**

◀ اگر این درمان ها طولانی مدت ادامه داشته باشند، می تواند صدمات جدی و غیر قابل بازگشت به فرد وارد کند. اگر فرد داخل ایران باشد، شرایط اجتماعی، هنوز هم برایش وخیم است. ولی می تواند امیدوار باشد که به تدریج و زیر نظر متخصص، داروهایش را کنار بگذارد.

اگر متخصص آگاهی پیدا کند، بایستی تحت مشاوره و روان درمانی قرار بگیرد. یعنی استقلال شخصیتی و مالی هدف شود و برای برقراری روابط عاطفی و جنسی صحیح، آموزش ببیند. همچنین بتواند از خودش در مقابل چالش های اجتماعی محافظت کند.

در مواردی می بینیم فرد دگرباش، علی رغم محیط اجتماعی و خانوادگی، با وجود مشکلاتی که روان شناس و روان پزشک بر او تحمیل کرده اند، با وجود تمامی تحقیرها و اینکه با او مانند یک بیمار رفتار کرده اند، با وجود تمامی درمان ها، باز هم توانسته است سر بلند کند. می بینیم افراد به تحقیق و مطالعه دست می زنند، مقاومت می کنند، تحصیل می کنند، کار می کنند و مستقل می شوند. اگر فیلترینگ داریم، فیلترشکن هم داریم. اگر سرعت اینترنت ضعیف است، افراد شب تا صبح صبر می کنند تا یک برنامه آموزشی را بارگیری کنند. بعد هم فایل را بین دوستان خودشان پخش می کنند.

یعنی فرد آسیب دیده، خود مانعی در برابر آسیب بیشتر دیگران می شود. در شرایط بد امروز در ایران، شاید مهم ترین ناجی دگرباشان جنسی، خودشان باشند.

**|| پناهندگان دگرباش جنسی ایرانی، نوک قله یخ مشکلات این جامعه بیرون آب هستند. بخش اصلی فشارها همگی داخل ایران است. شما با پناهنده ها هم در ترکیه رودررو شده اید. چه نکته هایی در مورد دیدارهایتان با افراد آسیب دیده از درمان های اشتباه می توانید بیان کنید؟**

◀ افرادی بوده اند که برای موضوع همجنس خواهی نزد متخصص برده شده اند، در آن زمان مشکل روانی نداشته اند، بلکه آدم های شاد و فعالی هم بوده اند. ولی تحت فشار جامعه، خانواده و فرد متخصص، برای سال ها دارو مصرف کرده اند. در نهایت هم دست به فرار از تمامی این ها زده اند. حالا دیگر خبری از شادابی و سرزندگی آنها نیست. بشدت افسرده و ناامید هستند. نگاه شان به آینده، تلخ است. ولی همین که از شرایط ایران خارج شده اند، نشان از وجود امید در آنهاست. هنوز هم برای یک زندگی بهتر تلاش می کنند.

در کنار تمامی این‌ها، زندگی پناهندگی در ترکیه دشوار است، توان جسمی، روانی و مالی می‌طلبد و دگرباشان در این زمینه ضعیف هستند. در این شرایط، دچار تعارض می‌شوند. از یک طرف جنگیده‌اند تا به آزادی کمتر محدودتری برسند، از طرف دیگر درگیر مشکلات و فشارهای گسترده روانی می‌شوند. در این میان، توان کمی هم دارند. می‌پرسند برای چه دارم تلاش می‌کنم؟ بعضی وقت‌ها این حس تا آنجا رشد می‌کند که شاهد تمایل به خودکشی گسترده در این بخش از پناهندگان ایرانی هستیم. مواردی موفق و ناموفق از خودکشی را هم در سال‌های اخیر، شاهد بوده‌ایم.

هرچند پناهنده‌هایی هم توانسته‌اند به کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی برسند. توانسته‌اند دوره‌های مشاوره‌ای ببینند، امکان رشد پیدا کنند و شکوفا بشوند. پیشرفت مالی، علمی، تحصیلی و هنری و مانند آن داشته باشند.

## || چه کار تازه‌ای برای جامعه دگرباش جنسی ایران در دست تهیه دارید؟

◀ در حال حاضر با همکاری گروهی از دوستان، مشغول آماده کردن جزوه‌هایی در رابطه با سلامت روانی، آشکارسازی و مسائل مختلف مربوط به اقلیت‌های جنسی هستیم. این جزوه‌ها برای فرد متخصصی نوشته می‌شود که قصد کمک به دگرباشان جنسی را دارند. همچنین برای افراد دگرباش جنسی هم قابلیت استفاده را خواهند داشت.





دگرباشان جنسی و  
پیچیدگی مسائل حقوقی  
در گفت‌وگو با مه‌ری جعفری



## دگرباشان جنسی و پیچیدگی مسائل حقوقی

### در گفت‌وگو با مه‌ری جعفری، وکیل و فعال حقوق بشر

منتشر شده در صفحه‌ی دگرباش وب‌سایت رادیو زمانه، ۱۲ خرداد ۱۳۹۴

مه‌ری جعفری، وکیل دادگستری، شاعر و کنشگر اجتماعی در زمینه حقوق بشر، مقیم شهر لندن است. او با تمرکز بر حقوق زنان، کودکان و اقلیت‌های جنسی کار کرده است. از مه‌ری جعفری مقاله‌های متعدد حقوقی و پروژه‌های تحقیقی و آموزشی مختلفی انتشار یافته و از او تاکنون یک کتاب حقوق در زمینه حقوق ورزشی و یک مجموعه شعر نیز منتشر شده است.

در این مصاحبه از کلمه دگرباشان جنسی استفاده شده است که در بردارنده تمامی اقلیت‌های جنسی (LGBTQI) است که جامعه همجنسگراهای زن، مرد، تراجنسیتی‌ها، دوجنس‌گراها، افراد میان‌جنسی و یا بی‌جنسیت را نیز شامل می‌شود.

با مه‌ری جعفری در زمینه گشایش‌های حقوقی، وضعیت کنونی و آینده حقوقی مسائل دگرباشان جنسی در ایران صحبت کردم.

#### || شما از چشم‌انداز یک وکیل دادگستری ایرانی، فضای حقوقی داخل ایران را تا چه اندازه

#### آماده تغییر در زمینه مسائل مرتبط به حق و حقوق دگرباشان جنسی ایران می‌بینید؟

◀ وقتی در قانون در زمینه موارد حقوق دگرباشان جنسی صحبت می‌کنیم، در ابتدای امر بایستی مسائل حقوقی آنها را به گروه‌های مختلف تقسیم کنیم. نمی‌شود به شکل عام در مورد حقوق و زندگی همه افراد با هویت‌های جنسیتی و گرایش‌های جنسی مختلف صحبت کرد، بلکه بررسی وضعیت حقوقی هر گروه، بایستی برابر شرایط خاص همان گروه باشد.

در ابتدا من به شرایط و مسائل مرتبط به حق و حقوق ترنس‌سکشوال‌ها در ایران می‌پردازم. چون به نظر می‌رسد این اقلیت جنسی در ایران به رسمیت شناخته شده‌اند و زمینه بهبود شرایط حقوقی آنها، شاید بیشتر از بقیه اقلیت‌های جنسی امکان‌پذیر باشد.

ولی در همین جا هم نمی‌شود در مورد عموم این جامعه به یک شکل صحبت کرد. باید ترنس‌ها را تقسیم کنیم به افرادی که عمل تغییر جنسیتی انجام می‌دهند، انجام داده‌اند یا در پروسه کامل کردن آن هستند و افرادی که به هر دلیلی سراغ این فرآیند تغییر جنسیت به کمک عمل جراحی نمی‌روند.

از طرف دیگر، ترنس سکشوال‌ها (تراجنسی‌ها) را بایستی از ترنس جندها (تراجنسیتی‌ها) جدا کرد. بعد در هر مورد بایستی سراغ ترنس سکشوال‌های مرد و یا زن رفت. مسائل حقوقی هر کدام متفاوت است. ترنس جندها هم بایستی در زمینه جداگانه خودشان بحث شوند<sup>۱</sup>.

## || ممکن است مثال بزنید؛ مگر چه فرق عمده حقوقی، بین ترنس سکشوال‌ها و

### ترنس جندها مشاهده می‌شود؟

◀ یک ترنس سکشوال مرد را مثال می‌زنم. او قبل از انجام جراحی کامل در چهارچوب حقوقی ایران، یک زن بوده و یک زن شناخته می‌شود، ولی خودش را در قالب یک مرد می‌بیند، هرچند شناسنامه‌اش تغییر نکرده است. من بایستی روشن صحبت کنم، چون نکته‌های حقوقی در بین است. او جراحی پستان را انجام داده و تخلیه کرده است. وارد پروسه هورمون‌درمانی هم شده است، سازمان پزشکی قانونی و انستیتوی مربوطه در ایران هم مدارک قانونی به او داده‌اند. ولی به‌خاطر هزینه‌های گزاف عمل جراحی دوم، امکان انجام این عمل را نیافته است و یا بنا به تصمیم شخصی آن را مناسب خود ندیده است.

طبق قوانین جاری ایران، شما برای اینکه به‌عنوان ترنس مرد پذیرفته بشوید و بتوانید مدارک شناسایی‌تان را تغییر بدهید، باید گواهی انجام کامل جراحی دوم را نیز ارائه دهید. در برخی موارد، حتی به فرد می‌گویند جراحی سوم، یعنی جراحی پروتز آلت تناسلی مردانه را هم باید انجام بدهی تا شناسنامه صادر کنند. مرد مورد نظر ما، در ظاهر یک مرد، با شناسنامه یک زن، در جامعه‌ای جنسیت‌مدار و جنسیت‌مرکز ایرانی زندگی می‌کند و هیچ راه قانونی ندارد تا با مسائل مختلف زندگی‌اش برخورد کند. در چنین شرایط، او در معرض آزار و اذیت مامورهای حکومتی و جامعه قرار می‌گیرد.

هرچند اگر او را بازداشت کنند، درنهایت ممکن است ثابت کند که با داشتن مدارک پزشکی اجازه دارد با ظاهر مرد در خیابان ظاهر شود، ولی همیشه چنین شخصی همراه با وحشت و دلواپسی زندگی می‌کند. به علاوه پیدا کردن شغل و رفتن به دانشگاه برای او مشکل خواهد بود، جنبه‌های مختلف زندگی او، از حق داشتن خانه تا زندگی روزمره هم تحت تاثیر قرار می‌گیرد.

۱. توضیح ویراستار رادیو زمانه: در اینجا ترنس سکشوال‌ها (تراجنسی‌ها) افرادی هستند که جنسیت بیولوژیک خود را به وسیله هورمون‌درمانی و یا عمل جراحی تغییر می‌دهند یا مایل هستند تغییر دهند و ترنس‌جندها (تراجنسیتی‌ها) افرادی هستند که لزوماً مایل نیستند جنسیت خود را به وسیله هورمون‌درمانی یا عمل جراحی تغییر دهند و از روش‌های دیگری (مانند پروتوزهای خارجی، پوشش بیرونی، آرایش ظاهری...) جنسیت خود را بیان می‌کنند.

کلمه تراجنسیتی همچنین به عنوان کلمه‌ای همه‌شمول برای همه کسانی که به نوعی جنسیتی به غیر از جنسیت بیولوژیک خود را بر می‌گزینند استفاده می‌شود.

پس وقتی از دگرباشان جنسی صحبت می‌کنیم، باید ببینیم از چه گروهی صحبت می‌کنیم. مسائل حقوقی هر کدام متفاوت از دیگری می‌شود.

خب، بگذارید مثال‌های دیگری بزنم. یک فرد ترنس‌سکشکوال را در نظر بگیرید که عمل جراحی‌اش را کامل کرده و شناسنامه گرفته است. حالا در تعریف جنسیتی جامعه، «کامل» تعریف می‌شود. یعنی اگر مرد باشد، بعد از دریافت شناسنامه تازه، دارای تمام حقوق یک مرد خواهد شد و کسی نمی‌تواند حقی را از او کم کند. حالا ارث باشد و ازدواج و مانند آن، همه را مانند یک مرد خواهد داشت.

اگر مرد بوده و زن شده، حالا حقوقش، نصف یک مرد است و در بسیاری از موارد، حقوق اجتماعی خودش را از دست می‌دهد. هرچند این فرد به دلیل مسایل اجتماعی هنوز در شرایط برابر با اکثریت مسلط قرار ندارد، اما شرایط حقوقی او برابر با شرایط مردها و یا زن‌های جامعه خواهد بود.

حالا در اصلاح و تغییر قانونی حق و حقوق این فرد در این چهارچوب، تغییر حقوق قانونی زنان و مسأله برابری زن و مرد اهمیت پیدا خواهد کرد.

مسأله این است که وقتی یک نفر تغییر جنسیت می‌دهد، نباید این اندازه از لحاظ اجتماعی و حقوقی، موقعیت ضعیف‌تری پیدا کند. تغییر جنسیت، نایستی چیزی باشد که فرد را به یک جهان حقوقی نابرابر وارد کند.

## II حالا با تمامی این توضیحات، چه راه‌حلی می‌تواند وجود داشته باشد؟

◀ به طور خیلی خلاصه، باید دید قوانین ایران چقدر نسبت به موضوع هویت و گرایش جنسی یک فرد، انعطاف نشان می‌دهد. الان هویت جنسی یک فرد را محدود کرده‌اند به شناسنامه و تغییر جنسیت در شناسنامه را منوط کرده‌اند به جراحی آلت تناسلی.

در بسیاری از کشورهایی که تغییر جنسیت را به رسمیت می‌شناسند، برای تغییر شناسنامه و هویت جنسی، جراحی آلت تناسلی الزامی نیست و چیزی که چنین هویتی را برای شخص رقم می‌زند، خواسته روحی و روانی اوست. چنین فردی می‌تواند راه عمل جراحی را انتخاب کند و یا به روش دیگری جنسیت خود را تغییر دهد و یا نشان دهد. انتخاب نام زنانه برای یک مرد و نام مردانه برای یک زن و نیز تقاضای صدور شناسنامه بر اساس نام جدید هیچ سد قانونی نمی‌تواند داشته باشد و اضافه کردن خانم و یا آقا در ابتدای اسم منع قانونی برای کسی ندارد.

افراد با انتخاب خود می‌توانند خود را خانم و یا آقا بخوانند و کسی هم جرات نمی‌کند بپرسد چرا. در اصل فاصله حقوقی و نابرابری و عدم تراز بین زن و مرد آن قدر بالا نیست که این انتخاب اعمال قوانین جاری را مشکل کند. مثلاً برای تعیین ارث و یا انتخاب شدن به مقام ریاست جمهوری و یا هر شغل و منسب دیگری، زن‌های ترنس مشکلی نخواهند داشت تا از آنها مدرک جراحی خواسته شود.

در شرایط حاضر که نظام قانونی با دیدگاه فقهی و مذهبی تعریف می‌شود، برای اصلاح قوانین در این زمینه می‌توان مسأله قانونی در زمینه صدور شناسنامه را به فتوای آیت‌الله خمینی ارجاع داد و از قانون‌گذاران جمهوری



اسلامی ایران خواست که به مضمون این فتوا مراجعه کنند. خمینی بر اساس اصول فقهی، روح را بر جسم مقدم دانسته و در نتیجه راه را برای قبول شرایط ترنس سکشوال‌ها میسر کرده است. یعنی کافی است به این فتوا نگاه کنند و حتی اگر جراحی کامل صورت نگرفته است، حقوق شهروندی عضوی از جامعه را پایمال نکنند. هرچند من این چشم‌انداز را خیلی نزدیک نمی‌بینم.

## || **خب اگر بخواهیم امکان اصلاح و تغییر قوانین در زمینه همجنس‌گرایان زن و مرد را در ایران امروز بسنجیم، راه چقدر باز خواهد بود؟**

◀ من در کوتاه‌مدت امیدواری چندانی به پیشرفتی در این زمینه ندارم. به خصوص بعد از اجرای قانون جدید مجازات اسلامی که نگاه تبعیض‌آمیزتر و غیر قابل‌پذیرش‌تری بر متن قانون مسلط کرده است.

حالا تعریف جدیدی از همجنس‌گرابودگی مردها در قانون ارائه شده و نقش فرد در عمل جنسی باعث تعریف جدیدی از هویت جنسی شده است. یکی فاعل شده است و یکی مفعول و تفاوت هولناکی بین دو شریک جنسی، یعنی دو انسان برابر برقرار کرده‌اند. حتی مسلمان بودن یا نبودن فرد را هم ملاک تشدید مجازات او قرار داده‌اند. بسیاری می‌گویند این برخورد باعث شده است تا افراد زیادی از احتمال حکم اعدام‌هایی یابند. من چنین اعتقادی ندارم. چون در این شرایط، احتمال اقرار برای فرد بسیار بیشتر از قبل می‌شود. احتمال رسیدن به علم قاضی بر اساس اقرار یکی از طرفین هم بسیار بیشتر شده است. یعنی در عمل، خطر برای فرد زیاد شده است.

ولی در این شرایط هم راه‌حلی می‌توان یافت. جمهوری اسلامی راه را برای ترنس‌سکشوال‌ها باز کرده است و آنها با ارائه مدارک پزشکی، می‌توانند از خطر محاکمه‌هایی یابند، هرچند حق و حقوق‌شان هنوز پایمال می‌شود. مشابه همین، اگر جمهوری اسلامی بخواهد، می‌تواند تغییرات جدی در قانون فعلی ایجاد کند. مثلاً به اصطلاح خودشان بگویند اگر زن و یا مرد با نظر متخصص همجنس‌گراست، یک گواهی پزشکی صادر شود که فرد از شرایط مجرمانه خارج شود.

جمهوری اسلامی، متأسفانه ترنس‌بودگی را بیماری می‌شناسد و به همین شکل به افراد معافیت سربازی می‌دهد. اگر چنین گواهی‌ای برای همجنس‌گراها هم صادر شود، مفاد قانون جدید مجازات اسلامی در این زمینه در عمل بی‌معنا می‌شود و احتمال مجازات برای فرد هم کاهش می‌یابد. خود متخصص‌های وابسته به بدنه دولتی می‌توانند به این مساله اذعان داشته باشند که امکان تغییر دادن گرایش جنسی افراد همجنس‌گرا وجود ندارد.

البته حتی در چنین شرایطی هم همانند ترنس‌سکشوال‌ها، رسیدن به حق و حقوق برابر برای زن‌ها و مردهای همجنس‌گرا با دیگر افراد جامعه، همچنان نیازمند طی راهی طولانی و سخت خواهد بود. اما حداقل، زندگی کردن زیر فشار اتهام کیفری سنگین و خطر اعدام نیست.



## **II افراد مختلف، پنهان و آشکار در داخل و خارج از ایران به دنبال تغییر در زمینه مسائل دگرباشان جنسی هستند. حالا آنها چطور می‌توانند دید عمل‌گرایانه و واقع‌بینانه‌تری برای این تغییر داشته باشند؟**

◀ وقتی خودم در زمینه مسائل دگرباشان جنسی، فعالیت‌م را شروع کردم، برایم یک رویای دست‌نیافتنی بود که یک روزی بتوانم در خانواده خودم از حقوق دگرباشان جنسی صحبت کنم. شاید هشت سال پیش در مورد ترنس‌ها می‌شد صحبت کرد ولی نگاه جامعه، با کمال تأسف، نگاه به یک قربانی و بر اساس نوعی ترحم بر آنان بود. حالا بسیاری از معمولی‌ترین شهروندان ایران هم با مسائل دگرباشان جنسی آشنا شده‌اند. هرچند فوبیها وجود دارند، ولی دیگر این مسائل عجیب و غیر عادی به‌نظر نمی‌رسد. تلاش‌های جمعی باعث این تغییر فضا بوده‌اند. اگر بپرسید چقدر واقع‌گرایانه جلو آمده‌ایم، نگاه مثبتی دارم. تک صدایی کمتر شده، صداهای زیادی را می‌شنویم. فقط از تهران هم نمی‌شنویم، از همه‌جای ایران می‌شنویم. یعنی تا الان واقع‌بینانه جلو آمده‌ایم. با افتخار تمام می‌گویم جامعه دگرباش ایرانی نقش قربانی‌بودگی را که مورد ترحم اکثریت جامعه قرار بگیرد، نپذیرفته است، بلکه با تمامی فشارهای مذهبی، اجتماعی، سیاسی و حقوقی، پیش‌روترین نگاه‌های روز دنیا را در ایران نشان می‌دهد. آنها برخورد علمی با مسائل خود دارند و به خودشناسی بالایی رسیده‌اند. تمامی این‌ها ارزشمند هستند. به ویژه حالا این مهم است که صدای ترنس‌سکشوال‌ها هر چه رساتر شنیده می‌شود. آنها همیشه این ترس را با خود داشته‌اند تا مبدا همین یک ذره حقوق‌شان هم از دست برود. ولی مسأله مشکلات گسترده موجود در وضعیت اجتماعی ترنس‌سکشوال‌ها، آنها را واداشته با نگاهی انتقادی به قوانین موجود نگاه کنند و این می‌تواند موجب پیشرفت باشد. درست که آنها موجودیت دارند، ولی باید حقوق کامل‌تری داشته باشند چه قبل از عمل جراحی و چه پس از آن؛ مثلاً برابری حقوق انسانی، فرصت‌های برابر شغلی، حق داشتن خانواده، حق برخورداری از امنیت جسمی، جنسی و روحی در مقابل خشونت‌های خانگی. در بسیاری از کشورهای پیشرفته، وقتی فرد متعلق به جامعه دگرباشان جنسی است، تحت حمایت یک قانون ویژه قرار می‌گیرد. یعنی پلیس و جامعه آگاه است که شما ممکن است مورد خشونت و تهاجم قرار بگیرید و در مقابل آن، سازوکارهای دفاعی دارند. به عبارتی صرف قبول وجود فرد و چهارچوب‌های محدود حقوقی برای او کافی نیست، بایستی برابری انسانی وضع گردد.

## **II یک طرف جنبش دگرباشان جنسی است، یک طرف حکومت و قانون و طرف دیگر احمد شهید. شما به عنوان یک وکیل و فعال حقوق بشر، نظرتان نسبت به ذکر مسائل دگرباشان جنسی در گزارش‌های احمد شهید چیست؟**

◀ خیلی این مسأله را مفید، لازم و مؤثر می‌دانم. چون حداقل این است که به فعال‌های سیاسی و حقوق بشری ما درس می‌دهد.

مثل مسائل زنان در گذشته، بزرگ‌ترین مسأله اقلیت‌های جنسی، نادیده انگاشته شدن آنها بود. اگر در گزارش رسمی گزارشگر ویژه حقوق بشر این جامعه که بیشترین ظلم به آنها می‌شود، دیده نشوند، یعنی مهر تأیید بر این خورده می‌شود که شما وجود ندارید. انگار تاییدی بر این باشد که محمود احمدی‌نژاد می‌گفت که این جامعه در ایران وجود ندارد، چون در اصل تلاش بر این بوده که آنها نادیده انگاشته شوند.

حالا احمد شهید در بعد بین‌المللی به آشکارسازی این جامعه اقلیت کمک کرده است. این در اصل بخشی از فعالیت‌هایی است که هر شخص در مقام و موقعیتی که قرار دارد می‌تواند انجام دهد. در اصل اما فشار بین‌المللی یک راه حل نهایی و یا همه جانبه نیست، بلکه بخشی از راه حل‌های ممکن و در دسترس است. از طرف دیگر این گزارش‌ها تاثیر مثبتی روی فعال‌های سیاسی، اجتماعی و حقوق بشری ایران نیز گذاشته است. به ویژه کنشگران حقوق بشر که قبلاً آگاهانه یا ناآگاهانه این بخش از جامعه را نادیده می‌گرفتند، ولی الان دیگر نمی‌توانند چنین کنند.



دوجنس گرایان  
ایرانی و حق و  
حقوق قانونی

در گفت‌وگو با سوده راد



## دوجنس‌گرایان ایرانی و حق و حقوق قانونی

### در گفت‌وگو با سوده راد عضو موسس وبسایت «دوجنس‌گرا» و بنیان‌گذار «ماچولند»

منتشر شده در وبسایت خبرنامه گویا، یکشنبه ۲۴ خرداد ۱۳۹۴

سوده راد پس از طی دوران نوجوانی به همراه خانواده‌اش در اتریش به ایران بازگشته و کارشناسی ارشد ریاضی کاربردی خوانده است. سپس در پاریس، دو دوره کارشناسی ارشد مدیریت تغییر و پژوهش در مدیریت را دنبال کرده است.

او فعالیت اجتماعی خود را در زمینه برابری جنسیتی در فرانسه و ایران بطور جدی از سال ۸۷ آغاز کرد و هم‌اکنون به عنوان یک فعال اجتماعی و روزنامه‌نگار آزاد، در حوزه برابر جنسیتی و دگرباشان جنسی (LGBTQIA) شناخته می‌شود. نوشته‌هایش در وبسایت‌های مختلف، از جمله در رادیو زمانه منتشر شده‌اند و مستندهایی از او در زنان‌تی‌وی و تابلو پخش شده‌اند. او که بنیان‌گذار انجمن غیر دولتی اسپکتروم، انجمنی فمینیست و معتقد به اسپکتروم گرایش‌ها و هویت‌های جنسی و جنسیتی در فرانسه است، هم‌چنین به عنوان یکی از سردبیران مهمان نسخه‌ی رنگین‌کمانی مجله تابلو همکاری کرده است.

سوده راد عضو موسس وبسایت «دوجنس‌گرا» است که در اسفند ماه گذشته، برابر با روز جهانی حقوق برابر جنسیتی زنان، فعالیت خودش را شروع کرد. این وبسایت به مسائلی می‌پردازد که پیش از این، کمتر به آن توجه شده بود. اندکی بعد، «ماچولند» فارسی با همکاری سوده راد فعال شد که بخشی از یک پروژه بین‌المللی است تا «به رفتار، گفتار یا نماد تفکر جنسیت‌زده در فضای عمومی روز فارسی‌زبان» اعتراض و از عادی شدن کلیشه‌های جنسیتی پیشگیری کند.

## II «ماچولند» بخشی از یک پروژه بین‌المللی است و به زبان‌های گوناگونی از جمله فارسی،

### فعال شده است. «ماچولند» قرار است چه کند؟

شاید بهتر باشد از نام ماچولند آغاز کنیم. ماچولند یعنی سرزمین نابرابری جنسیتی. ما در فرانسه و بسیاری دیگر از کشورها به راه‌اندازی تومارها و یا موج‌های اعتراضی عادت داریم و ایده ماچولند هم از اینجا متولد شد که می‌خواستیم پلتفرمی کاملاً فمینیستی داشته باشیم برای همه این اعتراضات خرد و کلان.

◀ جایی که بتوانیم همه فمینیست‌ها را از هر شاخه‌ای دور هم جمع کنیم و روی یک موضوع مشخص اعتراض کنیم یا بحث کنیم و از همه مهم‌تر آگاهی‌بخشی کنیم. بدین ترتیب ماچولند فرانسوی در ماه اکتبر ۲۰۱۵ راه‌اندازی شد و با توجه به استقبالی که شد، مصمم شدیم که آن را تبدیل به یک شبکه جهانی کنیم و تنها چند ماه بعد در نسخه دوم ماچولند توانستیم ماچولند فارسی و ارکتولیا - ترکیه - را چند روز پس از هشتم مارس ۲۰۱۴ راه‌اندازی کنیم.

انتخاب نام برای این پلتفرم در فضای فارسی بسیار سخت‌تر از آنچه فکر می‌کردیم بود و بالاخره تصمیم گرفتیم همان ماچولند را نگه داریم. ماچولند فارسی نسبت به شاخه فرانسوی و ترکی بیش از هر چیزی به آگاهی‌رسانی و حساسیت‌زایی نسبت به نابرابری‌های جنسیتی می‌پردازد، درحالی‌که تیم‌های دیگر بر پاسخگو کردن افراد حقیقی و حقوقی بیشتر تاکید دارند.

یکی از مشکلات ماچولند فارسی این است که افراد و شرکت‌ها و سازمان‌ها در فضای مجازی حضور ندارند یا ایمیل را به عنوان یک راه ارتباطی رسمی نمی‌پذیرند.

## II «دوجنس‌گرا» نزدیک به سه ماه است که فعال شده است. چه گام‌هایی در این

### وب‌سایت برداشته شده است و چه گام‌هایی را برای آینده نزدیک، پیش‌بینی کرده‌اید؟

◀ یکی از مهمترین گام‌ها، ایجاد دوجنس‌گرا به عنوان اولین پایگاه اطلاعاتی دوجنس‌گرایان و همه‌جنس‌گرایان فارسی‌زبان است، در فضایی که جای خالی آن به شدت حس می‌شد و می‌شود. همین اولین بودن، مسئولیت سنگینی بر عهده تیم گرداننده می‌گذارد که همگی داوطلبانه کار می‌کنند. ما تا بحال به انتشار روایت‌هایی از دوجنس‌گراها و هم معرفی افرادی معروف که دوجنس‌گرا یا همه‌جنس‌گرا هستند پرداخته‌ایم و تولید یک جعبه ابزار اولیه برای پاسخ به سوالات رایج در مورد این گرایش و پیش‌داوری‌های غلط را آغاز کرده‌ایم.

در روزهای آینده برنامه‌ای ۶ ماهه آغاز می‌کنیم که هر هفته یک منبع اطلاعاتی در مورد دوجنس‌گرایی و همه‌جنس‌گرایی معرفی می‌کنیم. همچنین برگزاری وبینارهایی در حوزه دگرباشان جنسی در دست کار داریم و این دو در کنار تولید مقالات و نقد کتاب و فیلم و ترجمه خواهد بود.



## II یکی از اهداف جنبش زنان ایران، شکستن سکوت‌های حاکم بر وضعیت زنان ایرانی است. به نظر تان چرا تاکنون داخل جنبش زنان، موضوع دگرباشان جنسی و مخصوصاً دوجنس‌گرایی، در سکوت باقی مانده بودند؟

◀ همکاری من با جنبش برابری‌خواهی ایران همیشه از خارج از کشور بوده و طبیعتاً در متن آنچه در ایران می‌گذشته نبوده‌ام و تا پیش از سال ۸۸ که بسیاری از فعالان از ایران خارج شدند، تنها نقش حامی و راوی در خارج از کشور را داشتم.

شاید از نظر فنی در کشوری که جنبش زنان در بیان مطالبات درجه اول خود هم سرکوب می‌شود، قابل پذیرش باشد که در داخل ایران به موضوع رنگین‌کمانی‌ها پرداخته نشود، اما این سکوت در خارج از کشور هم دیده می‌شد و می‌شود.

نه این که چیزی نباشد و این دو جنبش کاملاً از هم گسسته باشند که به جرأت می‌توانم بگویم آن پیوند و حضور متقابلی که در جنبش فمینیستی و جنبش LGBTQI فرانسه داریم در شرایط مشابه ایرانی به هیچ‌وجه نداریم. برای مثال در تاریخ جنبش فمینیستی فرانسه حمایت جنبش LGBT از حقوق باروری و پایان دادن داوطلبانه به بارداری بی‌نظیر بوده و جنبش فمینیست هم نقش جدی در مطالبات و پیگیری حقوق جامعه رنگین‌کمانی و تصویب قانون ازدواج برای همه داشت. ما در میان کنشگران ایرانی افراد و سازمان‌هایی داریم که در هر دو جنبش فعالند ولی این حمایت دوجانبه سیستماتیک نیست.

## II بعد از موضوع سکوت، موضوع باورهای اشتباه حاکم بر عامه مردم ایران مطرح است. مثلاً اینکه دوجنس‌گرا، الزاماً همجنس‌گرا، تراجنسیتی یا میان‌جنسی نیست. فکر می‌کنید، چطور می‌توان به عامه مردم ایران دسترسی پیدا کرد، آنها را مخاطب قرار داد و برای آنها، آگاهی‌سازی کرد؟

◀ دوجنس‌گرایی اصلاً هم‌جنس‌گرایی نیست و تمام تلاش ما این است که این موضوع را روشن کنیم که دوجنس‌گرایی یک گرایش جنسی مستقل است و مثلاً نمی‌توان عبارت انگلیسی LGBT را به «همجنس‌گرایی و ترانس‌جندها» ترجمه کرد یا روز جهانی IDAHOT که اتفاقاً امسال IDAHOBIT خوانده شد، آن را روز مبارزه با همجنس‌گراستیزی نامید و با کوتاه کردن این نام‌ها خود موجب تبعیض دیگری شد.

نمی‌توان و نباید دوجنس‌گرایی را زیرمجموعه یک گرایش دیگر دانست یا دوره‌ای گذار از یک گرایش به گرایش دیگر. شاه‌کلید تغییر آگاهی‌سازی است همانطور که خودتان اشاره کردید. برای دسترسی به عامه مردم باید راه‌های ورود به گفتگوهای روزمره را پیدا کرد و در مورد دوجنس‌گرا یا ماچولند که هر دو خارج از ایران راه‌اندازی شده‌اند، تولید و مدیریت فضای مجازی تنها راه چاره است، که کم هم نیست.

اگر بدانیم هر کاربر یک انسان است با هویت واقعی یا غیر واقعی در حال نگاه به تولیدات ماست، می‌بیند و می‌خواند و به آن فکر می‌کند می‌توانیم استراتژی‌های درستی را اتخاذ کنیم. موضوع اصلی برای ما این است که پیام به دست گیرنده برسد. حتی اگر در پاسخ با هراس (فوبیا) روبرو شویم یا با فحاشی متوجه می‌شویم که حداقل تیر و پیام را گرفته‌اند، برای این گام هم باید زبان ساده و روانی را انتخاب کرد.

## II حالا به نظر تان «ماچولند» و «دوجنس‌گرا» چطور می‌توانند پل ارتباطی بین جنبش زنان ایران و جنبش دگرباشان جنسی ایران باشند؟

◀ هر دوی این سایت‌ها توسط کنشگرانی اداره می‌شوند که هم در جنبش فمینیستی و هم در جنبش دگرباشان جنسی فعال هستند. یعنی یا به طور جدی فعال هستند یا به این نابرابری‌ها حساس هستند. بنابراین ناخودآگاه و خودآگاه پلی هستند بین این دو جنبش اما این نکته مهم است که بدانیم هدف اصلی ما این پل بودن نیست که این یکی از نتایج ناگزیر و البته مهم این پروژه‌هاست.

## II یک موضوع هم «دوجنس‌گراستیزی» است، مخصوصاً داخل جامعه دگرباشان جنسی. به نظر تان برای اصلاح این مشکل چه می‌توان کرد؟

◀ همان‌طور که می‌دانیم آگاهی‌بخشی مهمترین و اثربخش‌ترین روش است. ما باید در مورد پیش‌داوری‌های نادرست که در مورد دوجنس‌گرایی وجود دارد کار کنیم. این فوبیا و منفی‌نگری البته مختص جامعه ایرانی نیست و اصولاً این نگاه منفی در تمام نقاط دنیا و در میان همه جنبش‌های دگرباش جنسی وجود دارد، ولی در جنبش رنگین‌کمانی ایرانی بیشتر به چشم می‌آید، چرا که حتی در میان کنش‌گران و مدافعان حقوق رنگین‌کمانی‌ها اگر نگوئیم بای فوبیا وجود دارد، با شهادت می‌توانیم ادعا کنیم بای سکشوالیته به عنوان یک موضوع برای دقیق شدن و صحبت و کار اصلاً در برنامه جنبش نیست.

یکی از آشکارترین مظاهرش ترجمه‌هایی است از مطالبی در مورد کل جامعه رنگین‌کمانی که به هم‌جنس‌گرایان یا در مواردی هم‌جنس‌گرایان و ترنس‌چندرها تقلیل پیدا می‌کند. برای اصلاح این ستیز و منفی‌نگری و نادیده گرفته شدن، باید در مورد آن صحبت کرد و کار کرد، باید به دوستانمان یادآوری کنیم که این حذف‌نشانی از فوبیا است. باید کارهای قبلی را اصلاح کرد و جلوی بروز خطاهای بعدی را هم گرفت و در تمام این مسیر صبور بود و راهی آهسته و پیوسته پیش گرفت. به ویژه در مورد اعضای خانواده رنگین‌کمانی تغییر این ستیز و طرد سیستماتیک و آرام دوجنس‌گراها و همه‌جنس‌گراها مهم است. یادمان باشد که این فوبیا در بسیاری موارد درونی شده است و خود افراد هم از خود و گرایش خود هراس دارند.

## || وضعیت دوجنس‌گرایان و همه‌جنس‌گرایان ایرانی را در آینده‌ای نزدیک، چگونه می‌بینید؟

◀ بی‌تردید خود را عضو یک جامعه مشخص با یک وجه اشتراک مشخص دیدن می‌تواند موجب شود افراد با خود راحت‌تر باشند و حداقل فویبای درونی‌شده را رام کنند. اگر بتوانیم به اهدافی که در نظر گرفته‌ایم دست یابیم می‌توانیم بگوییم در آینده نزدیک حداقل جایی خواهیم داشت برای کسب آگاهی و خواندن و شنیدن در مورد این گرایش جنسی مهجور و مورد تبعیض واقع شده.

البته باید بگوییم که ما به هیچ‌وجه به دوجنس‌گرایان و همه‌جنس‌گرایان به عنوان قربانی نگاه نمی‌کنیم و فکر می‌کنیم تبعیض‌های جاری بسیار ریشه‌دارتر از این است که انگشت اتهام به سوی یک فرد یا سازمان یا گروه بگیریم و آنرا مقصر نشان دهیم. وقتی این گرایش و وجود این افراد حتی در مجامع بین‌المللی که بنا است به مطالبات حقوقی این گروه بپردازند، به رسمیت شناخته نشود، تغییر واقعی رخ نمی‌دهد. حالا ما می‌خواهیم تغییر را از خود جامعه دگرباشان جنسی آغاز کنیم، تا دوجنس‌گرایان و همه‌جنس‌گرایان حداقل در این جامعه سرکوب نشوند.



فرد پناهنده و  
موضوع سرزمین  
مادری

در گفت‌وگو با رها بحرینی



## فرد پناهنده و موضوع سرزمین مادری

### در گفت‌وگو با رها بحرینی، وکیل حقوق بشر

منتشر شده در صفحه دگرباش وبسایت رادیو زمانه، ۲۸ تیر ۱۳۹۵

دگرباشان جنسی مانند هر پناهجوی دیگری، وقتی سراغ کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد یا سازمان‌های پناهندگی در کشورهای مختلف می‌روند، با دو پرسش روبه‌رو می‌شوند و پاسخشان به آن‌ها تعیین می‌کند که پناهنده محسوب شوند یا که نه: چرا از سرزمین مادری‌ات خارج شده‌ای؟ چرا نمی‌توانی دیگر به کشورت برگردی؟

پناهندگان دگرباش جنسی، به خاطر «عضویت در یک گروه اجتماعی خاص» امکان اقامت در دیگر کشورها را کسب می‌کنند و بر همین اساس هم خود را پناهنده‌های اجتماعی می‌شناسند. ولی آیا خروج از ایران به قصد پناهندگی برای آن‌ها به معنای خداحافظی دائمی با سرزمین مادری است؟

این پرسش را با رها بحرینی، وکیل حقوق بین‌الملل، مشخصاً در زمینه قوانین حقوق بشر، در میان گذاشتم. بحرینی برای سازمان عفو بین‌الملل کار می‌کند.

### اصل ممنوعیت بازگرداندن اجباری پناهنده

بعد از جنگ جهانی دوم و در سال ۱۹۵۱، کشورهای دنیا در شهر ژنو در کشور سوییس دور هم گرد آمده و کنوانسیون پناهندگان را تصویب کردند و در ۱۹۶۷ پروتوکلی الحاقی به کنوانسیون اضافه شد. متن این قانون بین‌المللی برای کشورهایی که آن را امضا کرده باشند، الزام‌آور است.

این قانون مشخصاً می‌گوید فردی که به خاطر مذهب، عقیده سیاسی، تابعیت، نژاد یا عضویت در یک گروه اجتماعی دچار ترس موجه از آزار و تعقیب است و به دلیل این ترس خارج از کشور متبوع خود به سر می‌برد و نمی‌تواند از حمایت کشور خود بهره‌مند شود، می‌تواند در کشوری دیگر درخواست پناهندگی بدهد و کشورهای عضو کنوانسیون بایستی درخواست او را بررسی کنند.



این کنوانسیون همچنین بازگرداندن اجباری پناهنده به کشوری که از آن گریخته است را برای کشورهای عضو ممنوع کرده است.

### **بحرینی در این مورد توضیح می‌دهد:**

«اصل ممنوعیت بازگرداندن اجباری که در ماده ۳۳ کنوانسیون آمده یک اصل فوق‌العاده جدی است. بر طبق این اصل کشورهای عضو باید از بازگرداندن اجباری پناهنده به کشوری که امکان دارد در آنجا حیات یا آزادی او در معرض تهدید قرار گیرد مطلقاً خودداری کنند. اینجاست که پرسش شما اهمیت خیلی زیادی پیدا می‌کند، چون بازگشت داوطلبانه پناهنده به کشوری که از آن فرار کرده می‌تواند تا حدی باعث شود که مسئله تهدید حیات یا آزادی او در کشور متبوع غیرمحمتمل تلقی شود و بنابراین ضرورت رعایت اصل ممنوعیت بازنگرداندن در مورد او زیر پرسش برود.

کنوانسیون پناهندگی تصریح می‌کند که اگر شخصی به طور داوطلبانه خودش را تحت حمایت کشور متبوع خویش قرار بدهد و یا داوطلبانه برای سکونت به کشوری بازگردد که به علت ترس از آزار و تعقیب پیش‌تر آنجا را ترک گفته، دیگر آن شخص مشمول مواد کنوانسیون نمی‌شود و اصول کنوانسیون در مورد او لازم‌الاجرا نیستند. این بدین معنا نیست که فرد پناهنده حق بازگشت به کشور خودش را ندارد، طبق قوانین حقوق بشر و مشخصاً میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، هیچ فردی را نمی‌توان به شکل خودسرانه از ورود به کشورش منع کرد. مسئله اصلی این است که آیا فردی که به کشور متبوع خویش بازگشته است همچنان واجد شرایط پناهندگی هست یا نه؟»

### **فرق بین اقامت و سفر**

بحرینی توضیح می‌دهد که طبق کنوانسیون ژنو اگر فردی داوطلبانه برای اقامت به سرزمین متبوع خود بازگردد، از شمول مواد کنوانسیون خارج می‌شود و بنابراین امکان سلب پناهندگی از آن فرد وجود دارد.

بر اساس بند C ماده یک کنوانسیون، مواد کنوانسیون در ۶ حالت لازم‌الاجرا نیستند: اگر فرد پناهنده خودش را مجدداً تحت حمایت کشور متبوع خود قرار دهد؛ اگر تابعیت پیشین خود را از دست داده باشد و مجدداً برای کسب آن اقدام کرده باشد؛ اگر تابعیت کشوری دیگر را کسب کرده باشد و از حمایت کشور متبوعه جدید برخوردار باشد؛ اگر داوطلبانه در سرزمین تابع خود که پیش‌تر از آن گریخته بود مجدداً مقیم شده باشد و اگر شرایطی که باعث شده بود به عنوان پناهنده شناخته شود از بین رفته باشند.

بحرینی البته می‌گوید حداقل طبق قانون بین‌المللی، بازگشت به کشور تابع به خودی خود برای توقف پناهندگی و سلب آن کافی نیست، هرچند فرد باید به این پرسش پاسخ بدهد که آیا همچنان با آزار در آن کشور روبه‌رو است یا که نه و اگر با آزاری روبه‌روست، چطور به آن سرزمین سفر کرده است.

«آن چیزی که پاراگراف چهارم در بند C ماده یک کنوانسیون مشخصا در موردش حرف می‌زند، بازگشت به قصد سکونت است (در متن قانون از کلمه re-established استفاده شده) و اینکه چه چیزی سکونت محسوب می‌شود، جای بحث دارد.»

حقوق‌دان‌های برجسته در زمینه حقوق پناهندگی گفته‌اند که صرف یک سفر موقت را نمی‌توان سکونت محسوب کرد، اما اقامت‌های طولانی‌مدت و سفرهای تفریحی یا کاری مکرر را می‌توان به عنوان علائم سکونت شناسایی کرد. علاوه بر اقامت، اگر فرد پناهنده‌ای که به کشورش برمی‌گردد، یک زندگی عادی بدون دردسر را شروع بکند و یا رابطه معمولی به عنوان یک شهروند با نهادهای قانونی برقرار کند، مثلا مالیات پرداخت کند، از نظام قضایی استفاده کند، یعنی نشان بدهد که یک رابطه عادی با دولت دارد، اینجا کشوری که پیش از آن او را به عنوان پناهنده شناخته، می‌تواند ادعا کند که فرد پناهنده خود را مجدداً تحت حمایت کشور متبوع خود قرار داده و بر این اساس دستور سلب پناهندگی از او را صادر کند.»

### **عدم تفاوت بین پناهنده‌ها**

بحرینی می‌گوید تفاوتی بین یک پناهنده مثلا همجنس‌خواه با پناهنده‌ای که به خاطر مذهب یا عقیده از کشور خود گریخته است از لحاظ حقوق بین‌الملل وجود ندارد: «یکی از عناصر موجود در تعریف پناهنده، عنصر «آزار» است. همه پناهنجویان از جمله افرادی که به خاطر تعلق به یک گروه اجتماعی خاص درخواست پناهندگی می‌کنند باید نشان بدهند که در معرض آزار قرار دارند و ترسشان از آزار، موجه و مبتنی بر دلایل معقول است.»

تعریف «آزار» در کنوانسیون ژنو نیامده است و برای همین برداشت‌ها و تعریف‌های مختلفی در سرزمین‌های مختلف از این مفهوم شکل گرفته است. «پیشرفت‌هایی که در قانون پناهندگی در خیلی از کشورها صورت گرفته، نشان می‌دهد که مفهوم آزار فقط به محرومیت از حیات یا آزادی محدود نمی‌شود و اقدامات تبعیض‌آمیز هم آزار محسوب می‌شوند.»

### **ضمانت‌های اجرایی تعهدات بین‌المللی: مثال کانادا**

برخلاف قوانین بین‌المللی حقوق بشر مانند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی - که نهاد ناظر بر آن کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد است و این کمیته هم به شکل دوره‌ای کشورهای عضو را می‌خواهد تا بیابند و شرایط موجود در کشورشان توسط کمیته بررسی شود و هم تفسیرهایی منتشر می‌کند که الزام‌آور نیستند، ولی وزن فوق‌العاده سنگینی دارند - کنوانسیون پناهندگی قدرت اجرایی بالایی ندارد.

کمیسر عالی پناهندگان سازمان ملل متحد به شکلی منظم آیین‌نامه‌ها و مقرراتی را منتشر می‌کند، ولی نمی‌تواند کشورها را بازخواست کند و شرایط موجود در سرزمین‌های مختلف را برابر مواد کنوانسیون بسنجد. بحرینی توضیح می‌دهد:

«دست کشورها خیلی بازتر است تا آن طوری که ترجیح می‌دهند، کنوانسیون را اجرایی کنند. مثلا در کنوانسیون ژنو آمده که بازگشت فرد بایستی برای اقامت باشد، ولی اگر شما عملا به قوانین کانادا یا دیگر کشورها در این سال‌ها نگاه نکنید، اصلا در این حد برخورد نمی‌کنند. آن‌ها عموما صرف سفر به کشور مادری، حتی برای یک مدت کوتاه یا حتی گاهی کسب پاسپورت از آن کشوری که پناهنده از آن گریخته را کافی می‌دانند تا دستور لغو پناهندگی را تنظیم کنند. برای همین هم در کانادا، و کلا به پناهندگان توصیه می‌کنند تا زمانی که شهروندیشان را نگرفته‌اند، به کشورشان حتی برای یک سفر کوتاه مدت هم بازنگردند.»

با این حال بحرینی از چند پرونده مختلف بررسی شده از ده نود میلادی در کشورهای کانادا، استرالیا و نیوزلند مثال می‌زند که تفاوت بین سفر و سکونت با دقت بیشتری در آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. در ۱۹۹۲ در کانادا پرونده یک پناهجوی اهل السالوادور مطرح شد که برای اجتناب از فروپاشی ازدواج‌اش به سرزمین مادری‌اش سفر کرده بود و مدتی کوتاه در آنجا مانده بود، تمام مدت مراقب بوده، بیشتر از چند شب را در یک جا نمانده، از وسائل نقلیه عمومی استفاده نکرده و هویتش را پنهان نگاه می‌داشته است.

«دادگاه در این پرونده رای داد که این بازگشت به منظور سکونت نبوده است و برای همین این فرد همچنان واجد شرایط پناهندگی است. طبق قانون، وقتی می‌توان پناهندگی فردی را گرفت که بازگشت او دائمی یا مکرر باشد. مثلا فرد سالی یک بار برای اهداف توریستی یا تجارت به کشور خویش داوطلبانه بازگردد و در این سفرها با دردسری هم مواجه نشود. در چنین شرایطی، ادعای ترس از آزار طبیعتا مورد تردید جدی قرار می‌گیرد و می‌توان استدلال کرد که فرد از حمایت دولت متبوع خود برخوردار است و دیگر مستحق نیست که به عنوان پناهنده شناخته شود.» با تمامی این‌ها، اگر فردی پناهندگی و اقامت خود در کشوری را به دلیل بازگشت به سرزمین خود از دست بدهد، همیشه می‌تواند در صورت تهدید و مواجه با آزار مجددا تقاضای پناهندگی کند. بحرینی می‌گوید:

«حق پناهندگی از حقوق اساسی انسان‌ها است و هیچ‌وقت افراد نباید از حق درخواست پناهندگی محروم شوند. مطابق اعلامیه جهانی حقوق بشر هر کس حق دارد که در برابر تعقیب، شکنجه و آزار پناهگاهی جست‌وجو کند و در کشورهای دیگر پناه اختیار کند. ولی طبیعی است که بازگشت داوطلبانه به کشوری که متقاضی پناهندگی ادعا می‌کند در آنجا با آزار روبه‌رو است به اعتبار صحبت‌های او در چشم قاضی لطمه می‌زند. اگر فرد دوره‌ای در کشور تابع خود بدون سختی و مشکل زندگی کرده باشد و حالا دوباره از کشور خارج شده باشد، سخت‌تر می‌تواند قاضی را نسبت به وجود خطر آزار علیه خود قانع کند.»



دو جنس گرایان،  
جنبش زنان و جنبش  
دگر باشان جنسی  
ایران

در گفت‌وگو با زینب پیغمبرزاده





## دوجنس‌گرایان، جنبش زنان و جنبش دگرباشان جنسی ایران

### در گفت‌وگو با زینب پیغمبرزاده، عضو تحریریه وبسایت دوجنس‌گرا

منتشر شده در ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴ در صفحه‌ی دگرباش وبسایت رادیو زمانه

زینب پیغمبرزاده، روزنامه‌نگار، عضو سابق کمیسیون زنان دفتر تحکیم وحدت و از فعالان کمپین یک میلیون امضا و اعتراض به سهمیه‌بندی جنسیتی در دانشگاه‌های ایران است. او دانش‌آموخته جامعه‌شناسی در مقطع کارشناسی از دانشگاه تهران و کارشناسی ارشد مطالعات اجتماعی جنسیت از دانشگاه «لوند سوئد» است.

پیغمبرزاده، فعالیت‌های داوطلبانه‌اش را در حوزه جنسیت از سال ۱۳۸۲ همزمان با ورود به دانشگاه آغاز کرده است. پیش از مهاجرت به سوئد در سال ۱۳۹۰، او در ایران به عنوان پژوهشگر و تسهیلگر اجتماعی کار کرده بود. او همچنین به عنوان روزنامه‌نگار آزاد با نشریات و سایت‌های مختلف فارسی‌زبان، مانند وبسایت رادیو زمانه، مجله زنان و وبسایت زنستان همکاری داشته است. در حال حاضر او یکی از پایه‌گذاران و نویسندگان نخستین وبسایت فارسی‌زبان درباره دوجنس‌گرایی و همه‌جنس‌گرایی با عنوان دوجنس‌گرا است.

با او در موضوع جنبش زنان ایران و ارتباط آن با جنبش دگرباشان جنسی ایران و همچنین در موضوع دوجنس‌گرایی، صحبت کردم.

### II در خارج از ایران، جنبش‌های زنان رابطه به نسبت خوبی با جنبش دگرباشان جنسی

#### دارند. به نظر تان چرا در ایران بین این دو جنبش فاصله افتاده است؟

◀ در ایران مذهبی و سنتی بودن حاکمیت و قانون، کار را برای فعالان اجتماعی پیچیده‌تر کرده است. از یک طرف، فعالان اجتماعی همواره باید نگران برخوردهای امنیتی و قضایی دولت باشند. همچنین این فعالان باید نگران این باشند که حاکمیت چطور ممکن است افکار عمومی را علیه آنها شکل دهد و مردم را از ارتباط با آن بترساند. فراتر از این، گروهی از این فعالان، سعی می‌کنند اعتماد بخش‌هایی از حاکمیت را جلب کنند تا بتوانند فعالیت‌شان را ادامه بدهند و امکان این را داشته باشند که با طیف گسترده‌تری از جامعه ارتباط داشته باشند. گروهی از فعالان حتی تلاش دارند از طریق ارتباط با بخش‌های دموکرات‌تر حاکمیت، تغییر ایجاد کنند.



از طرف دیگر این حاکمیت مذهبی، مدام فرهنگ مذهبی محافظه کار را نیز در جامعه بازتولید می کند و فعالان اجتماعی در ایران، مثل همه کشورهای دیگر ناچارند فرهنگ جامعه را نیز در فعالیت هایشان در نظر بگیرند. اینها در مجموع، فعالان اجتماعی را در فضای عمومی محافظه کار می کند.

همان طور که عموم مردم ایران یاد گرفته اند تا بخش هایی از هویت و زندگی شان را از حاکمیت پنهان کنند تا بتوانند در فضای ایران به زندگی ادامه دهند، فعالان اجتماعی در ایران نیز یاد گرفته اند چند لایه عمل کنند. هر چه فعالیت های فعالان اجتماعی، عمومی تر و وسیع تر می شود، به میزان بیشتری خودشان را سانسور می کنند. بنابراین چهره های که این فعالان در فضای عمومی از خود به نمایش می گذارند، سنتی تر از آن چیزی است که این فعالان در داخل جنبش از خود نشان می دهند و حتی بیش از آن، سنتی تر از شیوه زندگی روزمره آنهاست. بنابراین، اینکه ناظران خارجی ارتباط بین دو جنبش زنان و دگرباشان را به خصوص در بین فعالان داخل کشور نمی بینند، به این معنا نیست که این ارتباط، به خصوص در سطح فردی، اصلاً وجود ندارد.

## || تشابه های فرهنگی و اجتماعی ترکیه و ایران زیاد است، پس چرا در ترکیه این دو جنبش ارتباط خوبی با هم دارند؟

◀ بله، ترکیه به لحاظ فرهنگی تشابه زیادی با ایران دارد، اما دولت ترکیه کمتر از دولت ایران آزادی های اجتماعی را محدود می کند و فعالان اجتماعی امکان فعالیت قانونی در زمینه مسائل دگرباشان جنسی را دارند. قوانین ترکیه، نسبت به موضوع همجنس گرایان، سکوت اختیار کرده اند. این به جنبش دگرباشان جنسی، اجازه می دهد تا حضور فعالی در سطح جامعه داشته باشد.

## || دوجنس گرایان هم درون جامعه دگرباشان جنسی در ایران و هم در کلیت جامعه زنان و همچنین جامعه کلی ایرانی، پنهان مانده اند و سکوت کرده اند. چه برنامه ای برای کمک به آشکارتر کردن مشکلات این افراد و شکستن این سکوت دارید؟

◀ ما در سایت دوجنس گرا تلاش داریم که به تنوع موجود در جامعه دگرباشان جنسی احترام بگذاریم و نه تنها آگاهی دگرباشان، خانواده، اطرافیان شان و در مجموع جامعه را افزایش دهیم، بلکه در آن واحد، فعالان اجتماعی را نسبت به این موضوعات حساس کنیم.

در حال حاضر بسیاری از فعالان و کارشناسان - گاه به صورت ناخودآگاه - به کلیشه های همجنس گراستیز، تراجنسی ستیز و دوجنس گراستیز دامن می زنند یا وجود این افراد را نادیده می گیرند. تغییر این نگرش می تواند به دگرباشان جنسی جرات دهد تا راحت تر گرایش جنسی شان را بپذیرند و بتوانند آشکارا از آن صحبت کنند.

یکی از برنامه های ما، معرفی جنبش دوجنس گرایان در کشورهای مختلف از طریق معرفی نشریات و کتاب های منتشر شده در حوزه دوجنس گرایی است. امیدواریم در آینده نزدیک بتوانیم برای چند شماره، یک نشریه منظم در زمینه دوجنس گرایی منتشر کنیم و با انتشار پادکست و ویدیو، مخاطب بیشتری را جذب کنیم.

## || زنان در ایران، فارغ از آنکه چه گرایش جنسی ای داشته باشند، محدودیت‌های مختلف قانونی دارند. این محدودیت‌ها در زندگی یک زن دگرباش جنسی چگونه تاثیر می‌گذارد؟

◀ زنان اقلیت‌های جنسی، مخصوصاً زنان دوجنس‌گرا فارغ از آنکه ممکن است قربانی تمامی قوانین ناعادلانه‌ای باشند که دیگر زنان هم از آن رنج می‌برند، قربانی قوانینی هم هستند که رابطه با همجنس را جرم‌انگاری می‌کند. از سویی دیگر، این قوانین رابطه خارج از ازدواج با جنس مخالف را نیز جرم تلقی کرده‌اند.

زنان دوجنس‌گرا ممکن است قربانی خشونت مردانی که با آنها در ارتباط هستند هم باشند. آنها هم مثل تمامی دگرباشان جنسی، ممکن است از سوی خانواده‌شان طرد شوند.

در نهایت گاهی زنان همجنس‌گرا نیز نگرش مثبتی به دوجنس‌گرایان ندارند. بنابراین زنان دوجنس‌گرا، حتی از سوی شرکای جنسی همجنس‌شان نیز چندان مورد حمایت قرار نمی‌گیرند.

## || به نظر تان وضعیت زنان دگرباش جنسی را چطور می‌توان از لحاظ قانونی ارتقاء دارد؟

◀ آنچه که بیش از سایر قوانین زندگی زنان دگرباش جنسی را تحت تاثیر قرار می‌دهد، موادی از قانون مجازات اسلامی است که رابطه با همجنس را جرم می‌شمارد. وجود این قوانین باعث شده که این زنان در یک وحشت دائمی از آشکار شدن روابطشان زندگی کنند.

این قوانین در آن واحد، نگرش منفی نسبت به دگرباشان جنسی را نیز بازتولید می‌کنند و باعث می‌شود تا تبعیض در سطوح مختلف، نه تنها از سوی بخش‌های مختلف حاکمیت، بلکه از سوی جامعه و خانواده علیه دگرباشان جنسی اعمال شود و در نهایت دگرباشان جنسی از ترس افشا شدن گرایش جنسی‌شان، جرات کمک خواستن از کسی را هم نداشته باشند.

از سوی دیگر قوانین مرتبط با حجاب اجباری بر زندگی تراجنسی‌ها و تراجنسیتی‌ها بیشترین تاثیر را می‌گذارد و می‌تواند یکی از دلایل اصلی‌ای باشد که آنها در نهایت تصمیم می‌گیرند تا به دنبال تغییر جنسیت بروند.

## || سازوکارهای حقوق بشر سازمان ملل، به شکل‌های مختلف موضوع دگرباشان جنسی را ذکر کرده‌اند و در این زمینه، تذکرها و توصیه‌هایی به دولت ایران دادند. به نظر تان جایگاه دوجنس‌گرایان ایرانی در این میان حفظ شده است؟

◀ یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که در سطح بین‌المللی دوجنس‌گرایان با آن روبه‌رویند، این است که در عمل در سازمان ملل و سازمان‌های دولتی و غیر دولتی که در زمینه حقوق دگرباشان جنسی فعالیت می‌کنند، دوجنس‌گرایان نادیده گرفته می‌شوند، یا تصور می‌شود که امکان آن را دارند که هویت‌شان را پنهان کنند و بنابراین در خطر نیستند.

نمونه بارز این مشکل، پناهجویان دوجنس‌گرای هستند که در عمل ناچار می‌شوند تا خودشان را همجنس‌گرا معرفی کنند و بعد از آنکه گرایش جنسی آشکار می‌شود، دروغگو و فرصت‌طلب تلقی می‌شوند.

اگر سازمان ملل و دولت‌ها و سازمان‌های غیر دولتی غربی، شفاف‌تر و قاطع‌تر از حقوق دوجنس‌گرایان در کنار حقوق همجنس‌گرایان و تراجنسی‌ها حمایت کنند، قطعاً در تغییر نگرش سازمان‌های غیردولتی و در نهایت مردم در کشورهایی مثل ایران نیز موثر خواهد بود.

## **||** **خب این سوال پیش می‌آید، آیا سازمان ملل و دولت‌ها و سازمان‌های غیر دولتی غربی، به شرایط و وضعیت دوجنس‌گرایان و تراجنسی‌های ایران آگاهی کافی دارند؟**

◀ خوشبختانه فعالیت‌های ارزشمندی که در سال‌های اخیر در زمینه مسائل تراجنسی‌ها در ایران صورت گرفته، به بهبود شرایط آنها کمک کرده است، اما مشکل نادیده گرفتن دوجنس‌گرایان، یک مشکل جهانی است که محدود به ایران نمی‌شود.

خوشبختانه در سال‌های اخیر، دوجنس‌گرایان در کشورهای مختلف برای اصلاح کلیشه‌های موجود در مورد دوجنس‌گرایی فعال شده‌اند. امیدواریم سایت دوجنس‌گرا در پیوند با این جنبش جهانی، به دیده شدن دوجنس‌گرایان و همه‌جنس‌گرایان و بهبود شرایط ما، کمک کند.

## **||** **به نظر تان سازوکارهای حقوق بشر سازمان ملل متحد، گزارش‌های احمد شهید، گزارش‌گر ویژه در موضوع حقوق بشر ایران، و توصیه‌ها و تذکرات دولتی‌های گوناگون جهان به دولت ایران، چطور می‌تواند بر وضعیت دگرباشان جنسی تاثیرگذار باشد؟**

◀ به صورت کلی فشارهای بین‌المللی از یک سو می‌تواند باعث شود تا دولت ایران، فشار کمتری به دگرباشان جنسی وارد کند یا تلاش کند که این فشارها کمتر آشکار شود. از طرف دیگر می‌تواند به دگرباشان جنسی دلگرمی دهد یا حتی به صورت مستقیم به بهبود شرایطشان، مثلاً در زمینه پناهندگی منجر شود.

هرچند از سویی دیگر، دولت ایران مثل بسیاری از دولت‌ها مثلاً در اروپای شرقی یا آفریقا، همواره فشارهای غرب در زمینه حقوق بشر، زنان و دگرباشان جنسی را نشانه تلاش غرب برای تحمیل ارزش‌هایش به دیگر کشورها خوانده و تلاش کرده فعالان این حوزه‌ها را دست‌نشانده غرب و یا از خودبیگانه معرفی کند.

با این وجود این به معنا نیست که سازمان ملل یا کشورهای غربی، نباید نقض حقوق بشر را در کشورهایی مانند ایران مورد انتقاد قرار دهند، بلکه ما به عنوان فعالان حقوق بشر باید از یک سو بر جهان شمول بودن اصول کلی حقوق بشر تاکید کنیم.

از سوی دیگر نشان دهیم که چه طور فرهنگ بومی ما، با برخی از این حقوق سازگاری داشته و بخشی از آنچه که ما امروز به عنوان فرهنگ بومی یا دینی‌مان می‌شناسیم، در واقع در دوره استعمار از فرهنگ غرب وام گرفته شده است. خوشبختانه در سال‌های اخیر پژوهش‌های تاریخی ارزشمندی درباره رابطه با همجنس یا دگرباشی در تاریخ ایران و اسلام انجام شده است..

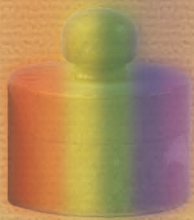
## || شعاری محبوب می‌گوید، حقوق بشر دگرباشان جنسی، حقوق بشر همه مردم است. شما فکر می‌کنید این شعار درست باشد؟

◀ همان‌طور که انتظار داریم در بحث از حقوق بشر، حقوق زنان یا دگرباشان جنسی فراموش نشود، در بحث از حقوق زنان یا دگرباشان جنسی نیز انتظار می‌رود که اگر نمی‌توان همیشه به حقوق همه طیف‌های مختلف گرایش‌های جنسی اشاره کرد، حداقل کلیشه‌های مختلف را علیه آنها بازتولید نکرد. یا حداقل از گروه‌های به حاشیه رانده شده مثل زنان و دگرباشان جنسی انتظار می‌رود، خودشان عامل به حاشیه راندن بخشی از زنان یا بخشی از دگرباشان جنسی نباشند.

## || آینده دوجنس‌گرایان ایرانی را چگونه می‌بینید؟

◀ در حالی که در سال‌های اخیر گروه‌های مختلفی در زمینه حقوق دوجنس‌گرایان و همه جنس‌گرایان به زبان‌های مختلف فعال شده‌اند، در حال حاضر هنوز اطلاعات بسیار محدودی در این زمینه در فضای فارسی زبان وجود دارد که بسیاری از این اطلاعات موجود نیز دوجنس‌گراستیزند. ما امیدواریم این سایت و فعالیت مشابه بتواند فضای گفت‌وگو در این زمینه را بین فعالان و در کل، در جامعه ایجاد کند. برای ما پذیرش وجود دوجنس‌گرایی و همه جنس‌گرایی به‌خصوص از سوی خود دوجنس‌گرایان و همه جنس‌گرایان نخستین گام است. امیدواریم بتدریج سازمان‌های فعال در حوزه جنسیت، نگاه مثبت‌تری به تنوع جنس، جنسیت، گرایش و هویت‌های جنسی پیدا کنند.





## مقاله‌ها

این مقاله‌ها در گذر سه سال گذشته، در بی‌بی‌سی فارسی و صفحه دگرباش زمانه منتشر شده‌اند. موضوع آنها بحث حق و حقوق دگرباشان جنسی در ایران است، موضوعی که تا شده کنار گذاشته، سانسور شده و نادیده گرفته شده است. امیدوارم در آینده تمامی این‌ها فقط خاطره‌های تلخ گذشته باشند، در آینده‌ای درخشنده برای جامعه دگرباش ایران.





## تفتیش جنسیتی، شنود و تجاوز به حریم خصوصی

منتشر شده در ۱۸ تیر ۱۳۹۳ در وبسایت بی‌بی‌سی فارسی

حسن روحانی، در تبلیغات انتخاباتی خود از «فضایی امنیتی» صحبت کرده بود و در شعارهای انتخاباتی‌اش، تلاش برای کنار زدن آن را خواستار شده بود. این فضای امنیتی، از نماینده مجلس شورای اسلامی تا معمولی‌ترین شهروندان ایران را در بر می‌گیرد و اصل آن، مبتنی بر شنود و نظارت بر زندگی افراد در حریم خصوصی آنان است. به گونه‌ای که حمله به مهمانی‌ها، ردیابی سایت‌ها و وب‌لاگ‌ها و شنود تماس‌ها، دوستی‌ها و ارتباط‌ها از خبرهای عادی در ایران است و عجیب نیست وقتی می‌شنویم نیروهای پلیس انتظامی، به یک مکان عمومی یا خصوصی یورش برده‌اند و شهروندانی را به‌خاطر چگونگی پوشش آنها بازداشت کرده‌اند.

حکومت ایران، دست خود را باز می‌بیند تا هرگونه می‌خواهد که با شهروندان این کشور برخورد کند و در این زمینه به نظر مرزی هم نمی‌شناسد. چنان که حتی در فضای مجازی نیز سازمان‌های گوناگون، از سازمان امنیت سپاه گرفته تا پلیس فتا، در کنار دیگر فعالیت‌ها خود، بر زندگی عادی و مسائل خصوصی شهروندان نظارت می‌کنند. هم‌زمان با این نظارت سنگین بر زندگی و رفتارهای شهروندان، حکومت ایران نگاهی ویژه‌ای بر دگرباشان جنسی دارد. نگاهی که از یک سو، مراقب است حضور دگرباشان جنسی در سطح جامعه محسوس نباشد و از سوی دیگر در پی شناسایی شهروندان دگرباش جنسی است. از این رو زندگی آنان را زیرنظر می‌گیرد تا اگر خواست، به زندگی و حریم خصوصی آن‌ها یورش ببرد و به اتهام گرایش جنسی‌شان، آنها را تحت هرگونه فشار و تهدید به صدور حکم شلاق، زندان و اعدام قرار دهد.

### بی‌قانونی در قانون

با آنکه قانون مجازات اسلامی ایران رابطه همجنس‌گرایانه رضایت‌مندانۀ افراد بالغ را جرم می‌داند و برای آن مجازات تعیین کرده است، در هیچ‌کجای این قانون، اجازه‌ای به ارگان‌های حکومتی ایران داده نشده است تا زندگی شهروندان را زیرنظر بگیرند، آنها را تفتیش جنسیتی کنند و بر مبنای گرایش و هویت جنسی کسی را مجرم بشناسند و آزار دهند.

قانون اساسی ایران در **فصل سوم: حقوق ملت** اعلام می‌کند که حقوق شهروندی مردم ایران باید برابر و مساوی در اختیار آنان باشد و احدی مزاحم مردم در این موارد نشود. ایران همچنین قوانین متعدد بین‌المللی، از جمله قوانین حقوق بشر را امضا کرده است. با اینکه ایران موظف به اجرای این قوانین است، اما به نظر می‌رسد که حکومت گرایش و هویت جنسی شهروندان ایران را شامل این قوانین بین‌المللی نمی‌داند.

به گونه‌ای که محمدجواد لاریجانی، رئیس ستاد حقوق بشر قوه قضاییه ایران در پاسخ به احمد شهید، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور ایران، **می‌گوید:** «گزارشگر ویژه مدعی است که جمهوری اسلامی ایران به تعهدات خود درباره تضمین حق حیات شهروندان پایبند نیست و به نظر ایشان تبلیغ همجنسگرایان از حقوق مربوط به حق حیات است.»

سازمان ملل متحد جواب پاسخ مستقیمی به محمدجواد لاریجانی نمی‌دهد، اما کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل، **جزوه‌ای** را با عنوان «آزاد و برابر زاده شده‌ایم: گرایش جنسی و هویت جنسی بر اساس قوانین بین‌المللی حقوق بشر» منتشر کرده است. این جزوه پاسخی برای تمامی کسانی است که گرایش و هویت جنسی افراد را زمینه تبعیض می‌سازند و فکر می‌کنند می‌توان به تفتیش جنسیتی دست زد و افراد را به خاطر گرایش و هویت جنسی خود، مجرم شناخت و آنان را برای روابط شخصی در حریم خصوصی خود، مجازات کرد.

ناوی پیلا، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل، در مقدمه این کتاب می‌نویسد: «برخورداری دگرباشان جنسی از حقوقی برابر با دیگر افراد جامعه نه امری پیچیده است و نه زیاده‌خواهی. این موضوع بر دو اصل مهم قوانین بین‌المللی حقوق بشر استوار است: برابری و عدم تبعیض.»

طبق قوانین **بین‌المللی حقوق بشر**، ایران نه تنها نباید روابط رضایت‌مندانه افراد بالغ را جرم بداند، بلکه باید برابر قوانینی که خود آنها را قبول کرده و بر اجرای آنان **تعهد داده است**، برابری و رهایی از تبعیض تمامی شهروندان ایرانی را در برنامه کاری دولت خود قرار دهد. همچنین با خشونت‌هایی که ریشه در دگرباش‌ستیزی دارند، مقابله کند.

## درخواست از روحانی در چهارچوب حقوق شهروندی

سال گذشته، هنگامی که حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران، صحبت از تدوین و اجرای **منشور حقوق شهروندی** کرد و بحث اجرای «فصل سوم» قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، برای تمامی شهروندان کشور را پیش کشید، سازمان عفو بین‌الملل، دیده‌بان حقوق بشر، سازمان‌های **اقدام آشکار جهانی** و **ایرکو** در **نامه‌ای** مشترک خطاب به رئیس‌جمهور ایران، از او خواستند تا در چهارچوب حقوق شهروندی، امکان زندگی عادی برای شهروندان دگرباش جنسی ایران را نیز فراهم سازد.

در این نامه مشترک، این سازمان‌ها خواسته‌هایی مطرح کردند، همچون پایان دادن به تبعیض یا آزار و تعقیب و مجازات افراد به خاطر گرایش واقعی یا متصور جنسی یا هویت جنسیتی آنان و تضمین این که همه افراد، صرف نظر از گرایش جنسی یا هویت جنسیتی خود، از خشونت و انزوای اجتماعی در امان باشند. مطالباتی که شاید ایده‌آل به نظر برسند، اما بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی امروز مردم جهان است.



## نظام‌های تادیب و حذف

### حضور مجازی همجنس‌گرایان در دنیای واقعیت

منتشر شده در صفحه دگرباش وبسایت رادیو زمانه، ۲۷ تیر ۱۳۹۲

#### پیش‌درآمد: ساخت و ابراز وجود در فضای مجاز

محمود احمدی‌نژاد در دانشگاه کلمبیا در شهر نیویورک با صدایی رسا می‌گوید: «در ایران همجنس‌باز وجود ندارد.»<sup>۱</sup> او نماینده کشوری است که در آن سیاستمدار، نویسنده، هنرپیشه، مجری تلویزیون یا هیچ‌کس چهره تأثیرگذاری داخل و درون جامعه نیست که به طور علنی همجنس‌خواه باشد. او نماینده کشور با مذهب رسمی برای زندگی مردم و برای قوانین خود است و طبق این قوانین، همجنس‌خواهی نمی‌تواند آشکارا درون جامعه دیده بشود.

فارغ از این موضوع که چه برداشتی از نحوه کنش‌های درون جامعه ایران داشته باشیم، احمدی‌نژاد در شرایطی صحبت می‌کرد که سال‌ها بود ایران مجهز به دنیای مجازی شده بود و واقعیت، به‌جز اشکال حقیقی خود، با شکل‌های سایبر خود نیز در ذهن نسل‌ها و طبقه‌های مختلف جامعه وجود خارجی داشت. این واقعیت مجازی، ابزاری در دست همجنس‌گرایان ایرانی است و از آن برای بیان وجود خود استفاده می‌کنند. در این مقاله سعی می‌شود تا نگاهی تحلیلی به این ابزارها و بازخوردهای حذف‌کننده دولت ایران در مواجهه با حضور محسوس همجنس‌گرایان در فضای اینترنت ارائه بشود.

همجنس‌گرایان با استفاده از فضای مجازی، توانستند خود را به آگاهی مجهز کنند و با تجهیز تدریجی خود به آگاهی، تلاش کردند تا روابط قدرت را در جامعه تغییر بدهند. این موضوعی است که در این مقاله بررسی خواهد شد: چگونه همجنس‌گرای ایرانی از انکار دولت، جامعه و مذهب با استفاده از ابزار مجاز دور می‌شود و بدنه‌ای غیر واقعی برای خود واقعی خویش بنا می‌کند؛ ساختمانی که امروز هرچند نیمه‌کاره باقی مانده، اما حتی ستون‌های برخاسته‌اش باعث وحشت دولت، جامعه و مذهب سنتی ایران شده است. در نتیجه مکانیسم‌ها و نظام‌های سرکوب و حذف، رودرروی برافراشته شدن این بنا قرار گرفته‌اند.

۱. برگرفته از ویکی‌پدیای فارسی از سفر محمود احمدی‌نژاد به شهر نیویورک و سخنرانی در دانشگاه کلمبیا

## بدن مجازی

روزنامه گاردین در ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۱ می‌نویسد: «ما همه‌جا هستیم: گی‌ها و لزیب‌های ایرانی در فیس‌بوک برون‌آیی می‌کنند.»<sup>۲</sup> مقاله اشاره به صفحه‌ای در شبکه اجتماعی فیس‌بوک دارد که در آن گروهی از همجنس‌گرایان ایرانی، فیلم‌هایی ویدئویی از خود منتشر کرده بودند و در آن به هویت خود، زندگی خود و برخوردهای جامعه اشاره می‌کردند. نام این صفحه، «ما همه‌جا هستیم»<sup>۳</sup> بود.

روزنامه «گاردین» از یکی از متن‌های ویدئو نقل می‌کند: «به عنوان یک شخص همجنس‌گرا، بزرگ‌ترین مشکل من این است که نمی‌توانم با خود واقعی‌ام در جامعه باشم. همیشه باید نقش بازی کنم. همیشه باید وجود خودم را سرکوب کنم و بخشی از هویت خودم را سرکوب کنم و به خاطر وحشت‌هایم از جامعه و مشکلات واقعی که با آنها روبرو هستم، خودم را پنهان نگه دارم.»

این مقاله مثالی است از حضور همجنس‌گرایان ایرانی، و رای وحشت‌هایی که جامعه و دولت برایشان خلق کرده‌اند. این جامعه پراکنده و دور از هم، در فضای ناشناس و سرکوب شده جامعه، تحت فشارهای امنیتی دولت، خود را در فضای مجازی بازسازی کرده است. این جامعه، «بدن» خود را از حقیقت به مجاز کشانده است و توانسته واقعیتی جدید برای خود خلق کند و در این واقعیت خود را نشان بدهد.

## بازی «ناشناس‌ها» با قدرت

بعد از انقلاب ایران، در سال ۱۹۷۹، میشل فوکو وارد این کشور شد. او در آن زمان مشتاق هنرمندی بود که محدودیت‌های منطق ذهن را کنار بزند و خود با علاقه‌ای فراوان در دفاع از غیر منطقی‌هایی می‌گفت که مرزها را در هم خرد می‌کردند. او مثال خودش را داخل ایران و انقلاب مذهبی این کشور می‌جست.<sup>۴</sup> از همان زمان، علاقه‌ای در ذهن جامعه روشنفکر ایرانی نسبت به فوکو شکل گرفت و بعدها، او جزو مثال‌هایی از اندیشه بود که در ایران منتشر می‌شد و کتاب‌ها و مقاله‌هایش، محبوبیت ویژه‌ای در این جامعه دارند.

فوکو مبحث «قدرت» را در اندیشه خود مطرح می‌کند و این احتمال جدی وجود دارد که در تفکر دولتی با مدیریت محمود احمدی‌نژاد، موضوع «قدرت» مسئله‌ای اصلی برای هدایت جامعه باشد. فوکو ارزش‌گذاری نمی‌کند و تفکیک قائل نمی‌شود. او نمی‌گوید سنت بهتر از مدرنیته است، اما دولت ایران، اهمیت فراوانی برای ارزش‌گذاری قائل است، این دولت سعی می‌کند ظاهری منزّه و آراسته از خود نشان بدهد. سعی می‌کند تا کشوری بسازد که بی‌شباهت به دولت‌شهر افلاطون نیست: بسیاری به آن راه ندارند. از جمله همجنس‌گرایان. این دولت سعی می‌کند وجود این بخش از جامعه را از ابتدا پاک شده و نبوده مطرح کند.

۲. لینک مقاله به زبان انگلیسی در روزنامه‌ی گاردین

۳. این صفحه از فضای فیس‌بوک حذف شده است و با وجود تلاش‌های ادمن، راهی برای بازگشت آن فعلاً موجود نیست. در حقیقت، این صفحه را از ادمن دیدند - مشخص نیست چه کسی - و کسانی که صفحه را در اختیار گرفته‌اند، آن را از فضای فیس‌بوک حذف کرده‌اند.

4. Janet, Afary & Kevin, Anderson (2005). Foucault and the Iranian Revolution: Gender and the Seductions of Islamism. ChicagoUniversity Press, pp. 13

فوکو گفته است: «قدرت یک سازمان اجتماعی نیست، یک ساختار نیز نیست؛ همچنین ویژگی در دستان کسانی نیست که بر اساس آن تحکیم کنند؛ تنها نامی است که اشاره به وضعیت خاص استراتژیک در یک جامعه مشخص دارد.»<sup>۵</sup>

این حرفی است که جامعه همجنس‌گرای ایرانی، بی‌هیچ‌گونه رسمیتی در فضای مجازی اجرا می‌کند: قدرت تنها نامی است مشخص برای یک وضعیت مشخص و می‌توان برای تغییر آن گام برداشت. تغییر به سمت شناخت خود، به سمت آگاهی دادن به جامعه و تغییر به سمت تلاش برای حضوری حقیقی در داخل جامعه ایرانی، داخل یا خارج از مرزهای کشور.

### ساخت دموکراسی در فضای استبداد

در حقیقت بدنه همجنس‌گرای ایرانی، با فعالیت‌های جداگانه خویش تلاش کرده است تا در محدوده فضای سایبر برای خود یک «دموکراسی مجازی»<sup>۶</sup> برقرار کند. این عنوانی است که دکتر مارک پوستر در مقاله «دموکراسی سایبر: اینترنت و فضای عمومی» به آن پرداخته و خود اشاره می‌کند: «... شهروندان بیشتری دچار آسیب و سوءاستفاده می‌شوند و حقوق شهروندی‌شان زیر پا گذاشته می‌شود و این رویدادها بیشتر از آنکه توسط تروریست‌ها صورت بگیرد، توسط دولت اجرایی می‌شود.»

همجنس‌گرای ایرانی باید تأثیر جامعه و هراس‌های جامعه از هویت جنسی خود را نیز به دولت اضافه کند و فشارها، سوءاستفاده‌ها، سوءبرداشت‌ها و سوءتعبیرها نسبت به خود را در این مجموعه گسترده و متضاد خود، تصحیح کند. همچنین همجنس‌گرای ایرانی باید آشکارا بگوید این هراس‌ها از داخل تن او شروع می‌شود، ولی به شناخت او از خویشتن منجر می‌شود و در تلاش‌هایش برای ساخت هویت فردی و اجتماعی خود، منجر به این می‌گردد تا با جامعه خود و تعریف‌های سنت و مذهب از خود به تضاد و مقابله برخیزد. او باید با خانواده، فامیل، دوستان، مدرسه و دانشگاه، محل کار، خیابان، شهر، کشور و دیگر اشکال جامعه هر روز در جهان واقعیت دست به گریبان باشد و ابزار امروز او، دنیای مجاز شده است و از این طریق می‌سازد و دیده می‌شود.

کارتین هلن پایشوسکی می‌گوید: «هنگامی که به رابطه جنبش‌های سایبر و دولت نگاه می‌کنیم، باید ابتدا رهیافت‌های تئوریک موجود خودمان درباره‌ی سؤال‌های موجود را به چالش بکشیم. باید به جای تمرکز بر سئوالاتی مانند رابطه جنبه‌های مختلف و در تضاد جامعه با دولت در شرایط کنونی، باید بر این متمرکز بشویم که جنبش‌های سایبر و جنبه‌های مختلف جامعه چگونه توانسته‌اند با ابزارهای موجود، درک کنونی دولت از جامعه را به چالش بکشند.»<sup>۷</sup> خب، چگونه همجنس‌گرای ایرانی توانسته است درک کنونی دولت از جامعه را به چالش بکشد؟

5. [http://www.brainyquote.com/quotes/authors/m/michel\\_foucault.html](http://www.brainyquote.com/quotes/authors/m/michel_foucault.html)

6. <http://www.hnet.uci.edu/mposter/writings/democ.html>

7. <http://www.uni.edu/palczews/cybermovements.htm>



## «من» تعریف می‌کنم، «من» می‌سازم

چرا همجنس‌گرا، متن و ابزار وجود خود را در یک دهه گذشته، در اینترنت جستجو است؟ هویت، موضوع ساده‌ای نیست. هویت یک انسان همجنس‌گرا، موضوعی است پیچیده، مخصوصاً وقتی که در بافت جامعه و دولت مذهبی و سنت‌گرای ایران قرار گرفته باشد.

هویت یک انسان، موضوعی است مرتبط با واقعیت‌های زندگی او و واقعیت‌های زندگی را نمی‌توان مطابق خواسته‌های جامعه یا دولت تغییر داد. بر همین مبنا، همجنس‌گرای ایرانی تلاش کرده است تا هویت خودش را شخصاً بسازد، جامعه خودش را فردا بسازد و شکل بدهد و سرانجام سعی کرده است این ساخت «خود» و این ساخت «من» را به جهان بیرون منتقل کند.

برای این انتقال، ابزاری قوی، ناشناس و آزاد روبه‌روی او قرار گرفته است: اینترنت. مکانی که بتواند به هر شکل که دلش می‌خواهد، خود را بیان کند. خواه به شکلی فلسفی و مبتنی بر اندیشه باشد یا شکلی مبتنی بر آمیزش و احساس‌های جنسی درونی او.

بیان «من» و ساخت «من» برای یک همجنس‌گرا در ایران، به معنای مبارزه با احساسات درونی او و پیروزی یافتن بر خویشتن، مبارزه با خانواده، فامیل، دوستان، جامعه، یعنی مبارزه با همجنس‌گراستیزی، مبارزه با بافت مذهبی و مبارزه با سنت درونی جامعه است. همچنین او باید در مقابل اندیشه دولت نوشته شده در چهارچوب قانون قرار بگیرد: در این چهارچوب، به جز مجازات هیچ چیزی برای یک همجنس‌گرا نوشته نشده است.<sup>۸</sup>

همجنس‌گرای ایرانی سعی کرده است «فضای خصوصی» خودش را به «فضای عمومی»<sup>۹</sup> جامعه‌اش وارد کند. برای این عمل، از ابزار اینترنت استفاده کرده است و همچنین او در این میان، سعی کرده است جایگاهی حقیقی در دنیای مجاز خلق کند.

او با این عمل خود، امنیت روانی جامعه را زیر سؤال برده است و دولت، در شکل نماینده جامعه‌ای مذهبی و سنت‌گرا، روش‌هایی برای مبارزه با این حضور را اجرایی کرده است. یعنی همجنس‌گرای ایرانی توانسته است روابط قدرت داخل ایران را درهم بریزد، توانسته است جامعه و حکومت را متوجه خود کند و در این میان، اول از همه با خشونت و تلاش برای حذف شدن مواجه شده است: با ابزارهای تنبیه و مکانیسم‌های حذف که خواستار سکوت، عدم حضور و نبودن او در این جامعه هستند؛ جامعه‌ای که همیشه تلاش می‌شود ایده‌آل و اسلامی و مبتنی بر ارزش‌ها توسط دولت، نقش زده شود.

بیشتر از ده سال است تقابل بین دولت و همجنس‌گرای ایرانی، از طریق ابزارهای اینترنتی و مجازی وجود داشته است و به تدریج به زندگی خصوصی و واقعی همجنس‌گرایان نشت کرده است: وحشت‌ها واقعی‌تر شده‌اند، همان‌طور که این روزها اینترنت یک شاخه واقعی و اجرایی در پلیس ایران دارد.

8. <http://www.radiozamaneh.com/52003#.UVU9sxxHJ5c>

9. [https://en.wikipedia.org/wiki/Public\\_sphere](https://en.wikipedia.org/wiki/Public_sphere)

## مکانیسم‌های تادیب

حضور همجنس‌گرا در سطح مجاز، عذابی است بر جامعه بسته همجنس‌گرا ستیز. عکس‌العمل این جامعه، به شکل‌های ساده‌ای مانند فیلترینگ و مسدود کردن ابزارهای حضور همجنس‌گرایان در فضای وب، مانند وبلاگ‌ها، وبسایت‌ها، مجله‌ها، شبکه‌های اجتماعی و غیره شروع شد.

البته این تنها بخشی از سرکوبی گسترده‌تر بود که دولت و بخشی از جامعه ایران، بر کلیت کشور اعمال می‌کند: محدودسازی روش‌ها و ابزارهای انتقال اطلاعات از خارج به داخل کشور، تا دولت و این بخش از جامعه، بتواند تضمینی بر بقای خود بیابد.

چون آگاهی ابزاری است که آن‌ها را به شکل‌های مختلف زخمی می‌کند و آپارتاید بسته آنان را به شکل‌های مختلف از هم باز می‌کند و به جامعه اجازه می‌دهد نگاهی بازتر به واقعیت‌ها داشته باشد. در دنیای واقعیت‌های امروز، گذشته فراموش می‌شود و دولت و این بخش از جامعه ایران، گذشته هستند.

واقعیت می‌گوید همجنس‌گرای ایرانی، برخلاف حرف‌هایی مانند صحبت‌های محمود احمدی‌نژاد در دانشگاه کلمبیا، در همه‌جایی هستند و در همه‌جایی حضور دارند. البته، امروز حضور همجنس‌گرای ایرانی را می‌توان بیشتر و پرقدرت‌تر از هر کجایی، در فضای مجاز با ابزار اینترنت تماشا کرد.

دولت و مذهب و سنت ایرانی، تلاش می‌کند با وحشت‌آفرینی، با سرکوب مجازی و با قوانین حقیقی، هویت وجودی همجنس‌گرای ایرانی را از جلوی چشمان مابقی جامعه، کنار بزند و بر حرف خود تاکید کند که چنین انسان‌هایی در ایران، وجود خارجی ندارند: ما از این‌ها نداریم.

همجنس‌گرای ایرانی، توانسته است از طریق اینترنت، نظامی آموزشی برای خود و برای جامعه خلق کند و تصویر نامرئی خود را به تدریج مرئی و به تدریج تصویری رنگ گرفته داخل واقعیت جامعه کند. بیشتر از ده سال است تقابل بین دولت و همجنس‌گرای ایرانی، از طریق ابزارهای اینترنتی و مجازی وجود داشته است و به تدریج به زندگی خصوصی و واقعی همجنس‌گرایان نشت کرده است: وحشت‌ها واقعی‌تر شده‌اند، همان‌طور که این روزها اینترنت یک شاخه واقعی و اجرایی در پلیس ایران دارد.

وحشت‌ها جدی‌تر شده‌اند چون به جز سازمان‌های امنیتی سابق مانند، وزارت اطلاعات و امنیت ایران، سازمان‌های موازی، مخصوصاً سازمان امنیت و اطلاعات سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران نیز ماه‌هاست به شکلی بسیار جدی و سازمان‌یافته، زندگی همجنس‌گرای ایرانی را زیر نظر دارد و حتی بازداشتگاه‌هایی غیر قانونی برای برخورد با این بخش از جامعه آماده دارد و در برخی موارد، از این ابزارها استفاده حقیقی نیز کرده است.

## در پایان

فاصله‌ای جدی بین حکومت و بخش سنت‌گرا و مذهبی جامعه ایران، با واقعیت‌های داخلی این جامعه و همچنین جوامع بیرون از ایران، چه ایرانی و چه جوامع غیر ایرانی، خلق شده است و این فاصله رو به گسترش است. در

این فاصله، همجنس‌گرای ایرانی بندبازی می‌کند و تلاش می‌کند از یک سو با ابزارهای مدرن، حقیقت خود را بسازد، حفظ کند و گسترش بدهد و از سویی دیگر، مجبور است تا در فاصله‌ای دورتر، به واقعیت‌های داخل ایران، آویخته باقی بماند.

باید صبر کرد و دید در آینده این روند، همجنس‌گرای ایرانی را به کدام سمت می‌رانند، او، خود خواستار پیروزی‌های بیشتری است، اما واقعاً چه خواهد شد؟ دولت ایران به صورتی گسترده از ابزارهای خشن و قانونی داخلی خود استفاده خواهد کرد یا با سرکوب‌های مجازی سعی می‌کند سکوت را به زور به حلق این جامعه فرو کند و آنها را به گذشته نامرئی خود بازگرداند؟

نتیجه هر چه باشد، این تقابل و تضادها در داخل جامعه ایران، مانند هر جامعه دیگری در جهان ادامه خواهد یافت، چون پاک کردن و ساکت نگهداشتن و سرکوب کردن واقعیت و حقیقت، چه در شکل مجازی و چه در شکل واقعی، عملی پایدار و ممتد نخواهد بود.



## حمله‌های همجنس‌گراستیز مقامات حکومتی

### نگرانی‌های حکومتی نسبت به عرفی‌سازی همجنس‌خواهی

منتشر شده در صفحه دگرپاش وبسایت رادیو زمانه، ۱۳ خرداد ۱۳۹۳

موج جدید همجنس‌گراستیزی مقامات ارشد جمهوری اسلامی ایران در هفته‌های اخیر در رسانه‌های مختلف وابسته به خود موجود است و همه جا هم نامی از غرب برده می‌شود.

آیت‌الله علی خامنه‌ای در آخرین دیدار خود با اعضای مجلس خبرگان رهبری می‌گوید: «شکست در عرصه اخلاقی و پایمال شدن انسانیت و پدیدار شدن هویت اصلی تمدن غربی مبتنی بر اومانیزم را یکی دیگر از نشانه‌های برهم خوردن آرامش ظاهری جبهه استکبار است. قتل و غارت و خشونت، فساد و شهوت‌رانی‌های مسخ‌کننده همچون ترویج ازدواج همجنس‌گرایان، حمایت صریح از تروریسم خشن و وحشی در منطقه و اهانت آشکار به مقدسات و بزرگان دین، نمونه‌های عینی از شکست تمدن غرب در مسائل اخلاقی است.»<sup>۱</sup>

ارتباط مساله همجنس‌گرایی با غرب، از نگاه مقامات جمهوری اسلامی روشی برای تحقیر غرب و گرفتن برتری اخلاقی در چارچوب باورهای اخلاقی مخصوص خود ایشان است.

از امامان جمعه شهرهای مختلف بگیریید تا رئیس قوه قضائیه، آیت‌الله آملی لاریجانی که می‌گوید: «غربی‌ها با تولید فیلم‌های مستهجن و مبتذل و پخش و ترویج آن از طریق ماهواره‌های فارسی زبان در صدد ضربه زدن به بنیان‌های خانوادگی هستند و بر اساس گزارش‌های رسیده آنان در چنین شبکه‌هایی، حتی در پی ترویج همجنس‌گرایی و طبیعی جلوه دادن آن هستند و متأسفانه چنین حرف‌هایی را به عنوان حرف‌هایی علمی مطرح می‌کنند که انسان را واقعاً متأسف می‌کند.»<sup>۲</sup>

1. <http://farsnews.com/newstext.php?nn=13921215000568>

2. <http://www.dadiran.ir/Default.aspx?tabid=2351&articleType=ArticleView&articleId=75605>

به تدریج مقامات نظامی هم وارد این موج همجنس‌گرا ستیز می‌شوند. سردار نقدی، رئیس سازمان بسیج مستضعفین می‌گوید: «آنها در حالی برای ما شرط می‌گذارند که باید همجنس‌بازی را آزاد کنید که حتی اگر حیوانات را هم رها کنید، همجنس‌بازی نمی‌کنند.»<sup>۱</sup>

در فاصله‌ای نزدیک به صحبت‌های سردار نقدی، سرلشکر فیروزآبادی قطعنامه اخیر اروپا را «قطعنامه‌ای سراسر مغایر حقوق بشر» می‌خواند و می‌گوید: «بخش آخر این بیانیه نشان می‌دهد که اروپا همه امیدش به عمل شنیع همجنس‌بازان ختم می‌شود؛ که ضد حقوق طبیعی انسان‌ها و مغایر آموزه‌های پیامبران بزرگ الهی و دین مقدس اسلام است.»<sup>۲</sup>

فشارها بر جمهوری اسلامی بر سر مسئله حقوق بشر بالا گرفته است. مقامات جمهوری اسلامی می‌دانند در راستای مذاکرات بر سر مسئله انرژی هسته‌ای (اگر بتواند در این موضوع به موفقیتی دست پیدا کند) مجبور هستند با گفتمان‌های حقوق بشر در دنیای امروز روبه‌رو شوند. این گفتمان‌ها از اعدام‌ها و وضعیت زندان‌های ایران گرفته تا آزادی بیان، حق آزادی تجمع و حقوق اقلیت‌ها را مطرح می‌کنند.

حقوق همجنس‌گرایان، دوجنسگرایان و تراجنسیتی‌ها نیز بنا بر قراردادهای بین‌المللی که ایران آن‌ها را امضاء کرده است، مطرح‌اند و جامعه جهانی اجرای آن‌ها را انتظار دارد. یکی از مباحثی که در این قوانین مطرح شده است، برابری انسان‌ها با توجه ویژه به گوناگونی گرایش جنسی یا هویت جنسیتی آنان است.<sup>۳</sup>

نگرانی‌های مقامات ایرانی از اجبار به قبول تغییرات گسترده اجتماعی آن چنان بالاست که آیت‌الله دری نجف‌آبادی را وادار می‌سازد بگوید، «استانداردهای اتحادیه اروپا تروریسم و همجنس‌بازان است.»<sup>۴</sup>

پیش از آنکه حملات جدید و گسترده همجنس‌گرا ستیز مقامات ارشد ایران علیه همجنس‌گرایی و برابری ذاتی انسان‌ها شروع شود، فعالیت‌های دیگری در پایگاه «مهرخانه» شروع شده بود تا با عنوان «عرفی‌سازی همجنس‌گرایی» یورشی همجنس‌گراستیز را شروع کنند.

یورشی که در ظاهری علمی و با کمک فلسفه و نظریه‌های قرن ۱۸ و ۱۹ در اروپا در خصوص توضیح علاقه انسان‌ها به رابطه جنسی با همجنس، به غرب یورش برد.

### «مهرخانه» و همجنس‌گرا ستیزی با کمک «علم»

پایگاه «مهرخانه»، پایگاهی اینترنتی برای زنان و خانواده است که پرونده‌ای با عنوان «عرفی‌سازی همجنس‌گرایی» منتشر کرده است.<sup>۵</sup> پرونده‌ای در سایتی که فیلتر نیست و فیلتر نخواهد بود. آن هم در کشوری که هرگونه اشاره

1. <http://farsnews.com/newstext.php?nn=13930114000426>

۲. لینک خبر در ایسنا موجود بود ولی هم‌اکنون خبر حذف شده است.

۳. برای مطالعه‌ی بیشتر، «آزاد و برابر زاده شده‌ایم» را بخوانید.

۴. از وبسایت خبری نامه در این لینک

۵. پرونده در این لینک موجود است.



به همجنس‌گرایی، نه تنها باعث سانسور گسترده حکومتی می‌شود، بلکه ممکن است باعث تعطیلی موسسه‌ای شود که بحث آن را مطرح کرده است.<sup>۶</sup>

پایگاه «مهرخانه» با سفری تاریخی به اروپای قرن ۱۸ و ۱۹، سعی می‌کند از متون تولید شده در این دوران برای متزلزل کردن جایگاه گفتمان‌های حامی حقوق دگرباشان جنسی در دوران معاصر و به ویژه در کشورهای غربی استفاده کند.

هفته مقاله در این پرونده منتشر شده‌اند. نویسندگان مقالات، تمرکز خود را در کنار موضوع همجنس‌گرایی، به موضوع زنان همجنس‌گرا و تراجنسی و حقوق آنان اختصاص داده‌اند. در کنار آن مباحثی در مورد رسانه‌ها، حقوق، علم، مدرنیسم و سازمان‌ها و چهره‌های مختلف در سوژه همجنس‌گرایی مطرح شده است.

این پایگاه در بخش معرفی وبسایت، اصلی‌ترین هدف خود را در پرداختن به مسائل مربوط به جنسیت «فاصله گرفتن از نقد سنت‌های غلطی که بعضاً به نام اسلام بازتولید می‌شود و رویکردهای جدیدی که بر بستر مدرنیته روییده و ریشه در اندیشه‌های غیرالهی دارند» معرفی می‌کند. برای پایگاه «مهرخانه» اصل «اسلام ناب محمدی» و بنیان خانواده است.<sup>۷</sup>

پایگاه «مهرخانه» با سفری تاریخی به اروپای قرن ۱۸ و ۱۹، سعی می‌کند از متون تولید شده در این دوران برای متزلزل کردن جایگاه گفتمان‌های حامی حقوق دگرباشان جنسی در دوران معاصر و به ویژه در کشورهای غربی استفاده کند.

در این سفر تاریخی، توشه راه خوانش‌های ویژه ادیان ابراهیمی در محکوم کردن و غیر طبیعی جلوه دادن رابطه همجنس با همجنس است. اما به واسطه فتوی آیت‌الله خمینی در مورد تغییر جنیست، تراجنسیتی‌ها نه تنها در این نگاه «ارزشی» مصونیت یافته‌اند بلکه نویسندگان سایت «مهرخانه» نگران وضعیت حقوق تراجنسیتی‌ها در کشورهای غربی هم هستند.

## دفاع از رد همجنس‌گرایی

صحت ظاهراً از بحث علمی است؛ این جایگاهی که وبسایت «مهرخانه» برای خود قائل شده است و هم‌زمان این ذهنیت را در خواننده خلق می‌کند که با بحثی بی‌طرفانه روبه‌رو خواهد شد چون بحث علمی است. هرچند در مقالات منتشر شده در سایت، از همان ابتدایی‌ترین پاراگراف‌های هر متن، بدبینی به رابطه جنسی با همجنس، حس می‌شود.

سوسن تاری در مقاله «چرا از همجنس‌گرایی حمایت می‌شود؟»<sup>۸</sup> چنین نوشتار خود را شروع می‌کند:

۶. خبر تعطیلی روزنامه‌ی شرق نقل از خبرگزاری فارس به‌خاطر مصاحبه با ساقی قهرمان.

۷. بخش «درباره‌ی ما» در وبسایت مهرخانه

۸. لینک به مقاله

«حامیان همجنس‌گرایی لزوماً از یک طیف مشخص نیستند و همگان را نمی‌توان در جرگه مرتکبین همجنس‌بازی در نظر گرفت. درحالی‌که اصالتاً حمایت از این رویکرد، نظیر هر پدیده اجتماعی دیگر، با عادی‌سازی و مشروعیت بخشیدن به این رویکرد می‌تواند برای قرن‌ها دایره روابط بشری، تولید نسل، میزان اعتماد و آرامش اجتماعی را به صورت جدی تحت‌تاثیر قرار دهد.»

همچنین مهدیار صبوری در ابتدای مقاله خود می‌نویسد: «حمایت از حقوق همجنس‌گرایان و تلاش جهت مشروعیت‌بخشی به چنین روابطی از جمله موضوعاتی است که در عرصه نهادهای بین‌المللی طی چند سال اخیر مورد توجه قرار گرفته و بدیهی است که واکنش اعضای جامعه بین‌المللی به این موضوع یکسان نبوده و بسیاری از دولت‌ها و بازیگران بین‌المللی به مخالفت شدید با طرح آن پرداخته‌اند. دولت‌های اسلامی نیز در خیل معترضان در اعلام مواضع رسمی خود، این اعتراض را ابراز نموده‌اند.»<sup>۹</sup>

جنبش دفاع از حقوق همجنس‌گرایان، راهی طولانی در کشورهای غربی طی کرد تا به این نقطه برسد که قوانین بین‌المللی، سازمان جهانی بهداشت و سازمان ملل متحد را به پذیرش خود وادار کند. حتی راهی طولانی‌تر طی کرد تا به این نقطه برسد که نحوه رفتار با همجنس‌گرایان<sup>۱۰</sup> یک کشور، تبدیل به سنجشی برای درک وضعیت حقوق بشر و اجرای قوانین بین‌المللی، در یک کشور شده باشد.

در سفر تاریخی خود، سایت «مهرخانه» در مورد دوران تاریخی‌ای که جنبش‌های دگرباشان جنسی در کشورهای غربی فعال شدند و گفتمان‌های حقوق دگرباشان جنسی را مطرح کردند، دچار فراموشکاری تاریخی می‌شود. بحث‌هایی که در زمینه حقوق و هویت جنسی در جهان امروز مطرح می‌شود را هیچ‌گاه حکومت ایران به عنوان یک فرصت برای تعدیل مواضع حقوق بشری خود در نظر نگرفته است.

ایران نیز مانند دیگر کشورهای جهان، توسط شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد<sup>۱۱</sup>، گزارشگر ویژه در موضوع حقوق بشر ایران (احمد شهید)<sup>۱۲</sup> و دیگر سازوکارهای سازمان ملل متحد، مکرر در موضوع وضعیت دگرباشان جنسی ایران، مورد سنجش و بررسی قرار می‌گیرد. سوال‌هایی جدی روبه‌روی حکومت ایران قرار گرفته است که دیر یا زود، باید پاسخگوی آنها باشد.<sup>۱۳</sup>

بحث‌هایی که در زمینه حقوق و هویت جنسی در جهان امروز مطرح می‌شود، آن را هیچ‌گاه حکومت ایران به عنوان یک فرصت برای تعدیل مواضع حقوق بشری خود در نظر نگرفته است، بلکه آنها را به دیده شک نگاه می‌کند.

۹. لینک به مقاله

۱۰. همجنس‌گرایی یک کلمه کلی در این مقاله است ولی علاوه بر همجنس‌گرایان مرد و زن - گی‌ها و لزبین‌ها - شامل بر دوجنس‌گرایان می‌شود و همچنین شامل بر اقلیت‌های جنسی مانند دوجنس‌ها یا تراجنسی‌ها خواهد شد که الزاماً همجنس‌گرا نیستند، اما حقوق‌شان در کنار حقوق همجنس‌گرایان در قوانین بین‌المللی بررسی می‌شود. در مقاله به‌جای کلمه جامع‌تر دگرباش جنسی، از همجنس‌گرایی استفاده شده است، چون سایت مهرخانه، این کلمه را برای نوشتن مقالات خود در کنار کلمه همجنس‌بازی استفاده کرده است و نویسنده نمی‌خواهد باعث گیجی خواننده شود.

۱۱. توضیح بیشتر در این لینک

۱۲. در این لینک

۱۳. توضیح بیشتر در این لینک

یعنی برای هر کدام از سوال‌ها و ایرادها، قیدهایی مطرح می‌کند و در نتیجه آنان را ناقص و مخالف با روح قوانین داخلی، مذهب حاکم بر کشور و عرف جامعه می‌شناسد.

برای نمونه در بحث اصول یوگیاکارتا<sup>۱۴</sup> «منشوری که برای گرایش جنسی و هویت جنسی شکل گرفت»، ایران آن را قبول نکرد و ایرادهایی را به این بیانیه وارد دانست.

حکومت ایران سعی می‌کند سوال‌های مربوط به حقوق دگرباشان جنسی را از منظر فلسفی و منطقی رد کند. یا در مباحث مربوط به حقوق بشر، حکومت حاکم سعی می‌کند از نام «حقوق بشر اسلامی» استفاده کند و به این شکل با وجود قبول قوانین بین‌المللی و تصویب و امضای آنان، از اجرایشان سرباز زند.

یعنی حکومت ایران سعی می‌کند سوال‌های مربوط به این مباحث را از منظر فلسفی و منطقی رد کند، یعنی این دسته سوال‌ها و ایرادهای وارد بر خود را از چهارچوب مشخص حقوق به دنیای بی‌مرز بحث‌ها و جدل‌های ذهنی و انتزاعی بکشاند.

این راهی است موثر و ظریف در مردود شمردن چنین سوال‌هایی؛ به این شکل، درمجادله‌ای که بین مفهوم و منطوق<sup>۱۵</sup> (اصطلاح حقوقی است) خلق می‌شود، اصل مبحث به دست فراموشی سپرده می‌شود و درنهایت ذهن مخاطب را خسته باقی می‌گذارد. این تقریباً سیاست «پاسخ بی‌پاسخی» است که حکومت ایران مکرر آن را در عمل اجرا کرده است و همچنان بر اجرای آن، مُصر است.

### شباهت‌ها به نگاه حکومتی

نگاه سایت «مهرخانه» به موضوع «عرفی‌سازی همجنس‌گرایی»، شباهت‌هایی پایه‌ای با نگاه دبیر ستاد حقوق بشر قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران، محمد جواد لاریجانی، دارد که در پاسخ شفاهی خود در مقر سازمان ملل به گزارش احمد شهید<sup>۱۶</sup>، ابتدا دست بر این گذاشت که کشورهای غربی تا همین چند دهه پیش، همجنس‌گرایی را ممنوع و بیماری می‌دانستند.

در ایران نیز مانند دیگر بخش‌های جهان، عده‌ای در جایگاه قدرت فکر می‌کنند مسائلی مانند موضوع همجنس‌گرایان و دگرباشان جنسی، پدیده‌ای نو و عاری از ریشه‌های تاریخی است.

سپس نگاه داخلی حکومت ایران به موضوع همجنس‌گرایی را مطرح ساخت که «در کشور ما همجنس‌گرایی یک مرض و کاری نادرست و قابل پیگرد است»، سپس بحثی فلسفی در موضوع «حق حیات» با توجه به نظرات ارسطو مطرح ساخت و سپس سوال خود را پرسید:

۱۴. توضیح بیشتر در این لینک

۱۵. توضیح بیشتر در این لینک

۱۶. توضیح بیشتر در این لینک

«اگر مقصود این باشد که افراد زنده حق داشته باشند کارهایی را انجام دهند ولو کار بد، این معنایش بحث این است که شهروندان حقی برای انجام کار خلاف دارند یا نه؟ این یک بحث نظری است و هیچ ربطی به اسناد سازمان ملل ندارد و این اسناد ضعیف‌تر از پرداختن به این مسائل فلسفی هستند.» درنهایت او وضعیت حقوق بشر حاکم در کشورهای غربی، مخصوصاً در بریتانیا و آمریکا را مطرح ساخت و این وضعیت را محکوم کرد.

سایت «مهرخانه» تلاش می‌کند تا با عینیت بخشیدن تئوریک به مباحث حکومتی یا شرعی جمهوری اسلامی ایران، در عین حال از وضعیت حاکم بر کشور دفاع کند و از سویی دیگر، به غرب اعتراض کند؛ مخصوصاً به وضعیت حقوق بشر زنان لژیون و زنان تراجنسی در این کشورها. در مقالات این سایت، حتی بعضاً تمایزی بر کلمه «همجنس‌گرا» که معنایی مثبت در فرهنگ علوم اجتماعی دارد و «همجنس‌باز» که معنایی منفی دارد، قائل نمی‌شوند.

مثلاً رضوانه سهیلی در مقاله «مخالفین همجنس‌گرایی را بشناسیم»<sup>۱۷</sup> می‌نویسد: «اخیراً پدیده‌ای به نام «یارگیری برای همجنس‌بازی» مطرح شده که در آن همجنس‌بازان در قالب فرزندخواندگی کودکانی را که به فرزندخواندگی پذیرفته‌اند به رفتارهای همجنس‌گرایانه تشویق می‌کنند. این گروه شعاری را هم برای خودشان دارند که در آن می‌گویند: «از آنجایی که همجنس‌بازان نمی‌توانند تولیدمثل کنند پس باید یارگیری کنند»».

### همجنس‌گراستیزی در قالب جنگ نرم

نزدیک به یک هزار سال پیش بود که ذهن ایرانی تلاش می‌کرد تا همراه با فقه شیعه، در کشف مقتضیات زمانه و جواب به آن‌ها تلاش کند. برای مثال هنوز در فقه شیعه بعد از تعریف مرد و زن زیر سایه قواعد فقهی و حقوقی، از مباحثی به نام «خنثی» یاد می‌شود.

در قوانین امروز ایران، مباحثی مانند سهم‌الارث افراد دارای جنسیت مبهم، بر اساس همین مباحث حقوقی، مشخص و معین شده است.<sup>۱۸</sup> همین احکام دست رهبر سابق ایران را باز گذاشتند تا زودتر از بسیاری کشورهای غربی، حقوق مشخصی در اختیار تراجنسی‌های ایران قرار دهد و اجازه شرعی و قانونی تغییر جنسیت در ایران را فراهم آورد.<sup>۱۹</sup> در ایران نیز مانند دیگر بخش‌های جهان، عده‌ای در جایگاه قدرت فکر می‌کنند مسائلی مانند موضوع همجنس‌گرایان و دگرباشان جنسی، پدیده‌ای نو و عاری از ریشه‌های تاریخی است. آن‌ها فکر می‌کنند که این موضوع را غربی‌ها خلق کرده‌اند. در حالی که احترام به حقوق اقلیت‌ها و تفاوت‌ها در عصر حاضر، زیر سایه بلوغ فکری امروز بشر جای گرفته است که این به معنای پدیده‌ای نوظهور نیست و نخواهد بود.

شاید حکومت ایران سعی کند پتانسیل فکری جامعه ایرانی را دست کم بگیرد. هرچند مردم کشور درنهایت راه خود برای تفکر و تصمیم‌گیری در زمینه حقوق دگرباشان جنسی را نیز باز خواهند کرد و حکومت را به دنبال خود

۱۷. لینک به مقاله

۱۸. توضیح بیشتر در این لینک

۱۹. توضیح بیشتر در این لینک

خواهد کشاند. همان‌طور که یک زن تراجنسی ایرانی، مریم خاتون ملک‌آرا<sup>۲۰</sup>، توانست نظر خمینی را نسبت به موضوع تغییر جنسیت، موافق کند و این کار را با تکیه به احکام فقهای قبل انجام داد، درحالی که اهل سنت هنوز در پاسخ به این سوال مانده‌اند و این کار خمینی را تغییر در آفرینش خداوندی محسوب می‌کنند.<sup>۲۱</sup>

## درب‌های بسته برای همجنس‌گرایی

ایران هم‌اکنون فضایی بسته برای دگرباشان جنسی خود دارد. همان‌طور که محمد جواد لاریجانی در سازمان ملل متحد سال گذشته گفت: «در کشور ما همجنس‌گرایی... قابل پیگرد قانونی است.» همان‌طور که او به‌جای پاسخ به سوالات روشن دکتر احمد شهید در موضوع دگرباشان جنسی ایران، بحث را به فلسفه و ارسطو کشاند، سایت «مهرخانه» نیز تلاش می‌کند در پرونده خود، بحث همجنس‌گرایی را به جهان بی‌پایان و بی‌مرز بحث‌ها و جدل‌های اجتماعی و علمی بکشاند.

«مهرخانه» تلاش می‌کند تا بگوید وضعیت حقوق بشر در غرب بحرانی است، همچنین تلاش می‌کند القا کند وضعیت اخلاق در کشورهایی که همجنس‌گرایی را مجوز قانونی داده‌اند، به یغما رفته است، چون این امر، برابر طبیعت انسانی نیست.

«مهرخانه» تلاش می‌کند تا هم‌زمان، هم توجیه دست حکومت ایران بدهد (برای عملکرد زیر سوال خود در وضعیت حقوق این افراد جامعه) و هم هم‌زمان به دنیای غرب یورش ببرد که شما ساختار خانواده را نابود ساخته‌اید و وضعیت اجتماعی خوبی ندارید.

در عمل ولی نزدیک به یک سوم کشورهای جهان (۷۶ کشور)، مجازات برای همجنس‌گرایی دارند و تنها در پنج کشور جهان، برای همجنس‌گرایی، مجازات اعدام صادر و اجرا می‌شود که ایران، یکی از آن کشورهاست و چهار کشور دیگر نیز موریتانی، عربستان سعودی، سودان و یمن هستند.

«مهرخانه» تلاش می‌کند تا بگوید وضعیت حقوق بشر در غرب بحرانی است، همچنین تلاش می‌کند القا کند وضعیت اخلاق در کشورهایی که همجنس‌گرایی را مجوز قانونی داده‌اند، به یغما رفته است، چون این امر، برابر طبیعت انسانی نیست.

آنها همچنین به نقل قول‌هایی از محقق‌های غربی، استناد می‌کنند. هرچند در جهان غرب، وقتی به اندیشه مطرح شده در قالب مقاله‌های سایت نگاه شود، بلافاصله رد پای اندیشه‌ای منسوخ مشخص می‌شود که ریشه‌هایش به قرن نوزدهم اروپا بازمی‌گردد. یعنی به زمانی که تازه جنبش حقوق همجنس‌گرایان، بعد از زندانی شدن اسکار وایلد به‌خاطر آمیزش رضایت‌مندانه با همجنس خود، شروع شد.<sup>۲۲</sup>

۲۰. توضیح بیشتر در این لینک

۲۱. توضیح بیشتر در این لینک

۲۲. توضیح بیشتر در این لینک



در آن زمان، نگاه حاکم بر اروپا چنین بود که باید بررسی پلیس معین باشد و انسان متفاوت از لحاظ هویت یا گرایش جنسی شناسایی شود و نگذاریم آلودگی‌های او، به بقیه جامعه سرایت کند. این دیدگاه هنوز اثرات خود را بر چهره‌هایی معاصر دارد و «مهرخانه» برای طرح مساله‌های موردنظر خود به این نام‌هاست که تکیه می‌کند. یعنی می‌گوید، این حرف خود شماسست و همراه است با آنچه ما می‌گوئیم و می‌خواهیم و در عمل اجرا هم می‌کنیم. قطعاً خواننده‌ای که به مباحث مطرح شده در مورد همجنس‌گرایی و عرفی‌سازی آن در جامعه آشنا نباشد، پرونده موجود در سایت «مهرخانه» را تحسین می‌کند. این پرونده از متون تولید شده در جهان غرب برای نفی گرایش جنسی به همجنس استفاده می‌کند و همزمان با اندیشه‌های مطرح شده در اسلام و اجرا شده در کشوری مانند ایران همگام است.

### در نگاه امروز

سال‌هاست کلیسای کاتولیک مانعی گسترده بر بسیاری از وجه‌های زندگی مدرن است. این کلیسا، رودرروی سازمانی مانند سازمان بهداشت جهانی قرار می‌گیرد و «کاندوم» را منع می‌سازد چون برابر الهایات کلیسا نیست. همین کلیسا، قرن‌ها از دشمنان اصلی همجنس‌گرایی بوده است. حال، در دنیایی مدرن که برای اشاعه اطلاعات مرزی نیست، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران، هم کاندوم و هم همجنس‌گرایی را جزو سانسورهای اجرا شده در نشر کتاب و رسانه داخل کشور می‌شناسد<sup>۲۳</sup> ولی هم‌زمان، پاپ فرانسیس، همین امسال در موضوع همجنس‌گرایی می‌گوید:

«اگر شخصی همجنس‌گرا باشد و در جستجوی خدا باشد و خواسته و نیت خوبی داشته باشد، من چه کسی هستم که او را مورد قضاوت خود قرار دهم.» او در سفر برزیل خود، ادامه می‌دهد: «تعالیم کلیسای کاتولیک به خوبی ما را توضیح می‌دهد: آن‌ها نباید به‌خاطر همجنس‌گرایی خود به حاشیه رانده شوند بلکه باید وارد جامعه شوند.»<sup>۲۴</sup> کشوری مانند ایران که در مبحث تغییر جنسیت توانایی گرفتن موضعی پیش‌تاز را داشته است، آن هم در زمانی که بسیاری از کشورهای اروپایی به گونه‌ای با این سوال دست به گریبان باقی مانده بودند و مخالفت‌هایی ابراز می‌کردند، حالا هم می‌تواند در بین تمام کشورهای اسلامی، با نگاهی معتدل‌تر، جزو اولین سرزمین‌ها باشد که موضوع حقوق دگرباشان جنسی را به عمل تبدیل کند.

هم‌اکنون بعید به‌نظر می‌رسد، اما روزی خواهد رسید که مراجع اعظم شهر قم و نجف، حرف‌هایی مانند پاپ فرانسیس بزنند. همچنین روزی خواهد رسید تا مقاماتی مانند محمد جواد لاریجانی، در مقر سازمان ملل متحد حاضر شوند و حقوق همجنس‌گرایان ایرانی را به رسمیت بشناسند. تا آن زمان، مجال کافی است برای بحث.

۲۳. توضیح بیشتر در این لینک

۲۴. توضیح بیشتر در این لینک

«مهرخانه» در سایت خود، راه را باز گذاشته است: بحث کنیم در سوژه همجنس‌گرایی. همین سایت در عین تمام منفی‌گرایی‌های نوشتارهای خود، تابو را شکسته است.

حالا می‌شود آشکارا مطالبی در موضوع همجنس‌گرایی جدا از سانسور گسترده و حاکم بر فرهنگ و اندیشه داخل ایران خواند. هر صحبتی، هر چقدر هم منفی باشد، در نهایت راه را برای علنی‌سازی و عرفی‌سازی بیشتر این موضوع هموار می‌کند.



## تفتیش هویت جنسی و هراس دائم برای زندگی

### بازداشت گروهی به اتهام همجنسگرایی در کرمانشاه

منتشر شده در صفحه دگرباش وبسایت رادیو زمانه در ۲۱ مهر ماه ۱۳۹۲

مهدی سزاوار (وکیل) و رامتین شهرزاد (روزنامه‌نگار و مترجم)

خبر را اولین مرتبه در روز ۱۸ مهر ۱۳۹۲، وبسایت سپاه نبی اکرم، شاخه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران در استان کرمانشاه [۱] منتشر کرد: «یک شبکه چند ده نفری همجنس‌بازی و شیطان‌پرستی در شهر کرمانشاه متلاشی شد.» این خبر، به سرعت راه خود را در رسانه‌های فارسی زبان باز کرد [۲] و مقاله‌ای تفسیری در مورد آن در روزنامه گاردین [۳] نیز منتشر شد.

خبر تازه‌ای نیست، چه همجنس‌گرا چه دگرجنس‌گرا، نیروهای انتظامی و اطلاعاتی ایران به مردم این اجازه را نمی‌دهند تا بدون دغدغه گرد هم به مهمانی، رقص و شادی مشغول باشند. بارها این خبر در خبرگزاری‌های مختلف آمده است که ماموران نیروی انتظامی به یک مهمانی یورش برده‌اند و حتی در برخی موارد، صحبت از این شده است که افرادی در هنگام فرار از دست نیروهای انتظامی و امنیتی، آسیب‌های جانی دیده‌اند. [۴]

این سیاست تادیبی و کنترلی جمهوری اسلامی ایران است که در زندگی خصوصی مردم خود دخالت کند و به حریم خصوصی مردم خود، یورش برد، اما هجوم نیروهای امنیتی (و نه انتظامی) به یک مهمانی همجنس‌گرایان ایرانی، در مقیاس برخوردهای تادیبی حکومت ایران با جمعیت دگرجنسگرا و اینکه به طور مکرر به مهمانی‌های خصوصی مردم این کشور یورش می‌برد، تفاوت دارد.

تفاوت را در خبر وبسایت سپاه می‌توان دید؛ در جمله‌ای که آشکارا از تحت کنترل بودن جمعیت همجنسگرایان ایرانی خبر می‌دهد و دستگیری همجنسگرایان کرمانشاهی را در پی «- مراقبت و تحت نظر بودن چند ماهه توسط نیروهای امنیتی-» اعلام می‌کند.

اخبار غیررسمی کنشگران دگرباش جنسی، مدت‌هاست بر این مسئله تاکید دارند که سازمان‌های امنیتی ایران، سال‌هاست شهروندانی را که گرایش جنسی متفاوت دارند تحت نظر خود گرفته‌اند. در چند مورد در اصفهان، شیراز

و کرمان، نیروهای امنیتی و انتظامی به جمع دگرباشان جنسی یورش برده اند و افرادی را هدفمند و با برنامه قبلی، بازداشت کرده‌اند. در مورد دستگیری اخیر در کرمانشاه، برای نخستین مرتبه، سپاه پاسداران رسماً چنین امری را در وبسایت وابسته به خود، تأیید می‌کند.

تفاوت معنادار در اینجاست که در دیگر مهمانی‌ها، نیروهای امنیتی و انتظامی، متوجه یک مهمانی می‌شوند و به آن یورش می‌برند. در اینجا، ماه‌ها افرادی را تحت نظر گرفته‌اند، آن‌ها را دنبال کرده‌اند و به مهمانی آن‌ها یورش برده‌اند. همچنین به شکلی کاملاً گزینشی، تعدادی را بازداشت و تعدادی را رها کرده‌اند.

### تفتیش جنسیت و گرایش جنسی

مرد سی و چند ساله ایرانی، از خانواده‌ای قدیمی از شهر شیراز، به عنوان پناهنده به ترکیه آمده است. در ایران، ثروت خانوادگی‌اش به او این اجازه را می‌داده است تا سبک زندگی‌اش را به سلیقه خود اختیار کند. بعد از آنکه نیروهای اطلاعاتی ایران، او و دوستانش را ماه‌ها زیر نظر می‌گیرند و در یک مکان عمومی، آن‌ها را بازداشت می‌کنند. بعد از ماه‌ها رفت و آمد به دادگاه، سپس اجرای حکم شلاق و دریافت جریمه، با این واقعیت روبه‌رو می‌شود که آشکارا نیروهای امنیتی ایران او را تحت نظر دارند، او را مدام به بازجویی می‌خوانند و به این ترتیب آرامش زندگی او از بین رفته است. او غیرقانونی از کشور خارج شد، از سازمان ملل متحد، درخواست پناهندگی کرد و اکنون در وضعیتی زندگی می‌کند که ناچار به کار سیاه در کارخانه است تا بتواند امرار معاش کند. وضعیت زندگی او در گزارش ماه مارس ۲۰۱۳ احمد شهید نیز انعکاس یافته است.<sup>[۵]</sup>

او یکی از چند صد نفری است که این روزها در کشور ترکیه منتظر هستند تا پرونده پناهندگی‌شان به نتیجه برسد. همجنسگرایان ایرانی، سال‌هاست شاهد نقض حریم خصوصی زندگی خودشان از طرف سازمان‌های امنیتی هستند. این سازمان‌ها، ایرانی‌های همجنسگرا را از طریق شبکه‌های اجتماعی شناسایی می‌کنند، آن‌ها را تحت نظر می‌گیرند و زندگی تمامی آن‌ها را به تدریج ویران می‌سازند.

حکومت ایران همجنس‌گرایی را نه تنها به عنوان یک پدیده طبیعی به رسمیت نشناخته است، بلکه با تمام قدرت خود، در مسیر معرفی آن به عنوان محصولی خارجی و نمادی از انحطاط فرهنگ غرب که در تضاد با منافع ملی و فراملی کشور است، قدم برمی‌دارد.

### خلأ قانونی

چندی پیش، از طرف نمایندگان مجلس شورای اسلامی، طرحی گنگ به نام «طرح قانونی مقابله با گروه‌های انحرافی»<sup>[۶]</sup> مطرح شد که در آن به مجازات افراد متفاوت، به حبس تعزیری بیش از پنج تا ده سال یا شلاق از ۳۱ تا ۷۴ ضربه یا هر دو مجازات، بدون تعریف دقیق این اصطلاح و مصادیق آن پرداخته بودند.

در این قانون پیش‌بینی شده بود که افراد در صورت فعالیت تبلیغی در فضای حقیقی یا مجازی، به حبس تعزیری بین دو تا پنج سال یا شلاق از ۳۱ تا ۷۴ ضربه و در صورت عضویت در فعالیت‌های غیرمجاز، به حبس تعزیری

بیش از شش ماه تا دو سال یا شلاق از ۳۱ تا ۷۴ ضربه محکوم شوند. احتمال دارد این طرح قانونی در مجلس ایران تصویب شود.

بحث تصویب چنین قانونی، در وضعیتی مطرح می‌شود که قانون اساسی ایران، در اصل بیست و سوم، تفتیش عقاید را ممنوع اعلام کرده است. معنای این قانون اما چیست و در اجرا چه می‌شود؟ چه ارتباطی بین عقیده و سبک زندگی در این میان وجود دارد؟ حکومت ایران، بر چه مبنایی دست به تفتیش هویت جنسیتی یا گرایش جنسی افراد می‌زند؟ حکومت جمهوری اسلامی ایران، در اقدامی تادیبی و برای کنترل تمایلات جنسی افراد، کسانی را که گرایش و هویت جنسی / جنسیتی متفاوت دارند، تحت نظر می‌گیرد و زندگی آن‌ها را به تدریج ویران می‌سازد. مشابه پرونده دستگیرشدگان کرمانشاه، افرادی دیگر با اتکا به بعضی از مواد قانون مجازات اسلامی ایران [۷]، محکوم به شکنجه، زندان یا مجازات نقدی شده‌اند. ماده ۴۹۸ قانون مجازات اسلامی تاکید دارد: «هرکس با هر مرامی، دسته، جمعیت یا شعبه جمعیتی بیش از دو نفر در داخل یا خارج از کشور تحت هر اسم یا عنوانی تشکیل دهد یا اداره کند که هدف از آن برهم زدن امنیت کشور باشد و محارب شناخته نشود، به حبس از دو تا ده سال محکوم می‌شود.»

ماده ۵۰۰ همین قانون نیز مطرح می‌کند: «هرکس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران به نفع گروه‌ها و سازمان‌های مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی کند به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.»

در ماده ۵۱۳ نیز در فصل دوم مجازات اسلامی، یعنی فصل اهانت به مقدسات مذهبی و سوء قصد به مقامات داخلی، آمده است: «هرکس به مقدسات اسلام یا هر یک از انبیای عظام یا ائمه طاهرین (ع) یا حضرت صدیقه طاهره (س) اهانت کند، اگر مشمول حکم سب‌النبی باشد، اعدام می‌شود و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد.»

در خلاء قانونی موجود، مقامات قضائی، وقتی در مواجهه با چنین پرونده‌هایی عنوان مجرمانه و حقوقی ندارند، با استناد به چنین مواد قانونی، متهم را به جرم‌هایی سنگین، محکوم می‌کنند. همه ماده‌های ذکر شده در بالا (یعنی ماده ۴۹۸، ۵۰۰، ۵۱۳ و بسیاری دیگر از مفاد قانون مجازات اسلامی) در ظاهر به همجنس‌گرایان مربوط نمی‌شود، اما در صورت تصویب «طرح قانونی مقابله با گروه‌های انحرافی» به راحتی می‌توانند افراد همجنس‌گرا، مهمانی‌ها و گردهمایی‌های دگرباشان جنسی را تبدیل به محافلی کنند که از نگاه تادیبی و کنترلی سیستم پلیسی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران، «خطر بالقوه» محسوب شود. در این قوانین نه کلمه‌ای به اسم «همجنس‌باز» آمده است، نه «شیطان‌پرست». هیچ کجا هم توجیهی برای نظارت پنهانی بر زندگی مردم یا هجوم به جمع آنان نیامده است. این بی عدالتی فاحشی است که در وضعیت خلاء قانونی و نبودن مصداقی دقیق از عمل مجرمانه فردی، ایجاد شده است. یعنی فلسفه تادیبی و کنترلی این قوانین این است: در قانون بگردیم و تا محکومیتی مشابه با حداکثر تطبیق تفسیری موازی با آن مواد قانونی یافته و فرد را به مجازاتی محکوم کنیم که قانون پیش‌بینی نکرده است.



## رسیدگی غیرقانونی، اطلاعاتی و امنیتی

تمام داستان نابه‌سامانی قانونی به اینجا ختم نمی‌شود، زیرا خطری بزرگ‌تر به نام رسیدگی اطلاعاتی و امنیتی وجود دارد و در اینجا دیگر خبری از تعریف‌های قانونی نیست. در پرونده‌های دگرباشان جنسی در ایران، بررسی‌ها غیرقانونی است و برخلاف مقررات و آئین‌نامه‌ها انجام می‌شود. یعنی روندی، غیر از روند معمول قضائی موجود است که به پرونده‌های دستگیری همجنس‌گرایان در ایران شکل می‌دهد. در این پرونده‌ها با یک روند مشخص، همراه با اصول و مواد قانونی مطابق با اصول قانونگذاری در کشور مواجه نخواهید شد.

متن بیانیه پر از افتخار سپاه در موضوع بازداشت همجنس‌گرایان در شهر کرمانشاه، چند کلیشه ذهنی این ارگان حکومتی را آشکارا بیان می‌کند: آنها را عضو یک باند، همجنس‌باز و شیطان‌پرست معرفی می‌کنند؛ باندی که ضاله است و باید متلاشی شود. همچنین آنها تحت نظر بوده‌اند: توسط سازمان امنیت سپاه، سازمانی که رئیس آن مشخص نیست، بودجه آن مشخص نیست، اهداف، سیاست‌ها و برنامه‌هایش مشخص نیست، همچنین مشخص نیست که به جز رهبر ایران، به چه کسانی پاسخگو است. در عین حال این سازمان، با توسل به خشونت و با برنامه‌هایی از پیش تعیین شده و بدون هماهنگی با دیگر ارگان‌های کشور، دست به عمل می‌زند.

### چهار نکته حقوقی در پرونده کرمانشاه

به غیر از عدم رعایت حقوق قانونی و حریم شخصی افراد، در دستگیری‌هایی مانند دستگیری اخیر در کرمانشاه، با نوعی جدیدی از اتهام در پیوند با متهمانی مشکوک به همجنس‌خواهی روبه‌رو هستیم. در ابتدا، تفاوت در اتهام‌پراکنی نسبت به این افراد است، هم در مرحله تفهیم اتهام و هم در مراحل بازجویی و این روند تا رسیدن به مرحله دادرسی دنبال می‌شود تا عنوان قانونی که در حکم دادگاه به فرد دیکته شود. در تمامی این روند، فرد بازداشت شده امکان دسترسی واقعی به یک وکیل حرفه‌ای و آشنا به وضعیت دگرباشان جنسی را نخواهد داشت تا او را به نفع اثبات بی‌گناهی خود، راهنمایی موثر کند [۸].

دوم، نام همجنس‌گرایی و شیطان‌پرستی [۹] را در کنار همدیگر برای افراد دگرباش جنسی استفاده می‌کنند. در قانون مجازات اسلامی ایران عنوان مجرمانه‌ای به نام شیطان‌پرستی نداریم، اما چگونه است که این خلاء قانونی، جلوی مسئولین نهادهای اطلاعاتی چون سازمان امنیت سپاه را نمی‌گیرد تا دست به اتهام‌پراکنی و جرم‌انگاری‌ای نزنند که در هیچ‌جای قوانین مدون ایران موجود نیست.

سوم، در متن گزارش سپاه مشاهده می‌شود که: «... این گروه که به بهانه برگزاری جشن تولد در یکی از تالارهای شهر به رقاصی و... مشغول بودند...» از لحاظ قانونی چگونه می‌شود دقیقاً گرفتن جشن تولد را مصداق جرم برای نهادی امنیتی بیان کرد تا به آن یورش ببرد؟ آیا سپاه پاسداران موفق به کشف وسیله‌ای جدید به نام «بهانه‌یاب»، برای نقض بیشتر حقوق و حریم شخصی افراد شده است؟

چهارم، موضوع وحشت‌آفرین در این پرونده، ترکیب اتهامات سنگینی است که همراه می‌شود با اشاره به قومیت‌های دیگر و اتباع کشورهای دیگر. هرچند اخبار خصوصی می‌گویند هیچ تبعه‌ای از کشورهای دیگر در این مهمانی حاضر نبوده است، اما اشاره به قومیت‌های مختلفی مانند کرد و عرب و یا اتباع خارجی، عاملی است نگران‌کننده که امکان تشدید نقض حقوق این افراد را به همراه دارد. چون دولت ایران به شکلی سیستماتیک حقوق اقلیت‌های قومی و اتباع خارجی را در پرونده‌های مختلف قضائی نقض می‌کند. اگر این دولت نتواند عنوان درست مجرمیت را برای افراد همجنس‌گرا بیابد، می‌تواند پرونده اقلیت‌های جنسی را با فعالیت سیاسی و مدنی یا اقلیت قومی گره بزند و موجب تشدید مجازاتی شود که آن هم خالی از وجاهت قانونی کافی است.

### مسئولیت‌پذیری نسبت به قوانین داخلی و بین‌المللی

آیت‌الله خمینی [۱۰]، هیچ‌گاه این تاکید را کنار نگذاشت که دین و سیاست در ایران با هم یکی هستند. یعنی بر این اساس، دین و قانون باید همگام با همدیگر باشند. در نتیجه وقتی صحبت از بازداشت جمعی به میان بیاید، حرف فقه شیعه و قانون داخلی به میان می‌آید. در کنار آن، بحث قوانین بین‌المللی مطرح است که جمهوری اسلامی ایران آن‌ها را تائید، تصویب و امضا کرده و متعهد است این قوانین را اجرا کند. همچنین متعهد است نسبت به این قوانین به سازمان‌های بین‌المللی پاسخگو باشد. [۱۱]

قوانین بین‌المللی، برابر تفسیرهای شورای حقوق بشر سازمان ملل و همچنین سازمان‌های مشابه، «گرایش و هویت جنسی» را در زمینه مواردی قرار داده‌اند که لازم است نسبت به آن‌ها حساسیت لازم وجود داشته باشد. [۱۲] این موارد، جزو موارد تبعیض هستند و باید برای رعایت حقوق و امنیت زندگی این افراد، در زمینه‌های مختلف از زندگی روزمره گرفته تا اشتغال، مسکن و امکانات بهداشتی و سلامت جسم و روان آنان نوعی نظارت صورت بگیرد تا حقوق شهروندی شان در جامعه رعایت شود.

سازمان جهانی بهداشت در کنار دیگر سازمان‌های جهانی مرتبط به جسم و روان، همجنس‌گرایی را سال‌هاست به عنوان بیماری نمی‌شناسد. [۱۳] حکومت ایران به تلویح می‌گوید همجنس‌گرایی بیماری است [۱۴] و نیازمند درمان است. حتی اگر بخواهیم به حرف دولت ایران توجه کنیم، باید این سؤال پرسیده شود که چگونه دولت دست به تفکیک جنسیتی می‌زند، قوانین شرع در مورد رعایت حق و حریم افراد را زیر پا می‌گذارد و به قوانین داخلی در زمینه ممنوعیت حضور حکومت در حریم خصوصی افراد نیز توجه نمی‌کند؟ همچنین در نهایت حکومت ایران برای قوانین بین‌المللی نیز اهمیتی قائل نمی‌شود و در همان زمان، با افتخار تمام می‌گوید افرادی از جامعه را ماه‌هاست تحت نظر داشته و آنها را بازداشت کرده است و بدون آنکه در دادگاهی، اتهامی صادر شده باشد، آن‌ها را مجرم می‌شناسد (آن هم با عنوان‌هایی کلی).

## همجنس‌گرایی وجود دارد

از مشهورترین حرف‌های رئیس‌جمهور سابق ایران، محمود احمدی‌نژاد، صحبت‌های او در دانشگاه کلمبیای آمریکا در نبود همجنس‌گرایی در ایران است. او رفته است اما در دولت حسن روحانی، سیامک قادری [۱۵] هنوز در زندان است. سیامک قادری، خبرنگار مقیم تهران است که در همان زمان، با چند همجنس‌گرا در ایران مصاحبه کرد و آنها را در وبلاگش منتشر ساخت تا بگوید رئیس‌جمهور ایران حقیقت را نمی‌گوید.

همجنس‌گرایی در ایران وجود دارد. سپاه پاسداران و دیگر سازمان‌های امنیتی، انتظامی و قضائی، این بخش از جامعه را تحت نظر گرفته‌اند. آنها را به کلماتی از پیش تعیین شده مانند شیطان‌پرستی متهم می‌کنند. این سازمان‌ها، در برخی موارد، هویت قانونی مشخصی نیز از خود ندارند.

یورش به مهمانی همجنس‌گرایان کرمانشاه، نشانه‌ای است کوچک از آنچه بر این جمعیت ایرانی می‌گذرد. همجنس‌گرایان وجود دارند، زندگی می‌کنند و گردهمایی‌های خود را دارند. حکومت ایران تلاش می‌کند دست به تفکیک بر اساس هویت جنسی/جنسیتی و گرایش جنسی بزند و جنسیت‌های اقلیت در جامعه را پاکسازی کند؛ امری که نه برابر شرع شیعه است، نه برابر قوانین داخلی و نه برابر قوانین بین‌المللی.

به این شکل، حکومت ایران، آشکارا تمامی قوانین موجود را نقض می‌کند. حالا و در این نقطه، چه کسی پاسخگو است؟ چگونه می‌شود مانع از وحشت و رعبی شد که به زندگی شخص به شخص شهروندان همجنس‌گرای ایرانی نفوذ کرده است؟ این شهروندان ایرانی مانند هر انسان دیگری حق زندگی دارند، حق گردهمایی دارند و لازم است امکانات معمول زندگی را داشته باشند.

حال سؤال اصلی این است: بعد از یورش به مهمانی‌ها و گردهمایی‌های شهروندان همجنس‌گرای ایرانی در اصفهان، شیراز و کرمان، شاهد یورش به مهمانی همجنس‌گرایان در کرمانشاه هستیم. شهر بعدی کدام خواهد بود؟



## همجنس خواهی بدون همجنس گرایی

### نوجوانی همجنس خواه امروزی

منتشر شده در صفحه دگرباش وبسایت رادیو زمانه - ۶ اردیبهشت ۱۳۹۳

ریچ سی ساوین ویلیامز در ابتدای فصل نخست کتاب «نوجوان جدید همجنس گرا»<sup>۱</sup> که توسط انتشارات دانشگاهی هاروارد منتشر شده است، می نویسد:

«همجنس گرای نسل جدید، از بسیاری جهات، نوجوانی غیر همجنس گرا است. احتمالاً دختری است که خودش را «پُست همجنس گرا»<sup>۲</sup> در نظر می گیرد یا پسری است که خودش را «همجنس گراماند»<sup>۳</sup> می شناسد. برای این دسته نوجوانان، برچسب همجنس گرا خوردن یا حتی همجنس گرا بودن، اهمیت چندانی ندارد. آنها علایق و تمایل های همجنس خواهانه دارند اما، برخلاف نسل های پیشین خود، نوجوان جدید همجنس گرا علاقه ای بسیار کمتر به این دارند که این دسته احساس ها یا رفتارها را همجنس گرایی بخوانند.»

سابق بر این، نوجوان، در جامعه ای متفاوت از امروز زندگی می کرد و از امکاناتی کمتر بهره می برد. حالا امکاناتی مانند آموزش زبان های خارجی، استفاده از رسانه های روز، موبایل، اینترنت، ارتباط های سریع بین کشوری و امکان سفر به سرتاسر جهان و بسیاری دیگر امکانات به زندگی امروز بشر اضافه شده اند.

در گذشته انسان ها به جامعه خود نگاه می کردند و امروز انسان ها به سرتاسر جهان نگاه می کنند و الگو می گیرند. در این زمانه، همه چیز به سرعت تمام و در روندی پایان ناپذیر در حال تغییر است. نسل ها تغییر می کنند و نسل های جدیدتر، در فاصله هایی بسیار کوتاه تر از نسل های پیشین، تغییر می کنند. همجنس خواهان هم در این میان، بی نصیب نمانده اند.

در شناسایی نسل جدید همجنس خواهان چه می توان گفت؟ نوجوان امروز، کمتر از گذشته ترجیح می دهد تا برچسب همجنس گرایی را بر خود بزند. او بیشتر از گذشته به حریم شخصی خودش پی برده است و نیازی به این

۱. به صفحه ی کتاب در وبسایت آمازون مراجعه کنید.

2. postgay

3. gayish

نمی‌بیند تا برابر خواسته‌های فرهنگ، سنت، مذهب یا جامعه حرکت کند. او این امکان را داراست تا خودش را آنچه می‌خواهد بسازد و شکل دهد.

بر همین مبنا است که نوجوان امروزی همجنس‌خواه، تنها دیگر از همجنس‌گرایان شکل نگرفته است. بلکه در کنار او، نوجوانانی دیگر ایستاده‌اند که تمایلی به اعلام وضعیتی مشخص برای هویت جنسی خود قائل نیستند. آنها اهمیتی به دیدگاه‌های دیگران نمی‌دهند و سوال‌های ذهنی خودشان را دارند ولی دلیلی نمی‌بینند تا همه چیز زندگی خود را آشکارا بیان کنند.

در این مقاله نگاهی کوتاه می‌اندازیم به نوجوان امروزی همجنس‌خواه. نوجوانی که امکان یافتن شخصیتی تازه برای خود یافته است، شخصیتی متفاوت از آنچه در نسل‌های پیشین و در قرن بیستم شاهد آن بوده‌ایم. او کلیشه‌های گذشته را کنار می‌زند تا آینده را مطابق خواسته شخصی خودش شکل بدهد.

همچنین متمرکز خواهیم شد به نوجوان همجنس‌گرای امروز ایران. نوجوانی که از یک سو تحت فشار حکومت و مذهب ایران قرار دارد، از سویی دیگر بدون آنکه به نسل‌های قبل از او اجازه داده شود تا به بلوغی کافی برسند، پرتاب شده است به جامعه مدرن‌تر بیرون از ایران. نوجوانی که فیلم‌ها، سریال‌ها، موسیقی، کتاب‌ها، مجلات و دیگر رسانه‌های بین‌المللی همجنس‌گرایان در اختیار اوست، حالا متفاوت از دیگر همجنس‌گرایان ایرانی شده است. طوری که نسل‌های پیشین حتی نمی‌توانند او را به راحتی بشناسند و درک کنند.

### همجنس‌خواهی بدون همجنس‌گرایی

همراه با آغاز جنبش‌های حامی همجنس‌گرایان، دوجنس‌گرایان و تراجنسیتی‌ها در سال‌های ۱۹۶۰ در غرب، سنت برون‌آیی<sup>۴</sup> نیز قسمتی فرآیند اجتماعی شدن جوان همجنس‌گرا شد. در این پروسه، جوان همجنس‌گرا می‌بایستی آشکارا به دوستان، خانواده، همکاران، فامیل، مدرسه و دانشگاه و بقیه جامعه اعلام کند که همجنس‌گراست.

حتی برای این برون‌آیی یا آشکارسازی، کمپین‌های بین‌المللی با حمایت سازمان‌های جهانی نیز شکل گرفته‌اند[۵]. در ایران فضای حکومتی، اجازه نداد تا این سنت به‌درستی شکل بگیرد، توسط پژوهشگران و رسانه‌ها به‌درستی بحث شود و به نسل‌های همجنس‌گرای ایرانی، اجازه اجرایی شدن آن نیز داده نشد. نوجوان امروزی در ایران ناگهان از فضای گرفته زندگی اجتماعی خود به فضای رسانه‌های جمعی امروزی پرتاب شده است و درحقیقت بدون گذشتن از امروز، به آینده گام گذاشته است.

در حالی که در گذشته گفته می‌شد اکثریت مطلق جامعه است، امروز نوجوان ایرانی از خودش می‌پرسد آیا واقعاً جامعه چنین یک دستی‌ای دارد؟ او امروز یکی از مابقی نوجوانان و جوانانی است که مسیر انتخابی خود را دنبال می‌کنند. رفتار، پوشش، زندگی خصوصی خودشان را دارند - خواه در دنیای واقعی باشد یا مجاز اینترنتی و رسانه‌های

۴. نگاه کنید به مدخل آشکارسازی در ویکی‌پدیا



اجتماعی. آنها به حریم خصوصی خود احترامی گسترده قائل هستند و دیگران - از خانواده و فامیل گرفته تا تحلیل‌گر اجتماعی یا حکومت - تنها می‌توانند حدس خودشان را بزنند.

در گذشته جامعه را برابر سنت می‌شد بررسی کرد، اما امروز جامعه در عمل از گروه‌هایی با هویت‌ها و علایق و رفتارهای جنسی متفاوت و گوناگونی شکل گرفته است که هیچ‌کدام در اکثریت مطلق نیستند ولی در بیشتر موارد، با همدیگر هم‌پوشانی دارند. موضوعی که در همجنس‌گرایی نیز صدق می‌کند.

در اولین نگاه این سوال پیش کشیده می‌شود که واقعاً برای چه کسی مهم است در دنیای امروز و در شرایط امروز - ورای شرایط حکومتی - چه کسی در ایران همجنس‌گرا است و چه کسی نیست؟ نسل جدید در دنیای امروز و به شکلی منطقی، تلاش برای کنترل کردن معانی را کنار گذاشته است.

مفاهیمی مثل لذت بردن، زندگی کردن و در لحظه و درون حریم خصوصی خود بودن، جایگزین چهارچوب‌های نظری و اعتقادی شده است. می‌توان گفت نوجوان امروز خود را از سایه نسل‌های قبل، اعتقادهای جامعه و مذهب و سنت و حتی حکومت بیرون کشیده است. جوان امروزی در ظاهر خود را شبیه به برجسب‌های اجتماعی نشان می‌دهد اما در واقعیت فقط برای نظر فردی و شخصی خودش اعتقاد قائل است.

نوجوان امروز می‌پرسد وقتی یک خودش را با برجسب هویتی خویش معرفی نمی‌کند؛ من چرا باید گرایش جنسی یا هویت جنسیتی خود را اعلام کنم؟ وقتی برای عموم مردم مهم نیست در عمل چه کسی «واقعاً» است و چه کسی نیست، جوان امروزی که رابطه جنسی با همجنس را تجربه کرده چرا باید حساسیت نشان بدهد که همجنس‌گرا است و برجسبی برای هویت خود انتخاب کند؟

### هویت‌گرایی در سکس

قرن بیستم تمام شده است. قرن که همراه خودش مفاهیمی مانند نژاد و رنگ، جنسیت زنانه و مردانه، اعتقادهای متعصب مذهبی و دیگر موارد را برد. هرچند هنوز تمامی این مسائل در زندگی بشری پررنگ باقی مانده‌اند اما با پایان عمر نسل‌های پیشین، بتدریج نسل‌های جدیدتر، اعتقادهایی کم‌رنگ‌تر و کم‌رنگ‌تر را از خود نشان می‌دهند. در گذشته رنگ و نژاد و مذهب بر زندگی انسان تأثیری گسترده می‌گذاشت. اینکه کجا و در چه شرایطی زندگی کنی، تحصیل کنی، کار کنی و زندگی کنی و حتی چه درجه‌ای از شهروندی داشته باشی با این مفاهیم مشخص می‌شد. امروزه کمتر کشوری این مفاهیم را به گستردگی گذشته اعمال می‌کند و بتدریج مفاهیم جنسیتی نیز چنین معنایی پیدا می‌کنند.

دیگر سبک‌ها و نگرش‌های گوناگون آمیزش جنسی، احساس‌ها و رفتارهای جنسی، هویت و درک جنسی، سوژه‌ای موثر بر زندگی اجتماعی انسان امروز نیستند.

هرچند هنوز حکومت ایران تبعیض جنسیتی بین زن و مرد را گسترده اجرایی می‌کند اما نوجوان امروز شاهد دنیای بیرون است که در آن به تدریج چنین سوال‌ها و سوژه‌هایی محدود به بحث‌های فردی، یا مباحث بررسی آکادمیک می‌شوند و دیگر برجسی می‌شود بر زندگی انسان نیستند.

نوجوان امروز می‌بیند که فاصله او با این دنیا، هر روز کم‌رنگ‌تر از گذشته می‌شود و امکانات زندگی امروز، به او این اجازه را می‌دهند تا پویاتر و سرزنده‌تر از قبل، فقط راحت «خودش» باشد.

بر این پایه است که نوجوان امروز شبیه به خودش زندگی می‌کند و به تدریج نسل‌های قدیمی‌تر نیز مجبور می‌شوند او را فقط تماشا کنند، بحث کنند و قبول کنند.

سکس دیگر برای نوجوان امروز موضوعی نیست که با سروصدای فراوان و در شکلی اجتماعی مانند ازدواج رسمی نمایان شود و به همه اعلام شود. حالا نوجوان امروز حتی تمایلی جدی از خودش نشان نمی‌دهد تا شریک جنسی خودش را از شریکی موقت به شریکی دائم تبدیل کند و به او برجسی مانند دوست‌پسر، دوست‌دختر یا چیزی دگر ببخشد.

نوجوان امروز با احتیاط فراوان از برجسب‌های هویتی استفاده می‌کند. این نوجوان نمی‌خواهد جسم و روان او موضوع بحث دیگران باشد، چه بحثی اجتماعی و اعتقادی باشد چه بحثی شهوانی. او حق انتخاب دارد و از این حق انتخاب استفاده می‌کند.

برای او حتی زمان این نیز گذشته است که در شبکه‌ای اجتماعی مانند فیس‌بوک نیز بخواهد با عجله‌ای تمام هویت خودش را از گزینه مجرد به گزینه‌ای دیگر تغییر بدهد. برای او هیچ چیز شبیه به نسل‌های گذشته نیست که با سوال‌های فراوان وارد یک رابطه می‌شدند. او انتخاب می‌کند و تجربه می‌کند و حق انتخاب برای آینده را همیشه برای خودش باز نگه می‌دارد.

در دنیای امروز، یک همجنس‌خواه می‌تواند هر نوجوانی باشد بدون آنکه برای خود برجسب همجنس‌گرایی را علناً اعلام کرده باشد. در دنیای امروز، انسانی که تصمیم بگیرد خود را با یک برجسب اجتماعی با تعریفی مشخص به دیگران نشان بدهد، درحقیقت خود را متمایز از بقیه ساخته است و خود را در یک چهارچوب اجتماعی مشخص قرار داده است، یعنی خود را محدود ساخته است.

یک نوجوان امروزی چرا باید سریع خود را به یک چهارچوب اجتماعی مشخص محدود کند؟ درحقیقت، او از کجا می‌خواهد واقعاً مطمئن باشد چه نسبتی با این برجسب اجتماعی دارد؟

## سردرگمی مفاهیم

شناخت معنا و نشانه‌ها، علمی است که در دنیای امروز، مخصوصاً از نیمه دوم قرن بیستم تا به امروز، جایگاه خود را بیشتر از گذشته مستحکم ساخته و همچنان بحثی مهم است. در عمل، چگونه می‌توان کلامی را تعبیر کرد و

چه ابزارهایی بشر را در این میان هدایت می‌کنند یا منحرف می‌سازند؟ وقتی بحث به یک مبحث اجتماعی می‌رسد، فضا گسترده‌تر می‌شود، چون تغییرات زمانی بر معنا تاثیر خواهند گذاشت.

دنیای امروز، یعنی دنیای ارتباطات و رسانه‌ها، ما را هر روز در معرض موج معانی و مفاهیم جدید قرار می‌دهد. دنیای زندگی جنسی نیز جدا از این نیست.

آیا آزادی بیشتر در بحث پیرامون سوژه جنسیت و گرایش جنسی، نوجوان امروز را بیشتر از پیش در هویت فردی خود پنهان ساخته است؟ آیا نوجوان امروز نگران این نیست تا اگر خود را با یک مفهوم و نام مشخص اجتماعی معرفی کند، در معرض اتهام‌های اجتماعی دیگران قرار گیرد؟

اتهام‌هایی که دیگر مانند گذشته بر پایه مفاهیمی مانند تعصب اجتماعی، فرهنگی، مذهبی یا سنت به دیگران چسبانده نمی‌شوند بلکه بر پایه سوال‌های جدی مرتبط با مفهوم‌های عینی و درک فردی بنا شده‌اند. اگر تو خود را هجنسگرا می‌خوانی، آیا برابر این مفهوم در زندگی جنسی‌ات عمل می‌کنی؟ آیا به مثال‌های اجتماعی این مفهوم آشنایی داری؟ آیا می‌دانی واقعاً خود را چه می‌خوانی؟

این سوال‌ها در دنیایی پیش کشیده می‌شوند که درک فردی هر کسی، مقدم بر درک تئوریک است، چون هر انسانی تئوری را به شکل فردی خود و از چشم‌انداز فردی خود درک می‌کند.

در گذشته، تصویرهایی کلیشه‌ای ساخته شده‌اند تا به زندگی جنسی همجنس‌گرایان هویت ببخشند اما حالا در این زمان، نوجوان امروزی به راحتی این تصویرهای کلیشه‌ای را کنار می‌گذارد.

ساوین-ویلیامز در فصل سوم کتاب خود می‌گوید ساخته شدن اجتماعی جوان همجنس‌گرا را می‌توان به چهار دوره زمانی تقسیم کرد:

**یک)** دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی: در این دو دهه، تلاش برای تبدیل نوجوان همجنس‌گرا به شاخه‌ای از نوجوان معمولی جامعه شروع شد. در این زمان نوجوان همجنس‌گرا را موجودی غریب و حتی گونه‌ای ناشناخته حساب می‌کردند.

**دو)** دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی: در این دو دهه نوجوان همجنس‌گرا، نوجوانی آسیب‌دیده و در معرض خودکشی قرار داشت. حتی از پیش گفته می‌شود چنین جوانی با چه چیزهایی در آینده خود روبه‌رو خواهد شد.

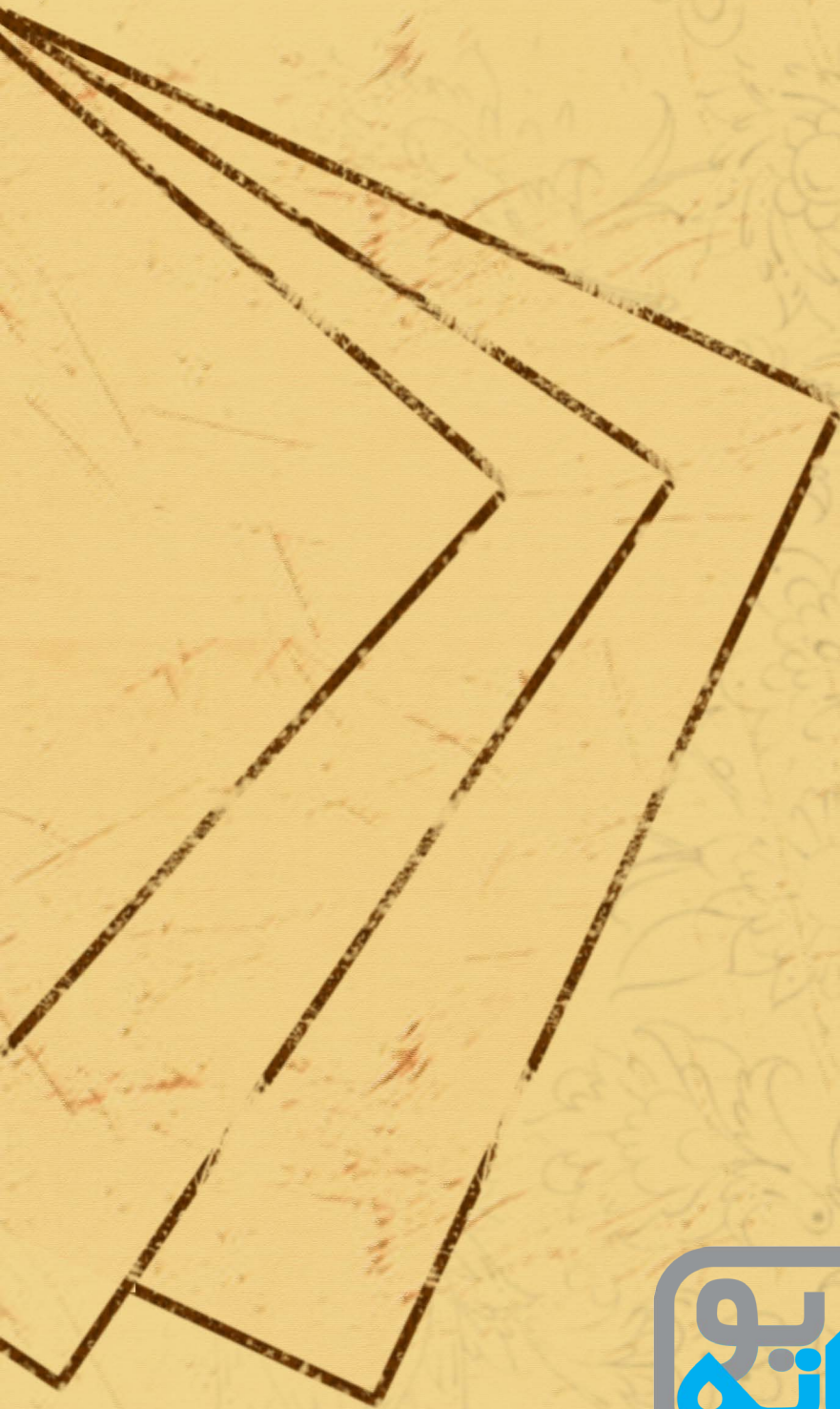
**سه)** اولین سال‌های اولین دهه هزاره سوم: در این دوره، احتمال این می‌رفت تا نوجوان همجنس‌گرا مغرور و با اعتماد به نفس باشد و خودش را برای آینده‌ای شایسته آماده کند.

**چهار)** آینده: امیدوار هستیم در آینده، نوجوانی با برچسب اجتماعی مشخص «همجنس‌گرا» دیگر وجود نداشته باشد و علایق همجنس‌خوانه فردی را موضوعی معمولی در زندگی انسان فرض کنند، یعنی انسان‌های همجنس‌خواه انسان‌هایی نه برتر نه بدتر از بقیه افراد جامعه فرض شوند.»

نوجوان امروز همجنس‌خواه در غرب، بر اساس تاریخچه‌ای مشخص و سنتی غالب بر زندگی مردم و رسانه‌ها و فرهنگ، حق انتخاب خودش را دارد. نوجوان امروز همجنس‌خواه ایران، در کلافی سردرگم بین خواسته‌های مذهب، حکومت و سنت، در کنار واقعیت‌های جامعه امروزی قرار گرفته است. نتیجه تقریباً در هر دو صورت مساله یکسان است، نوجوان امروزی مسیری را انتخاب می‌کند و در آن پیش می‌رود که به خواسته‌های فردی‌اش نزدیک‌تر باشد. در گذشته این امکان وجود داشت تا با برچسب‌های اجتماعی زندگی کنیم و بتدریج به سمت حذف این برچسب‌ها پیش می‌رویم. همان‌طور که سیاه و سفید بودن یا زرد بودن پوست آدمی، نباید تاثیری بر زندگی او بگذارد، همجنس‌خواه بودن یا نبودن یک انسان نیز نباید تاثیرگذار بر زندگی اجتماعی او باشد چون این موضوعی است صرفاً فردی. شاید نسل‌های قدیمی‌تر هنوز در درک این موضوع مشکل داشته باشند اما نوجوان امروزی همجنس‌خواه گام‌های خود را در زندگی برمی‌دارد و به گذشته نشان می‌دهد، آینده چه تصویری خواهد داشت.







راديو  
زمانه  
radiozamaneh